

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۳۹۳۷۸۸

1. عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«تَعْلَمُ أَنَّ الْمُسْلِمِينَ أَلْفُوا كِتَابًا وَ أَثَارًا عَدِيدَةً فِي الْمَجَالَاتِ الْفِكْرِيَّةِ وَ الْعِلْمِيَّةِ»

- 1) به نظر می آید که مسلمانان کتاب ها و آثار و مقالات متعدّد در مجال تفکر و علم نوشته باشند.
- 2) می دانیم که مسلمانان کتاب ها و آثار متعدّدی در زمینه های فکری و علمی تألیف کرده اند.
- 3) مسلمانان را می بینیم در حالی که کتاب و آثار مختلفی را در زمینه ی فکری و علمی نگاشته اند.
- 4) مشاهده می کنیم که مسلمانان کتاب ها و اثرهای گوناگون در عرصه ی فکر و علم منتشر ساخته بودند.

2. الظواهرات كلّها في الحركة و التغيير، فلماذا تكونين ثابتة في مكانك و لا تقدّمين إلى الأمام قدماً! " عین الصحيح في الترجمة

- 1) تمام پدیده ها در حرکت و دگرگونی هستند، پس چرا تو در جای خود ثابت هستی و هیچ قدمی به سمت جلو بر نمی داری!
- 2) پدیده های آفرینش در حال حرکت و دگرگونی هستند، اما تو در کار خویش ثابتی و حتی یک قدم به جلو بر نمی داری!
- 3) در حالی که تو بی حرکت هستی و حتی قدمی به سوی پیشرفت بر نمی داری تمام پدیده ها در حرکت و تکاپو هستند!
- 4) همه ی پدیده های هستی در حرکت و تکاپویند، پس چگونه است که تو بی حرکت مانده ای و پیشرفت نمی کنی!

3. عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«طلبت مني المعلمة قبول مسؤولية تعليم التلاميذ الضعفاء في الدروس»

- 1) آموزگار پذیرش مسئولیت یاد دادن دروس را به شاگردان ضعیف خود از من خواسته بود.
- 2) آموزگار مرا واداشت که مسئولیت یادگیری دروس دانش آموزان تنبل را بپذیرم.
- 3) معلم مرا به قبول مسئولیت آموزش دانش آموزان ضعیف در دروس شان وادار کرد.
- 4) معلم پذیرفتن مسئولیت آموزش دادن شاگردان ضعیف در دروس را از من خواست.

4. عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«يراجعه أكثر الشباب لأنه يهون الأمور الشاقّة»:

- 1) بیش تر جوانان به او مراجعه می کنند چون امور سخت را آسان می نماید.
- 2) بسیاری از جوانان به علت سهل گیری در امور سخت به او روی می آوردند.
- 3) از آن جا که امور رنج آور را سهل نمی گرفت بسیاری از جوان ها به او روی می آوردند.
- 4) مراجعه ی اکثر جوانان به او به خاطر این بود که کارهایشان را به آسانی حل می کرد.

5. عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

«صديق الأخبار و أحبهم لأنّ الذين تُحِبُّهم سيصبحون أصدقاءك في الآخرة!» : با نیکان همنشینی کن و

- 1) آن ها را محبت بیاموز تا در روز قیامت تو را دوست بدارند و از دوستانت باشند!
- 2) فقط آن ها را دوست داشته باش که آن ها همان دوستان روز رستاخیز تو خواهند بود!
- 3) آن ها را دوست بدار زیرا کسانی که دوستشان میداری در آخرت دوستانت خواهند شد!
- 4) فقط به آن ها محبت کن زیرا آن ها که مورد محبت تو می باشند همان ها هستند که روز قیامت دوستانت خواهند شد!

6. «معلم به دانش آموزان خود گفت: شهیدان راستگوترین و خوش رفتار ترین مردم هستند!» : عین الصحیح فی التعریب
- 1) قال المعلم لطلابه: إنَّ الشهداء أصدق الناس قولاً و أحسنهم عملاً!
 - 2) قالت المعلمة لتلميذاته: الشهداء أكثر الناس صدقاً أشدهم عملاً!
 - 3) قالت المعلمة لطلباته: الشهداء أصدق النَّاس كلاماً و أحسنهم فعلاً!
 - 4) قال المدرّس لتلاميذها: الشهداء أحسن الناس حديثاً و أفضلهم عملاً!
7. «إنَّ تَرَ غروب الشمس و كذلك حركات البدر بين الغيوم، تعترف بجمالها!»: "عین الصحیح فی الترجمة"
- 1) اگر ببینی که غروب خورشید و نیز حرکت ماه در میان ابر چه قدر زیباست به آن اعتراف می کنی!
 - 2) اگر می دیدی غروب خورشید با حرکات ماه بین ابرها چه قدر زیباست به آن اعتراف می کردی!
 - 3) اگر غروب خورشید را با حرکات ماه بین ابرها دیده باشی اعتراف به زیبایی آن می کردی!
 - 4) اگر غروب خورشید و نیز حرکات ماه داخل ابرها را ببینی به زیبایی آن اعتراف می کنی!
8. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :
- أمر الله الإنسان أن ينتفع بالنعمة و المواهب الإلهية للحركة نحو الرشد و الكمال!
- 1) خداوند به انسان امر کرده است تا از نعمت ها و موهبت های الهی برای حرکت به سوی رشد و کمال بهره ببرد!
 - 2) پروردگار به بشر دستور داده که از نعمت و مواهب خدایی برای هدایت و تکامل به سمت او بهره برداری کند!
 - 3) خداوند انسان را امر کرده به این که از برکات و نعمت های او برای تحرک و رشد و کمال سود بجوید!
 - 4) پروردگار ما به بشر دستور استفاده از نعمت ها و موهبت های خود را برای سیر به سوی رشد و کمال داده است!
9. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :
- لا تسمح إلا للأفكار الرائعة أن تؤثر على قلبك حتى تحلو حياتك!
- 1) فقط به افکار دل انگیز اجازه بده بر قلبت تأثیر کند تا زندگیت شیرین شود!
 - 2) به اندیشه های مفید اجازه بده قلبت را تحت تأثیر قرار دهد تا زندگی شیرین شود!
 - 3) اجازه مده چیزی جز اندیشه های مطلوب بر دلت اثر کند تا زندگی را بر تو شیرین گرداند!
 - 4) فقط به اندیشه های تازه اجازه مده که دلت را تحت تأثیر قرار دهد تا زندگیت به شیرینی گراید!
10. «آیا می دانستی که هر شعاع نوری از هفت رنگ زیبا تشکیل می شود؟!»
- 1) هل كنت تعلم الذي ينشعب ضوءاً من سبعة ألوان جميلة؟!
 - 2) أكنت تعلمين أنّ كلّ شعاع ضوئي يتكوّن من سبعة ألوان جميلة؟!
 - 3) أ أنت تعلم أنّ كلّ شعاع ضوء من سبعة ألوان الجميلة يتشكّل
 - 4) هل أنت تعلمي أنّ شعاع الضوء من الألوان السابعة الجميلة يتكوّن؟!
11. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة
- عندما سمعت نبأ انتصار الطلاب المشاركين في المسابقات العلمية جرت من عيني دموع الفرح!
- 1) وقتی پیام موفقیت دانشجویان شرکت کننده در مسابقات علمی را دریافت کردم، چشمانم اشک شادی جاری ساخت!
 - 2) آن هنگام که خبر برنده شدن دانش آموزان شرکت کننده در مسابقات علمی را دریافت کرد اشک های شوق از چشمش روان شد!
 - 3) هنگامی که خبر پیروزی دانش آموزان شرکت کننده در مسابقات علمی را شنیدم اشک های شادی از چشمانم جاری شد!
 - 4) زمانی که اخبار پیروزی شرکت کنندگان در مسابقات علمی را شنیدم اشک شادی از چشمانم سرازیر گشت!

12. عَيْنِ الْأَصْحَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

عليكم أن تتخذوا العلماء الصالحين كمصباح يهديكم إلى طريق الرشاد!

- 1) شما باید عالمان صالح را هم چون مشعلی برای خود انتخاب کنید که روشنی بخش راه هدایت می باشد!
- 2) بر شماست که دانشمندان صالح را چون چراغی برگزینید که شما را به راه راست هدایت می کند!
- 3) بر شما واجب است که فرزندانگان شایسته را به عنوان نوری برای راه رشد و هدایت برگزینید!
- 4) شما باید علمای صالح را چون چراغ که هدایت گر شما به راه صحیح می باشد، انتخاب کنید!

13. عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ :

- 1) مرتب بشخص عرفه الناس بسخاء الكف: از کنار شخصی گذشتم که مردم با سخاوت و بخشندگی او را می شناختند.
- 2) الغفلة عن أولادنا تجرهم إلى معاشره رفيق السوء!: غفلت از فرزندانمان آن ها را به سمت معاشرت با دوست بد می کشاند!
- 3) لا تقل كلاماً كذباً تشاهد نتيجه السيئة!: سخن دروغ را مگو، تا نتیجه ی بد آن را مشاهده کنی!
- 4) رأيت بلبلاً يغرد على شجرة بيتنا: بلبل را دیدم که بر روی درخت خانه ی ما آواز می خواند.

14. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«بعض أنواع الحيوانات كأنها موجودات شاعرة تعرف الطبيعة وجمالها وتعشقها!»

- 1) گویی برخی اقسام حیوان ها چون شاعرانی هستند که هم طبیعت را می شناسند و هم بدان عشق می ورزند!
- 2) بعضی اقسام جانوران همچون شاعران بالاحساسی هستند که با زیبایی طبیعت آشنا هستند و بر آن محبت می ورزند!
- 3) گویی بعضی گونه های جانوران موجودات دارای شعور هستند که با طبیعت آشنا هستند و بر زیبایی آن محبت می ورزند!
- 4) بعضی از انواع حیوانات گویی موجودات بالاحساسی هستند که طبیعت و زیبایی آن را می شناسند و بدان عشق می ورزند!

15. عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- 1) «يسعى رجال و نساء سائر البلاد الإسلامية في رعاية الأصول الأخلاقية دائماً!» : «مرد و زن در سایر کشورهای اسلامی همواره رعایت اصول اخلاقی را می کنند!»
- 2) «ناولت هذه التلميذة كتابها إلى صديقتها و أرادت منها أن ترجعه سريعاً!» : «این دانش آموز کتاب را به دوستش داد و از او خواست که آن را به او برگرداند!»
- 3) «هي راضية بما يرزقها الله فلا تشعر باليأس و الكسل!» : «در مورد روزی، او راضی به رضای خداست و احساس ناامیدی و کسالت نمی کند!»
- 4) «أجلستني الأستاذة عندها و تكلمت معي عن أسلوب تدريسها!» : «استاد مرا نزد خود نشانده و با من در مورد روش تدریش سخن گفت!»

16. عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ :

«نساءً الله منازل الشهداء و مصاحبة السعداء و مرافقة الأنبياء!»:

- 1) مقام شهیدان و همراهی سعیدان و همنشینی و همراهی انبیاء را از خداوند مسألت خواهیم کرد!
- 2) خداوند را به خاطر جایگاه عالی شهدا و همنشینی با سعادت‌مندان و پیروی از پیامبران خواهانیم!
- 3) از خداوند مقامات عالی شهدا و همنشینی با سعادت‌مندان و همراهی با پیامبران را مسألت می کنیم!
- 4) جایگاه عالی شهیدان و همراهی سعیدان و همنشینی و همراهی با انبیاء خدا را از او مسألت داریم!

17. عین الصحیح:

- (1) «ساعد مطر ليلة أمس علي تنقية الهواء!»: باران دیروز به لطیف شدن هوا کمک کرد!
- (2) «يجب علينا أن نشرب اللبن لسلامة جسمنا!»: نوشیدن شیر برای سلامتی بدن ضرورت دارد!
- (3) «ليت المتلون كانت سريرته و علايته لنا واحدة!»: کاش آم دورو ظاهر و باطنش یکی باشد!
- (4) «باستشهاده رددت عن صميم قلبي مرحباً بك!»: با شهید شدنش از اعماق دلم تکرار کردم درود بر تو باد!

**18. «بسیاری از دوستانمان تصمیم گرفته‌اند که هنگام عید با خانواده ی خود به مناطقی در خارج شهر مسافرت کنند!»
عین الصحیح فی التعریب :**

- (1) قد عَزَمَ كثير من أصدقائنا أن يسافروا عند العيد مع أسرهم إلى مناطق خارج المدينة!
- (2) كثير من زملائنا عند العيد عزموا على أن يذهبوا إلى منطقة في خارج البلد مع الأهل!
- (3) كثير من الأصدقاء يعزمون عند العيد على الذهاب إلى مناطق خارج المدينة مع الأسرة!
- (4) عزموا كثير من أصدقائنا في العيد على أن يسافروا إلى أماكن بعيدة من المدينة مع أهلهم!

**19. «مادرم به من گفت: زمانی که با برادر کوچکت از خانه خارج می شوی دستش را محکم بگیر!»
عین الصحیح فی التعریب**

- (1) أمي لى قالت: عندما تخرجين من الدار بأخيك الصغیر خذى يده بشدة!
- (2) قالت الأم لى: عند الخروج من البيت مع الأخ صغیرك إتخذ بيدیه محكماً!
- (3) أمي قالت: لما تذهب إلى خارج البيت بالأخ الصغیر خذ يده مستحكماً بها!
- (4) قالت أمي لى: حينما تخرجين من البيت مع أخيك الصغیر خذى يده مستمسكاً بها!

20. عین الصحیح:

- (1) فعلي الإنسان أن يتحرر من كل عبودية إلا لله تعالى! : پس انسان باید از هر عبودیتی جز برای الله تعالی آزاد شود!
- (2) وإن عبادتهم عبادة الأحرار، و هي أفضل العبادات، : و عبادت آنها، مثل آزادگانست که عبادت برتر شناخته می شود،
- (3) يعبدون الله و يحبونه، لأن حبّ الله أمر فطري للعباد، : خدا را عبادت می کنند چون بندگان فطراً او را دوست دارند،
- (4) عباد الرحمن هم الذين يشكرون الله علي نعمائه دائماً، : همواره بندگان خدای رحمان او را بر نعمتش شکرگزار هستند،

21. عین الصحیح:

- (1) فذلك الوقت يعادل عدد الساعات التي يقضونها في المدرسة! : آن وقت مثل ساعتی است که کودکان آن را در مدرسه می گذرانند!
- (2) لتراقب الأسرة أطفالها في زمن جلوسهم أمام التلفزيون، : خانواده کودکان را در زمان نشستن آنها مقابل تلویزیون مراقبت می کنند،
- (3) لأنّ الوقت الذي يقضيه الأطفال أمام التلفزيون كثير جداً، : قطعاً کودکان وقت زیادی را در مقابل تلویزیون می گذرانند،
- (4) هل تعلم كيف يكون تأثير التلفزيون علي سلوك الأطفال؟ : آیا می دانی تأثیر تلویزیون بر رفتار کودکان چگونه می باشد؟

22. عین الأصح و الأدقّ فی الجواب للترجمة :

«اجتنب الحمقاء فإنّ خطر حمقهم أكثر من جور الفجار!»

- (1) بترس از احمق ها، که خطر آن ها بسیار بیشتر از ظلم فجار است!
- (2) از احمق ها بپرهیز زیرا خطر آن ها و حماقتشان از فساد بیشتر است!
- (3) از احمق ها دوری کن که خطر حماقت آن ها از ستم فاجران بیشتر است!
- (4) اجتناب از احمق ها به خاطر حماقتشان است که خطرناک تر از فساد فسادگران است!

23. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

- 1) في عصرنا الحاضر وصل الإنسان إلى درجة عظيمة من التقدّم و صنع الآلات و الأدوات التي تخدمه :در عصر حاضر، انسان به پیشرفت عظیمی رسیده است و ابزار و وسایلی را که به او خدمت می کند ساخته است،
- 2) فاستفاد من قوى الطبيعة و استخدم ما خلق الله في الأرض لمصلحه :پس از قوای طبیعت استفاده کرد و آن چه را که خداوند در زمین برای منافع او خلق کرده، به کار گرفت،
- 3) و قد وصل الغربيون اليوم إلى أعظم درجات التقدّم العلميّ بفضل المسلمين :در حالی که غربی ها امروزه به برکت مسلمین بر پیشرفت بزرگی از مراتب علمی و عملی دست یافته اند،
- 4) و إن لا يعترف كثير منهم بهذا الفضل! :هر چند آنان به بسیاری از این برتری ها اعتراف نمی کنند!

24. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«در فصل بهار زمین با لباس سبز خود آراسته می گردد و چشم ها از دیدن آن بهره مند می گردند»

- 1) تزيّنت الأرض باللباس الخضراء و تتمتع العيون بها حين تنظر إليه في فصل الربيع.
- 2) في فصل الربيع تُزيّن الأرض باللباسها الأخضر و العيون تستفيد من هذا المنظر.
- 3) يتريّن الأرض بلباس أخضرها و العين تنتفع من مشاهدتها في الربيع.
- 4) في فصل الربيع تنزيّن الأرض بلباسها الأخضر و العيون تنتفع من النظر إليها.

25. عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ !

- 1) في أيام الطفولة في منتصف ليلة سمعتُ صوتاً ضعيفاً من ساحتنا الصغيرة: در ایام طفولیت در نیمه شبی صدای ضعیفی از حیاط کوچکمان شنیدم.
- 2) فذهبتُ إلى الساحة، فجأةً وقع نظري على سمكة صغيرة حمراء كانت وقعت على الأرض،: پس به حیاط رفتم، ناگهان چشمم به ماهی کوچک قرمزی افتاد که بر روی زمین افتاده بود.
- 3) فحملتها بيدي و وضعتها في وعاء زجاجي كأن جنب نافذة غرفتي،: و آن را با دستانم برداشتم و در ظرف شیشه ای که در کنار پنجره های اتاقم بود انداختم.
- 4) و حزنت كثيراً و قلقت من أجلها، ولكنّي عملتُ أنّها حيّة، فأسرت نحوها! و بسیار ناراحت شدم و به خاطر او نگران شدم ولی فهمیدم که او زنده است، پس به سویش شتافتم!

26. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«أفضل السعي، سعي يصلح شؤوننا في دنيانا و آخرتنا!»

- 1) بهترین سعی، تلاشی است که امور ما را در دنیا و آخرتمان اصلاح کند!
- 2) فاضل ترین سعی ها، آن سعی است که کارهای دنیا و آخرت ما را اصلاح سازد!
- 3) بهترین کوشش ها، تلاشی است که کارهای ما را در دنیا و آخرت بهبود بخشد!
- 4) نیکوترین تلاش ها، کوششی است که برای اصلاح امور دنیا و آخرت ما صالح باشد!

27. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«صديقتي كانت أمية، لكنّها لما شاهدت مكانة العلماء الرفيعة عزمت على الدراسة!»

- 1) دوستم بی سواد بود، ولی وقتی مقام بلند دانشمندان را دید، تصمیم به درس خواندن گرفت!
- 2) این رفیق بی سواد من بود که وقتی علمای والا مقام را مشاهده کرد عزم به تحصیل کرد!
- 3) رفیقم درس نخوانده بود، زمانی که موقعیت دانشمندان والا را دید، قصد بر ادامه ی تحصیل کرد!
- 4) دوست من که بی سواد بود، موقعی که جایگاه والا ی علما را مشاهده کرد، تصمیم گرفت درس بخواند!

28. عَيْنِ الْأَصْحَاحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

- «الشمس نجمة مُضيئة بذاتها و تُذهب بنورها كلَّ نوع من الظلام!» : خورشيد
- (1) ستاره‌ای است ذاتاً نورانی و هر نوع تاریکی را با نور خود از بین می‌برد!
 - (2) ستاره‌ای بذاته نورانی است که همه‌ی تاریکی‌ها به نورش زدوده می‌شود!
 - (3) ستاره‌ای با ذات نورانی است که نورش همه‌ی تاریکی‌ها را از بین می‌برد!
 - (4) ستاره‌ای است که درونش نورانی است و همه‌ی تاریکی‌ها را با نورش می‌زداید!

29. «حقایق فراوانی در قرآن وجود دارد که علم بشر تاکنون نتوانسته است اسرار آن‌ها را بفهمد!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ :

- (1) هناك توجد الحقائق الكثيرة في القرآن لا يقدر العلم إلى الآن معرفة أسرارها!
- (2) هناك حقائق كثيرة في القرآن ما استطاع علم البشر أن يدرك أسرارها حتى الآن!
- (3) تجد حقائق كثيرة في القرآن الذي ما استطاع علم البشر حتى الآن أن يعلم سرّه!
- (4) توجد في القرآن حقائق فخمة لا يقدر علم الإنسان أن يعرف الأسرار لذلك إلى الآن!

30. «در شورای مشورتی دانش آموزان، هرکس نظر خود را اظهار می‌کرد!» عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ :

- (1) في المجلس الاستشاري للطلاب كلٌّ مَنْ كان يبدي رأيه!
- (2) في المجلس الاستشاري للتلاميذ كلٌّ منهم يظهر برأيهم!
- (3) كان كلٌّ من الطلاب يبديون بأرائهم في مجلس الاستشاري!
- (4) كانت في الجلسة المشاورة للطالبات كلهنّ يظهرن آراءهنّ!

@konkurpex

- 1. گزینه 2** (۱) نعلم : می دانیم / ألفوا : تألیف کردند / كتب و آثاراً متعدده ← کتاب ها و آثار متعددی (نکره هستند) / فی المجالات الفكرية و العلمية : ترکیب وصفی است ← در زمینه های فکری و علمی (۳) نعلم أن المسلمین : می دانیم که مسلمانان / المجالات : زمینه ها (جمع است) (۴) نعلم ← مانند گزینه (۱) / كتب و آثاراً متعدده ← مانند گزینه (۱) نکته: ذهب : رفت، رفته است / قد ذهب : رفته است اگر فعل به صورت ماضی یا قد+ماضی باشد در ترجمه به دو صورت ماضی ساده و ماضی نقلی، می توان ترجمه کرد.
- 2. گزینه 1** (۲) الظواهرات كلها: همه ی پدیده ها («آفرینش» زاند ترجمه شده است.) (۳) إلى الامام: به جلو («الامام» پیشرفت ترجمه شده و اشتباه است.) / فی مکانک: در مکان خود، در جای خود (ترجمه نشده است.) / فلماذا: «پس چرا» ترجمه نشده است. (۴) الظواهرات: پدیده ها («هستی» زاند ترجمه شده است.) / فلماذا: پس چرا («پس چگونه است» ترجمه شده و اشتباه است.) / إلى الامام قدماً: قدمی به سمت جلو (ترجمه نشده است.)
- 3. گزینه 4** (۱) طلبت منی : از من خواست ← ماضی ساده است اما به صورت ماضی بعید ترجمه شده است / قبول مسؤولية تعليم التلاميذ الضعفا : پذیرش مسئولیت آموزش دادن دانش آموزان ضعیف ← ترکیب وصفی و اضافی است و باید به همین ترتیب ترجمه شود. (۲) طلبت منی ← مانند گزینه (۱) (به معنی مرا وا داشت نیست) / قبول مسؤولية تعليم التلاميذ الضعفا ← مانند گزینه (۱) (۳) طلبت منی ← مانند گزینه (۱) (به معنی مرا وا داشت نیست) / فی الدروس : در درس ها (درسهایشان اشتباه است)
- 4. گزینه 1** (۲) يراجع: به او مراجعه می کنند (فعل مضارع + مفعول به) / يهون الأمور الشاقة: امور سخت را آسان می کند (اما به صورت مصدر ترجمه شده است و اشتباه است) (۳) يراجع ← مانند گزینه (۱) / يهون الأمور الشاقة ← مانند گزینه (۲) (۴) مانند گزینه های (۲) و (۳) فعل مصدر ترجمه شده است و مفعول نیامده است.
- 5. گزینه 3** (۱) أحببهم : آن ها را دوست بدار (فعل امر است) / لأن الذين تحبهم : زیرا کسانی که دوستشان داری (فعل مضارع اخباری) / سيصبحون : خواهند شد (فعل مستقبل) (۲) لأن الذين تحبهم ← مانند گزینه (۱) / اصدقاءك : دوستانت / سيصبحون ← مانند گزینه (۱) (۴) أحببهم ← مانند گزینه (۱) / لأن الذين تحبهم ← مانند گزینه (۱)
- 6. گزینه 1** ۲- لتلميذاته : ضمير «هـ» به «المعلمة» اشاره می کند که غلط است و باید به صورت «ها» بیاید. / ادامه ی ترجمه نیز اشتباه است.
- ۳- لطالباته : مانند گزینه ۲ ضمير «هـ» به «المعلمة» اشاره می کند پس باید به صورت مؤنث یعنی «ها» بیاید که مطابقت کند.
- ۴- «المدرّس» : مفرد مذکر است ولی در «لتلاميذها»، «ها» به «المدرّس» اشاره دارد که با آن مطابقت ندارد.
- 7. گزینه 4** بررسی موارد سایر گزینه ها:
- (۱) «حركات الیدر»: حرکات ماه، «حرکات» جمع است پس باید به صورت جمع نیز ترجمه شود.
- (۲) «إن تر... تعترف» اگر ببینی... اعتراف می کنی (ان=ادات شرط است)
- (۳) مانند گزینه (۲) است.
- نکته: هنگامی که (ادات شرط + فعل شرط + جواب شرط) داشته باشیم در هنگام ترجمه، فعل شرط به صورت مضارع التزامی و جواب شرط به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود.
- 8. گزینه 1** كلمات كليدي : النعم / المواهب الإلهية / للحركة
- مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: النعم : نعمت ها کلمه ای مستقل و جمع مکسر است و نباید به صورت مفرد ترجمه شود. (رد گزینه های (۲) و (۳))

و المواهب الإلهية : موهبت های الهی، یک ترکیب وصفی است که باید پشت سر هم ترجمه شود. (رد گزینه های (۳) و (۴))

9. گزینه 1 کلمات کلیدی: لا تسمح إلا للأفكار الرائعة / أن تؤثر / حتى تحلو / حياتك

مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: لا تَسْمَحُ إِلَّا لِلْأفْكَارِ الرَّائِعَةِ: فقط به افکار دل انگیز اجازه بده در استثنای مفرغ می توانیم جمله را به صورت مثبت و مؤکد ترجمه کنیم. (رد سایر گزینه ها). ضمناً دو فعل أن تؤثر، حتى تحلو مضارع منصوب هستند که معادل مضارع التزامی زبان فارسی هستند، علاوه بر آن تحلو فعل لازم است. (رد گزینه ی (۳))

حیاتک : زندگی ات، ضمیر ک باید ترجمه شود (رد گزینه های (۲) و (۳))

10. گزینه 2 «می دانستی» ماضی استمراری است که معادل عربی آن كُنْتَ تَعْلَمُ يَا كُنْتَ تَعْلَمُ می باشد. بزرسی موارد

در سایر گزینه ها: (رد گزینه های (۳) و (۴)) يتكوّن به معنای «تشکیل می شود» است. (رد گزینه ی (۱)) و عدد هفت جزء اعداد اصلی است و معادل عربی آن سبعة می باشد و ضمناً «رنگ زیبا» یک ترکیب وصفی است و چون معدود اعداد سه تا ده جمع و مجرور است باید صفت ألوان مفرد مؤنث بیاید. ألوان جميلة

11. گزینه 3 کلمات کلیدی: سمعت / نبأ انتصار الطلاب / عيني/ دموع الفرح

مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: نبأ انتصار الطلاب: خبر پیروزی دانش آموزان (رد سایر گزینه ها) دو کلمه ی عيني: عینین + ي مثنی است و دموع جمع مکسر است که به ترتیب به معانی «چشمانم»، «اشک های» می باشد. (رد سایر گزینه ها)

12. گزینه 2 کلمات کلیدی: كمصباح / يهديكم / إلى طريق الرشاد

مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: كمصباح: مانند چراغی (مشعلی) اسم نکره است و باید «ی» وحدت یا نکره ترجمه شود. (رد گزینه های (۳) و (۴))

یهدیکم: جمله ی وصفیه است و باید با حرف ربط «که» ترجمه شود. [رد گزینه ی (۳)] / كم در یهدیکم: «هدایت می کند شما را» مفعول به است باید به صورت مفعولی ترجمه شود. [رد سایر گزینه ها] / إلى طريق الرشاد: به راه هدایت (راه راست) [رد سایر گزینه ها]

13. گزینه 2 بررسی موارد سایر گزینه ها:

(۱) در عبارت «مررت ... عرفة»، چون فعل ماضی ای است که قبل از آن فعل ماضی «مررت» آمده است. پس بهتر است در ترجمه، از ماضی بعید استفاده شود.

(۳) «کلاماً کذباً» یک ترکیب وصفی است که هم موصوف و هم صفت نکره محسوب می شود به همین خاطر در ترجمه نیز باید از حرف «ی» نکره استفاده شود. ترجمه صحیح: سخن دروغی

(۴) «بلبلاً» یک اسم نکره است که در ترجمه باید از حرف «ی» نکره استفاده شود و به صورت بلبلی ترجمه شود.

14. گزینه 4 (شاعر: با احساس، رد گزینه های ۱ و ۲)

که «موجودات شاعرة» یک ترکیب وصفی نکره است که باید به همراه یک و یا «ی» وحدت ترجمه شود «موجودات با

احساسی» و «تعرف» باید به صورت فعل مضارع ترجمه شود «می شناسد» (رد گزینه های ۲ و ۳)

15. گزینه 4 رد گزینه (۱): (رجال و نساء: زنان و مردان)، (یسعی: سعی می کنند)

رد گزینه (۲): (کتابها: کتابش)، (سریعاً: ترجمه نشده)

رد گزینه (۳): در مورد روزی: زاند است.

16. گزینه 3 بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: «نساء» ← فعل مضارع به معنی «می خواهیم، مسألت می کنیم» است.

در گزینه ی (۱) به صورت مستقبل ترجمه شده است. / همچنین «منازل» به صورت مفرد ترجمه شده است در صورتی که جمع مکسر «منازل» است و معنای جایگاه ها و مقامات می دهند.

گزینه ی ۲: مانند گزینه (۱) «نساء» اشتباه ترجمه شده است. / همچنین «منازل» به صورت مفرد ترجمه شده است. (منازل ← جایگاه ها، مقامات)

گزینه ی ۴: مانند گزینه های (۱ و ۲) «منازل» مفرد ترجمه شده است.

17. گزینه 4 بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: دیروز (دیشب)

گزینه ی ۲: بدن (بدن ما)

گزینه ی ۳: در این گزینه «لنا: برای ما» ترجمه نشده است.

18. گزینه 1 (۱) تصمیم گرفته اند ← قد عزم (چون اول جمله آمده، اگر در وسط جمله بیاید به صورت «قد عزموا»

صحیح است) قد + فعل ماضی = ماضی نقلی

(۲) «عزموا» اشتباه است ← قد عزموا / مناطقی : مناطقی (هم جمع است و هم نکره) / شهر: المدينة / با خانواده ی خود: مع أسرتهم

(۳) دوستانمان ← أصدقائنا / تصمیم گرفته اند ← مانند گزینه (۱) / که مسافرت کنند: به صورت مضارع التزامی است و

باید فعل به صورت مضارع منصوب ترجمه شود ← آن یسافروا هنگامی که یکی از ادات ناصبه بر سر فعل مضارع بیاید،

فعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می شود. / با خانواده ی خود: مع أسرتهم

(۴) عزموا ← قد عزم (مانند گزینه (۱) / «أماکن» به معنی مناطق نیست ← مناطق / «بعیده» زائد است.

کنکور

@konkurpex

- 19. گزینه 4 (۱)** «لی» اشتباهاً مقدم شده است ← «أُمی قالت لی» یا «قالت أُمی لی» صحیح است. / «بشدة» معادل «محکم» نیست ← مستمسکة
- (۲) مادرم ← أُمی / خارج می شوی: تخرجین (فعل مضارع مخاطب است) / با برادر کوچکت: مع أخیک الصغیر، بأخیک الصغیر (ترکیب وصفی و اضافی است، بنابراین باید در هنگام تعریب ابتدا مضاف الیه و سپس صفت تعریب شود.) / محکم بگیر: خذی مستمسکة («خذی» باید با «تخرجین» از نظر صیغه مطابقت کند و به صورت امر باشد) / دستش: یده («بیدینه» اشتباه است زیرا دست در این عبارت مفرد است و اگر هم بخواهیم به صورت مثنی بیاوریم، چون مضاف واقع شده باید «نون» آن حذف شود.)
- (۳) مادرم به من گفت ← مانند گزینه (۱) / با برادر کوچکت: مانند گزینه (۲) / «بده» اشتباه است ← یده
- 20. گزینه 1** فعلی الإنسان: پس انسان باید / أن یتحرَّرَ : که آزادشود / مِنْ كُلِّ عبودیةٍ : از هر عبودیتی / إلاً لله تعالی: جز برای خدای تعالی. ترجمه ی درست سایر گزینه ها، به ترتیب، عبارت است از: گزینه ی ۱: بندگان خدای رحمان، همان کسانی هستند که همواره خدا را بر نعمت او شکر می کنند. گزینه ی ۲: و عبادت آنان، هم چون عبادت آزادگان است، که آن، بالاترین عبادت هاست. گزینه ی ۳: خدا را می پرستند و او را دوست می دارند، زیرا که دوست داشتن خدا برای بندگان، امری فطری است.
- 21. گزینه 4** هل تَعَلَّمْ؟ : آیا می دانی که؟ / كَيْفَ يَكُونُ : چگونه است / عَلَي سلوک : بر رفتار .
- 22. گزینه 3 (۱)** اجْتَنِبْ: دوری کن، پرهیز ← «بترس» اشتباه است. / خطر محقهم: خطر حماقتشان ← ترکیب اضافی است و مضاف الیه ها باید به ترتیب ترجمه شوند
- (۲) خطر محقهم ← مانند گزینه (۱) / جور الفجَار: ستم فجَار
- (۴) اجْتَنِبْ ← مانند گزینه (۱) / خطر محقهم: ← مانند گزینه (۱)
- 23. گزینه 2 (۱)** فی عصرنا الحاضر: در عصر حاضر ما (ترکیب وصفی و اضافی است که در این صورت، ابتدا باید صفت و سپس مضاف الیه ترجمه گردد.) / درجة عظيمة من التقدم: درجه ی بزرگی از پیشرفت
- (۳) أعظم درجات التقدم العلمی: بزرگترین درجات پیشرفت علمی (ترکیب وصفی و اضافی)
- (۴) کثیر منهم: بسیاری از آن ها / بهذا الفضل: به این برتری («الفضل» مفرد است)
- 24. گزینه 4 (۱)** آراسته می گردد: فعل مضارع و «الأرض» که مؤنث مجازی است فاعل آن است پس به صورت مفرد مؤنث می آید ← تتزین / لباس سبز خود: بلباسها الأخضر (ترکیب وصفی و اضافی ← ابتدا مضاف الیه می آید، سپس صفت) («لباس» مضاف است و «ال» نمی گیرد)
- (۲) تُزَيِّنُ الأرض: اشتباه است ← مانند گزینه (۱) / با لباس سبز خود ← مانند گزینه (۱) / از دیدن آن: من مشاهدتها، من النظر إليها ← «من هذا المنظر» اشتباه است.
- (۳) يتزین: مذکر است و اشتباه است ← مانند گزینه (۱) / لباس سبز خود ← مانند گزینه (۱) / چشم ها: العيون ← العین اشتباه است چون مفرد است / در فصل بهار: فی فصل الربیع (فصل ترجمه نشده است)
- 25. گزینه 3** بررسی موارد سایر گزینه ها:
- وضعتها: گذاشتم (مترادف با «جعلت» ← به معنای «انداختم» ترجمه شده و اشتباه است. / نافذة: پنجره (مفرد است) / بیدی: با دستم (مفرد است.)
- توجه شود موضوع چهار گزینه به هم مربوط هستند .
- 26. گزینه 1 (۲)** أفضل السعی: بهترین سعی («السعی» مفرد است) / «فی دنیانا و آخرتنا» مضاف الیه نیستند، جار و مجرور هستند و باید صحیح ترجمه شوند ← شووننا فی دنیانا و آخرتنا : کارهای ما را در دنیا و آخرتمان
- (۳) أفضل السعی ← مانند گزینه (۲) / دنیانا و آخرتنا ← دنیا و آخرتمان
- (۴) أفضل السعی ← مانند گزینه (۲) / شووننا فی دنیانا و آخرتنا ← مانند گزینه (۲)
- 27. گزینه 1 (۲)** صدیقتی کان أمیة: دوستم بی سواد بود (بی سواد به عنوان صفت برای «صدیقتی» ترجمه شده که اشتباه است و همچنین جمله اسمیه است و خبر باید به صورت صحیح ترجمه شود) / مكانة العلماء الرفیعة: جایگاه والای علما (ترکیب وصفی و اضافی است و «الرفیعة» صفت برای «العلماء» است.)
- (۳) مكانة العلماء الرفیعة ← مانند گزینه (۲) / عزمت علی دراسة: تصمیم به درس خواندن گرفت، عزم به تحصیل کرد («ادامه» ی تحصیل اشتباه است.)
- (۴) صدیقتی کان أمیة ← مانند گزینه (۱) (دوستم که بی سواد بود ← به صورت ترکیب وصفی ترجمه شده است و اشتباه است.)

28. گزینه 1 بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

(۲) تَذَهُبُ : از بین می‌برد (فعل مضارع - ثلاثی مزید من باب «افعال» / کلّ نوع من الظلام : هر نوع تاریکی («الظلام» مفرد است)

(۳) بنورها : با نورش («با» ترجمه نشده است) / کلّ نوع من الظلام ← مانند گزینه (۲)

(۴) بنورها ← مانند گزینه (۳) / کلّ نوع من الظلام ← مانند گزینه (۲)

29. گزینه 2 (۱) حقایق فراوانی وجود دارد: هناک حقائق کثیرة («هناک» اگر در ابتدای جمله بیاید به معنای «وجود

دارد» است و خبر مقدم محسوب می‌شود. همچنین «حقایق فراوانی» ترکیب وصفی نکره است و صفت نیز به تبعیت از موصوف باید نکره باشد) / نتوانسته است: ما استطاع / اسرار آن‌ها را بفهمد: آن یدرک أسرارها («ها» به «حقائق» که جمع غیر عاقل است برمی‌گردد و بنابراین باید مفرد مؤنث باشد)

(۳) وجود دارد: هناک ← مانند گزینه (۱) / اسرار آن‌ها: أسرارها ← مانند گزینه (۱) زیرا سِرّه هم به صورت مفرد و هم ضمیر ه غلط به کار رفته است.

(۴) وجود دارد: هناک ← مانند گزینه (۱) / حقایق فراوانی: حقائق کثیرة («فخمة» به معنای «بزرگ» است نه «فراوان» / نتوانسته است ← مانند گزینه (۱) / اسرار آن‌ها ← مانند گزینه (۱) زیرا اسرار بدون ضمیر آمده است.

30. گزینه 1 با توجه به گزینه‌ها معنای «اظهار می‌کرد» کلمه ی کلیدی است و ما باید ابتدا این فعل را ترجمه کنیم: اظهار می‌کرد ← ماضی استمراری ← کان یبدي (کان + فعل مضارع)

۲- دلیل بالا / نظر خود: رأیه («ه» به «مَن» برمی‌گردد و باید مفرد مذکر باشد.)

۳- آراء ← به معنی نظرها غلط آمده است.

۴- دلایل بالا

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۳۷۸۸

۳ -۵	۱ -۴	۴ -۳	۱ -۲	۲ -۱
۲ -۱۰	۱ -۹	۱ -۸	۴ -۷	۱ -۶
۴ -۱۵	۴ -۱۴	۲ -۱۳	۲ -۱۲	۳ -۱۱
۱ -۲۰	۴ -۱۹	۱ -۱۸	۴ -۱۷	۳ -۱۶
۳ -۲۵	۴ -۲۴	۲ -۲۳	۳ -۲۲	۴ -۲۱
۱ -۳۰	۲ -۲۹	۱ -۲۸	۱ -۲۷	۱ -۲۶

کنکور

@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقة

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سوال ۳۹/۳۴

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة التالية:

توصلت مجموعة من العلماء إلى الكشف عن نوع من الأسماك الإستوائية التي تعيش في مياه المستنقعات (مردابها)! لدى هذه الأسماك القدرة على العيش لمدة أشهر دون ماء و هي تكثر في الإمبريكا و على الرغم صغر حجم هذه السمكة التي لا يمكن أن تصبح أكبر من ٧,٥ بوصة (اينچ) تقدر عند عدم الماء أن تعيش ضمن جذع شجرة ميجوف (توخالي) أو حفرة ترابية ... و خلال هذه الفترة تقوم هذه الأسماك بالتنفس عن طريق الجلد على خلاف الأنواع الأخرى من الأسماك التي لا يمكنها التنفس إلا عن طريق الخياشيم (أبششها) و عندما تنزل الأمطار تخرج هذه الأسماك من مكانها و تعود لحياتها الطبيعية كبقية الأسماك الأخرى!

1. عيّن الخطأ في التشكيل:

«عندما تنزل الأمطار تخرج هذه الأسماك من مكانها و تعود لحياتها الطبيعية!»

- (1) نَنْزَلُ - الأسماك - مكانها - لحياتها
(2) الأَمْطَارُ - تُخْرُجُ - تُعَوِّدُ - الطَّبِيعِيَّةُ
(3) الأَمْطَارُ - الأسماك - تُعَوِّدُ - لحياتها
(4) نَنْزَلُ - تُخْرُجُ - مكانها - الطَّبِيعِيَّةُ

2. عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«تكثر»:

- (1) فعل مضارع - للمخاطب - مجرد ثلاثي - معرب / فعل و فاعله «أنت» و الجملة خبر في محلّ الرفع
(2) مضارع - مجرد ثلاثي - معرب - متعدّد - مبنئ للمجهول / فعل و نائب فاعله «هي» المستتر
(3) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي - معرب - متعدّد / فعل مع فاعله و الجملة خبرية
(4) للغائبة - مجرد ثلاثي - مبنئ للمعلوم - لازم / فعل و فاعله «هي» المستتر و الجملة خبر مرفوع محلاً

3. عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«مجوف»:

- (1) إسم - مفرد - مذکر - معرب - جامد / مضاف إليه و مجرور
(2) مفرد - مذکر - مشتق «اسم مفعول» - نكرة - صحيح الآخر / نعت و مجرور بالتبعية
(3) إسم - مشتق - نكرة - معرب - منصرف / مضاف إليه و مجرور
(4) مفرد - مذکر - معرب - معرفة - صحيح الآخر / نعت و مجرور بالتبعية من «شجرة»

4. عيّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي:

«تقوم»:

- (1) فعل مضارع - للغائبة - مجرد ثلاثي - معتلّ و أجوف / فعل و فاعله «الإسم الظاهر»
(2) للغائبة - معرب - مبنئ للمعلوم - لازم / فعل و فاعله «هي» و الجملة خبر و مرفوع محلاً
(3) مضارع - مزيد ثلاثي - معرب - مبنئ للمجهول / فعل و نائب فاعله «هي» المستتر و الجملة خبر و مرفوع محلاً
(4) فعل مضارع - معرب - متعدّد - مبنئ للمعلوم - معتلّ العين / فعل و فاعله «الأسماك»

اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النص:

دخل رجل أحد ثغور بلاده بعد معركة و سمع أصوات ثلاثة جنود جرحى (مجروح) يطلبون الماء. عزم على البحث عن الماء لهم، فذهب إلى مكان قريب و عاد بمقدار من الماء و عرّضه على الأول و لكن طلب منه أن يسقى زميله فلعله يكون أشدّ عطشاً منه. ذهب إلى الجريح الثاني فما قبّل أيضاً شرب الماء قبل زميله الثالث. فذهب إلى الثالث فوجده ميتاً، فرجع إلى الثاني فوجده ميتاً و عاد إلى الأول فوجده قد فارق (ترك) الحياة!

5. عَيِّن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «قِيلَ»:

- (1) ماضٍ - للغائب - لازم / فعل و فاعل، و الجملة فعلية
- (2) فعل ماضٍ - للغائب - مبني - متعدّد / فاعله «شرب»
- (3) مجرد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
- (4) مجرد ثلاثي - معرب / فعل و مع فاعله الجملة فعلية

6. عَيِّن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ: «الثاني»:

- (1) اسم - مفرد - جامد - معرّف بأل / صفة و مجرور بالتبعية
- (2) مفرد مذكّر - معرب - منصرف / مرفوع بالتبعية تقديرًا
- (3) اسم - مشتق (اسم فاعل) - منقوص / صفة و مجرور تقديرًا
- (4) معرب - معرفة - ممنوع من الصرف / مضاف إليه و مجرور

العلاقة بين الإيرانيين و العرب تعود إلى أقدم العصور. فوجود المفردات الفارسية في أشعار شعراء العرب قبل الإسلام أفضل حجة لإثبات هذا الأمر. أحد أسباب استحكام هذه العلاقة هو موضوع ترجمة الآثار إلى هاتين اللغتين! إضافة إلى ذلك كان الإيرانيون من رُوَاد (ج راند) تلك النهضة العلمية التي نُفِخت في أركان المجتمع الإسلامي. فهُم قد سَعَوْا أن يوسِعُوها، و في هذا المجال اعتنوا بلغة هذه النهضة أكثر من أصحابها!
و لم يشعر الإيرانيون بالغرابة حين رأوا أنها هي اللغة العربية، بل أنسوا بها و حاولوا أن يدوّنوها و ينظّموها، فألّفوا تأليفات متنوّعة كثيرة لفهمها و تبينها و استخراج ظرائفها!

7. عَيِّن الخَطَأ فِي التَّشْكِيلِ

حاولوا أن يدوّنوها و ينظّموها فألّفوا تأليفات متنوّعة كثيرة لفهمها و تبينها":

- (1) يُنظّمُها - فهِمها - تَبَيَّنَها
- (2) أَلْفُوا - تَأَلَّفَاتٍ - لَفَهِمها
- (3) مُتَنَوِّعَةٌ - كَثِيرَةٌ - فَهِم
- (4) حَاوَلُوا - يُدَوِّنُها - يُنظّمُها

8. عَيِّن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ متنوّعة":

- (1) مشتق و اسم فاعل (مصدره: تنوع) - نكرة / نعت و منصوب بالتبعية للمنوع «تأليفات»
- (2) اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب - منصرف / مضاف إليه و مجرور، و المضاف «تأليفات»
- (3) مفرد مؤنث - مشتق و اسم مفعول (مصدره: تنوع) / صفة و منصوب بالتبعية للموصوف «تأليفات»
- (4) معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / نعت أو صفة و منصوب بالتبعية للمنوع أو الموصوف «تأليفات»

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ بِدَقَّةٍ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ بِمَا يَنَاسِبُ النَّصِّ:

هناك نبات يُسَمَّى بـ «الفطر» لا يَحْتَوِي عَلَى مَادَّةِ الكُلُورُوفِيلِ وَ إِنَّمَا يَحْصُلُ عَلَى المَوَادِّ الغِذَائِيَّةِ مِنَ الهَوَاءِ الرَّطْبِ وَ الأَرْضِ الرُّطْبَةِ وَ بَعْضُ الحَيَوَانَاتِ الصَّغِيرَةِ. تَوْجَدُ الأَلْفُ مِنْ أَنْوَاعِ الفَطْرِ المَخْتَلِفَةِ الأحْجَامِ وَ الأشْكَالِ وَ الأَلْوَانِ. يَخْتَلِفُ حِجْمُ الفَطْرِ مِنْ ذَرَّةٍ لَا تُرَى بِالْعَيْنِ إِلَى الكِيلُوغْرَامِ وَ أَكْثَرُ! لَلْفَطْرِ أَثْرٌ كَبِيرٌ عَلَى حَالَةِ التَّوَازَنِ الطَّبِيعِيِّ حِينَ تَبَدَّلُ الأَوْرَاقُ المَيِّتَةَ إِلَى غَازِ ثَانِي أوكسيد الكربون!

إِنَّ هُنَاكَ الكَثِيرَ مِنَ الأنْوَاعِ المَفِيدَةِ مِنَ الفَطْرِياتِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا فِي الصَّنَاعَةِ الغِذَائِيَّةِ وَ شِفَاءِ الأَمْرَاضِ؛ كَمَا أَنَّ هُنَاكَ فَطْرِياتٍ سَالِمَةٌ صَالِحَةٌ لِتَأْكُلِ، وَ هَذَا مَصْدَرٌ كَبِيرٌ وَ عَظِيمٌ لِلْبَرْوَتِيَّاتِ!

وَ مِنَ العَجِيبِ أَنَّ الأنْوَاعَ المَلَوْنَةَ الجميلَةَ مِنَ الفَطْرِ فِيهَا سُمُومٌ قَاتِلَةٌ أَكْثَرَ مِنْ غَيْرِهَا! يَتَكَاثَرُ الفَطْرُ بِطَرِيقَةِ الغَبَارِ وَ هِيَ طَرِيقَةٌ بِشَارِكِهِ غَيْرِ مِنَ النَبَاتَاتِ. الرِّيحُ تَحْمِلُ أَجْزَاءَ هَذَا النَبَاتِ إِلَى النِّقَاطِ البَعِيدَةِ فَمَعِ حُصُولِ شُرُوطِ طَبِيعِيَّةٍ تَنْبَتِ الفَطُورُ وَ تَأْتِي بِأَنْوَاعٍ جَدِيدَةٍ تُشَبِّهُ نَظَائِرَهَا!

9. عَيِّن الخَطَأَ في التَّشْكِيلِ: «يخْتَلِفُ حَجْمُ الفَطْرِ من نِزَّةٍ لا تَرى بِالعينِ إلى الكِيلوغرامِ و أَكْثَرُ، و لِلْفَطْرِ أَثَرٌ كَبِيرٌ عَلى حَالَةِ التَّوَازَنِ الطَّبِيعِيِّ!»

- (1) أَثَرٌ - كَبِيرٌ - حَالَةٌ
(2) حَجْمٌ - ذَرَّةٌ - أَثَرٌ
(3) يَخْتَلِفُ - العَيْنُ - أَكْثَرُ
(4) كَبِيرٌ - التَّوَازَنُ - الطَّبِيعِيُّ

10. عَيِّن الصَّحِيحَ في الإعرابِ و التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ
«نظائر»:

- (1) جمع تكسير (مفردة: نظير، مذكّر) - معرّف بالإضافة / معرب / مفعول به و منصوب
(2) اسم - جامد - معرّف بالإضافة - معرب / تمييز و منصوب لجملة «تشبيه»
(3) اسم - مشتق و صفة مشبّهة - معرّف بالإضافة - معرب / تمييز و منصوب
(4) جمع مكسّر (مفردة: ناظر، مذكّر) - مشتق و اسم فاعل / حال لفعل «تشبيه»

كان حطّاب يسكن في كوخ صغير، و كان كلّ يوم و مع شروق الشمس يذهب لجمع الحطب و يترك طفله تحت حماية كلبه خاصةً في حال انشغلت الأم عنه، في يوم من الأيام و بينما كان الحطّاب عاتداً من عمل يوم شاق سمع صوت الكلب من بعيد على غير عادته، فأسرع في المشي إلى أن يقترب من الكلب، كان وجهه ملوّناً بالدماء فصعق (از حال رفّت) الحطّاب ... و علم أن الكلب قد خانته و أكل طفله فضرب الكلب ضربة بين عينيه، و بسرعة دخل الحطّاب في الكوخ ليرى بقايا طفله المأكول و بمجرد دخوله في الكوخ ثبت في مكانه و امتلأت عيناه بالدموع عندما رأى حيّة (مار) مقتولة و طفله يلعب على السرير، حزن الحطّاب أشدّ الحزن على كلبه الذي افتداه و كان ينتظر شكراً من صاحبه فرحاً!

11. عَيِّن الخَطَأَ في التَّشْكِيلِ: «كان وجهه ملوّناً بالدماء فصعق الحطّاب ... و علم أن الكلب قد خانته و أكل طفله فضرب الكلب ضربة بين عينيه!»:

- (1) وَجْهٌ - طِفْلٌ - الكَلْبُ
(2) الدِّمَاءُ - الحَطَّابُ - بَيْنَ
(3) مُلَوَّنًا - أَنْ - الكَلْبُ
(4) الحَطَّابُ - طِفْلٌ - ضَرْبَةً

12. عَيِّن الصَّحِيحَ في الإعرابِ و التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:
«ينتظر»:

- (1) مضارع - للغائب - متعدّد - معرب / فعل و فاعله الإسم الظاهر
(2) للغائب - مزيد ثلاثي من باب انفعال - مبني المعلوم / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
(3) متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل و فاعله ضمير مستتر، خبر «كان» و منصوب محلاً
(4) فعل مضارع - مزيد ثلاثي - مبني / فعل و مع فاعله خبر للتواسخ

إنّ أحد التّجار أرسل ابنه عند رجلٍ حكيمٍ لكي يتعلّم سرّ السّعادة، فوصل إلى قصر جميل فيه يسكن الحكيم. عند الوصول في القصر وجد جمعاً من النّاس، قال له الحكيم: ليس لَدَيّ وقت الآن، و طلب منه أن يجول داخل القصر و يرجع بعد ساعتين، و قدّم له ملعقة (قاشق) صغيرة فيها نقطتان من الزّيت و طلب أن يمسكها في يده طول الجولة و لا ينسكب منها الزّيت! أخذ الفتى يصعد سلالم القصر يشاهد الملعقة كل لحظة، عندما رجّع قال الحكيم: هل رأيت السّجاد الفارسيّ في غرفة الطّعام؟ و هل أعجبتك المجلدات الجميلة في مكتبتي؟ أجب: لا، و اعتراف بأنّه لم ير شيئاً لأنّه كان مشغولاً بمشاهدة الزيت. فقال الحكيم: أرجع و تعرّف على معالم القصر، عاد الفتى منتبهاً إلى ما في القصر. و عند الرجوع إلى الحكيم قصّ عليه بالتّفصيل ما رأى، و لكنّ القطرتين قد اتسكبتا، فقال له الحكيم: سرّ السّعادة هو أن ترى روائع الدّنيا و تتمتع بها، و ذلك دون أن تسكب أبداً قطرتي الزّيت. فالسّعادة هي حاصل ضرب التّوازن بين الأشياء!

13. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«يسكن»:

- (1) فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثي - لازم - معرب / فعل و فاعله «الحكيم» و الجملة وصفية و مجرور محلاً
- (2) فعل - مجرد ثلاثي - صحيح و سالم - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله «الحكيم» و الجملة خبر و مرفوع محلاً
- (3) مزيد ثلاثي - صحيح و سالم - مبني للمعلوم - مبني / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
- (4) فعل مضارع - مجرد ثلاثي - معرب / فعل و مع فاعله جملة فعلية؛ مبتدأ و مرفوع محلاً و «فيه» خبر مقدم

14. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«تعرف»:

- (1) فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - مبني / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
- (2) فعل أمر - للمخاطب - مزيد ثلاثي بحرّفين - صحيح / فعل و فاعله ضمير «أنت» المستتر
- (3) فعل أمر - مزيد ثلاثي من باب تفعيل - مبني على السكون / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر
- (4) فعل مضارع - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب تفعّل - متعدّد / فعل و فاعله ضمير «هي» المستتر

15. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«قطرتي»:

- (1) مفرد - مؤنث - جامد - معرب / مفعولٌ به و منصوب تقديرًا
- (2) اسم - مثنى - جامد - مبني / فاعل و مرفوع تقديرًا
- (3) اسم - نكرة - معرب - منصرف / مفعولٌ به و منصوب بالياء و حذفت النون للاضافة
- (4) اسم - مثنى للمؤنث - معرّف بالإضافة - معرب / مفعولٌ به و منصوب بعلامة ظاهريّة

إقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

للمسلمين فضل عظيم على الحضارة الجديدة و قد أثبت المورّخون من الغربيين أنّ المسلمين احتفظوا أكثر العلوم القديمة و لو لا المسلمون لتأخّرت نهضة أوروبا الحديثة سنين.

عندما بدأت حضارة المسلمين في الأندلس في القرن الثالث و الرابع للهجرة، كانت أوروبا غارقة في بحر الجهل و إذا أرادوا أن يخرجوا الجهل من مجتمعهم إتجهوا إلى المسلمين يتعلّمون منهم و لذا أسست مدرسة للترجمة. نقلت من العربية إلى اللاتينية أكثر مصنّفات المسلمين و أدرك الغربيون أنّ هناك عالماً غير عالمهم المتخلف (عقب مانده).

العلوم التي نبغ فيها المسلمون و نشروها في الشرق و الغرب كثيرة.

المسلمون فقد أثبتوا قدرتهم في الماضي و هم يستطيعون أن يسجلوا من جديد صفحات رائعة لتكون فخراً للإنسانية في المستقبل كما كان علمهم فخراً للإنسانية في الماضي!

16. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«تأخّرت»:

- (1) فعل ماضٍ - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب التّفعيل - مبني / فعل و فاعله «هي» المستتر
- (2) للمخاطب - مزيد ثلاثي - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله «الإسم الظّاهر»
- (3) فعل ماضٍ - للغائبة - مزيد ثلاثي بزيادة حرفين - مبني / فعل و فاعله «الإسم الظّاهر»
- (4) للغائبة - مزيد ثلاثي من باب التّفعّل - مبني - لازم / فعل و فاعله «هي» المستتر

17. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«أسست»:

- (1) فعل ماضٍ - للغائبة - مزيد ثلاثي من باب التّفعيل - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله «الإسم الظّاهر»
- (2) فعل ماضٍ - مبني - متعدّد - صحيح - مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد / فعل و فاعله «مدرسة»
- (3) الماضي - للمخاطب - مزيد ثلاثي - مبني - لازم / فعل و فاعله «هي» المستتر
- (4) للغائبة - مزيد ثلاثي - مبني للمجهول - صحيح / فعل و نائب فاعله «هي» المستتر

18. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«عالمياً»:

- (1) إسم - مفرد - مذكّر - مشتق (اسم فاعل) - معرب/ خبر حروف مشبهة بالفعل و منصوب
- (2) مفرد - مذكّر - معرب - جامد - نكرة/ إسم مؤخر «أَنْ» و منصوب
- (3) إسم - معرب - نكرة - منصرف - صحيح الآخر/ خبر «أَنْ» و منصوب
- (4) مفرد - مذكّر - معرب - جامد - معرفة/ إسم «أَنْ» و منصوب

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ (٢٨-٣٣) بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

«العمل في جميع الأحوال محور الحياة، عليه يتوقف مسيرها و تقدّمها و استمرارها و هو ضروري لأنّ كرامة المرء تصبح مهتدة إذا ترك العمل و الجدّ و إتجا إلى الرّاحة و الكسل.
فكلّ من في الوجود ملزم بالعمل ليصون (ليحفظ) بذلك كرامته و يحتفظ بماء وجهه. لكلّ انسان شخصية يتميّز بها و تنمو هذه الشخصية كلّما تقدم الإنسان في عمله و بدأ يقدم ثمرة جهده إلى المجتمع الذي يعيش فيه لأنّ قيمة الإنسان فيما يحسنه و فيما يقدّمه من خير و عمل مفيد و بذلك يكون المرء عضواً نافعاً!»

19. عَيْنَ الخُطَأِ حَسَبَ النَّصِّ:

- (1) لا تُحَدِّثُ ظَاهِرَةً قَوْسٍ قَرْحٍ فِي اللَّيْلِ.
- (2) يَنْكَسِرُ النَّوْرُ فِي قَطْرَاتِ المَاءِ مَرَّتَيْنِ.
- (3) تُشَاهِدُ اللَّوْنَ الأَحْمَرَ فِي قَوْسِ قَرْحٍ.
- (4) عِنْدَ نُزُولِ الأَمْطَارِ وَ التَّلُوجِ تُحَدِّثُ ظَاهِرَةً قَوْسٍ قَرْحٍ.

20. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«الذي»:

- (1) إسم موصول - للمفرد المذكر - مبنيّ على السكون - معرفة / مضاف إليه و مجرور محلاً
- (2) إسم موصول - للمفرد المذكر العاقل و غير العاقل - مبنيّ على السكون / صفة و مجرور محلاً بالتبعية من «المجتمع»
- (3) إسم موصول - معرفة - مبنيّ على الكسرة - منقوص / خبر و مرفوع بعلمة تقديرية
- (4) نكرة - مبنيّ على السكون - منقوص / مضاف إليه و مجرور محلاً

اقرأ النَّصَّ التَّالِيَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ بِمَا يُنَاسِبُ النَّصَّ:

«إنّ الإسلام ينتشر اليوم بسرعة في المناطق التي يسكن فيها المستضعفون في أنحاء العالم كما إنتشر في القرون الماضية؛ لأنهم يشعرون أنّ العقيدة الإسلامية تنجيهم و تنظّم حياتهم الدنيوية و تضمن أхраهم! و المستضعفون في العالم سيهزمون الظلمة الذين قلوبهم من حجر و من ينصرهم في الدنيا و يخسرون الآخرة لأنّ الغد لا يكون إلا للمظلومين الذين يؤمنون بالله و باليوم الآخر و لا يتركون الصراط المستقيم!»

21. عَيْنَ الخُطَأِ فِي التَّشْكِيلِ:

«لأنهم يشعرون أنّ العيدة الإسلامية تنجيهم و تنظّم حياتهم الدنيوية!»:

- (1) يَشْعُرُونَ - الإِسْلَامِيَّةَ - تَنْجِيَهُمْ - الدَّ نِيَوِيَّةَ
- (2) لِأَنَّ هُمْ - العَقِيدَةَ - الإِسْلَامِيَّةَ - حَيَاتِهِمْ
- (3) أَنْ - الإِسْلَامِيَّةَ - تُنظَّمُ - الدَّ نِيَوِيَّةَ
- (4) يَشْعُرُونَ - أَنْ - العَقِيدَةَ - تَنْجِيَهُمْ

22. عَيْنَ الخُطَأِ فِي التَّشْكِيلِ:

«و المستضعفون في العالم سيهزمون الظلمة الذين قلوبهم من حجر و من ينصرهم في الدنيا!»:

- (1) المُسْتَضْعَفُونَ - الظُّلْمَةَ - قُلُوبَهُمْ - حَجَرٍ
- (2) العَالَمِ - سَيَهْزِمُونَ - مَنْ - يَنْصُرُهُمْ
- (3) المُسْتَضْعَفُونَ - العَالَمِ - الَّذِينَ - حَجَرٍ
- (4) سَيَهْزِمُونَ - الظُّلْمَةَ - قُلُوبَهُمْ - يَنْصُرُهُمْ

23. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«اليوم»:

- (1) إسم- مفرد- مذكّر-معرب- معرّف بأل/ فاعل و مرفوع
- (2) مفرد- مذكّر- مشتقّ- منصرف- صحيح الآخر/ فاعل و مرفوع
- (3) إسم- جامد- معرب- معرّف بأل - صحيح الآخر/مفعول فيه و منصوب
- (4) إسم- معرب- مؤنث مجازي-معرّف بأل- منصرف/ ظرف و منصوب

24. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«يسكن»:

- (1) فعل مضارع- للغائب- معرب- مجرد ثلاثي/ فعل و فاعله «ها» الضمير البارز
- (2) مضارع- مجرد ثلاثي- مبني للمعلوم- صحيح/ فعل و فاعله «هو» المستتر
- (3) فعل مضارع- للغائب- معرب- مزيد ثلاثي من باب إفعال/ فعل و فاعله الإسم الظاهر
- (4) مضارع- للغائب- معرب- مبني للمعلوم- صحيح و سالم/ فعل و فاعله «المستضعفون»

25. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«تضمن»:

- (1) فعل مضارع- للغائب- معرب- مجرد ثلاثي/ فعل و فاعله «هي» المستتر
- (2) مضارع- معرب- مجرد ثلاثي- صحيح/ فعل و فاعله الإسم الظاهر
- (3) مضارع- للغائب- مبني للمجهول-صحيح/ فعل و نائب فاعله «هي» المستتر
- (4) فعل مضارع- للمخاطب- لازم- مجرد ثلاثي/ فعل و فاعله الضمير المستتر

اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة بما يُناسب النَّص:

«يُحكى أن جراح قلب عطلت (خربت) سيارته، فسار إلى الميكانيكي لإصلاحها ... و بينما كان الميكانيكي يفتح موتور السيارة و يخرج منها بعض القطع ليبيدها بنوع سليم، فكر قليلاً و نظر إلى الجراح و قال له: دكتور أ تسمح لي أن أسالك سؤالاً، فأجاب: طبعاً تفضّل ... قال الميكانيكي: إنك تقوم بإجراء العمليات على قلوب البشر و أنا أقوى بإجراء إصلاحات على موتور يكون أشبه بقلب الإنسان نشاطاً، فلماذا تكسب أنت الكثير من الأموال و الشهرة و المكانة الاجتماعية، بينما أنا أقل منك شهرة و مكانة بكثير؟ ابتسم الجراح و همس (بج بچ) في أذنه بهدوء: كلامك صحيح و لكن هل يُمكنك أن تقوم بإصلاح السيارة دون أن تُظفنها؟!»

26. عَيْن الخَطَأ فِي التَّشْكِيلِ: «كان الميكانيكي يفتح موتور السيارة و يخرج منها بعض القطع ليبيدها بنوع سليم!»:

- (1) الميكانيكي- مُتَوَر - التَّيْرَة
- (2) لِيُبْدِل - نَوْع - سليم
- (3) الميكانيكي- مُتَوَر - القَطْع
- (4) يَفْتَح - يَخْرُج - بَعْض

27. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ:

«تفضل»:

- (1) للمخاطب - لازم - مبني/ فعل و فاعله ضمير «أنت» المستتر
- (2) امر- مزيد ثلاثي من باب تفعيل/ فعل و فاعله الضمير المستتر
- (3) مزيد ثلاثي - متعدّد - صحيح/ فعل و فاعل و الجملة فعلية
- (4) فعل - مبني على السكون - صحيح/ فاعله ضمير «هي» المستتر

** اقرأ النصّ التالي ثمّ أجب عن الأسئلة التالية:

«الشيخ الرّئيس ابن سينا هو الطبيب المشهور و الفيلسوف الكبير، إنّه سافر إلى البلاد التي تتغير مراكز للعلم فاشتغل بالعلوم خاصّة بالعلوم القرآنية و الأدب و الحساب و الجبر و الفقه و رغب بعد ذلك في علم الطبّ و العلوم الطبيعيّة و الإلهيّة و قصد العلماء يأخذون عنه فنون الطبّ و المعالجات التي إقتبسها من التجربة و يقال إنّه في مدة إشتغاله بكسب العلوم لم ييم ليلة

بتمامها و ما كان له عمل إلا المطالعة و من مؤلفاته كتاب الشفاء في الحكمة و القانون في الطبّ و له كتب أخرى في علوم و فنون مختلفة!«



@konkurpex

28. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

«تعتبر»:

- (1) فعل مضارع - للغائية - مزيد ثلاثي - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله «هى» المستتر
- (2) فعل مضارع - للمخاطب - معرب - مزيد ثلاثي من باب إفتعال / فعل و نائب فاعله الضمير المستتر
- (3) مزيد ثلاثي - لازم - مبني للمعلوم - صحيح / فعل و فاعله «الإسم الظاهر»
- (4) فعل مضارع - معرب - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله «مراكز» و الجملة صلة

29. عَيْن الصَّحِيح فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ

«العلماء»:

- (1) إسم - مشتقّ - جمع تكسير - معرفة - معرب / مبتدأ و مرفوع و الجملة إسمية
- (2) مشتقّ - «صفة مشبهة» - مذكّر - ممنوع من الصّرف - معرب / مبتدأ و مرفوع بالعلامة الأصلية
- (3) إسم - مذكّر - جمع تكسير - معرب - معرّف بأل / فاعل و مرفوع
- (4) جمع سالم للمذكّر - معرفة - ممنوع من الصّرف - مشتقّ / فاعل و مرفوع

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سوال ۳۹/۳۴

ترجمه‌ی متن:

«گروهی از دانشمندان به کشف نوعی از ماهی‌های استوایی رسیدند که در آب‌های مرداب‌ها زندگی می‌کنند! این ماهی‌ها قدرتی برای زندگی کردن بدون آب برای چند ماه دارند و در قاره‌ی آمریکا زیاد هستند و برخلاف کوچکی حجم این ماهی که بیش از ۷/۵ اینچ بزرگ نمی‌شود، هنگام کمبود آب می‌تواند در تنه‌ی توخالی درخت یا حفره‌ای خاکی زندگی کند و در تمام این دوران این ماهی‌ها از طریق پوست تنفس می‌کنند، برخلاف انواع دیگر ماهی‌ها که فقط از طریق آبشش تنفس می‌کنند! و هنگامی که باران می‌بارد، از مکان خود خارج می‌شود و به زندگی طبیعی خود مانند سایر ماهی‌ها بازمی‌گردد!»

1. **گزینه 3** الأسماک ← الأسماکُ هر گاه اسمی همراه ال بیاید و بعد از اسم اشاره قرار بگیرد اعراب نقش آن اسم اشاره را می‌گیرد. چون هذه فاعل است باید اسماک مرفوع باشد.

2. **گزینه 4** بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

۱) للمخاطب ← للغایبة / فاعله «أنت» ← فاعله «هی» المستتر

۲) متعدّ ← لازم / مبنی للمجهول ← مبنی للمعلوم / نائب فاعله «هی» المستتر ← فاعله «هی» المستتر

۳) مزید ثلاثی ← مجرد ثلاثی / متعدّ ← لازم

3. **گزینه 2** بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

۱) جامد ← مشتق / مضاف إلیه ← صفة

۳) مضاف إلیه ← صفة

۴) معرفة ← نكرة / بالتبعية من «شجرة» ← بالتبعية من «جذع»

4. **گزینه 1** بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

۲) فاعله «هی» ← فاعله «هذه»

۳) مزید ثلاثی ← مجرد ثلاثی / مبنی للمجهول ← مبنی للمعلوم / نائب فاعله «هی» المستتر ← فاعله «هذه»

۴) متعدّ ← لازم / فاعله «الأسماک» ← فاعله «هذه»

پس از یک جنگ مردی وارد یکی از مرزهای کشورش شد و صدای سه سرباز زخمی را شنید که آب می‌خواستند. تصمیم گرفت برای آن‌ها دنبال آب بگردد پس به مکان نزدیکی رفت و با مقداری آب برگشت و آن را به نفر اول عرضه کرد ولی او از وی خواست که به دوستش (هم‌رزمش) آب بدهد شاید از او تشنه‌تر باشد. به‌سوی زخمی دوم رفت و او نیز پذیرفت که پیش از دوست (هم‌رزم) سومش آب بنوشد. به‌سوی سومی رفت و او را مرده یافت، به‌سوی دومی برگشت و او را مرده یافت. و به جانب اولی برگشت و وی را درحالی که از زندگی جدا شده بود، یافت!

5. **گزینه 3** در گزینه‌ی ۱ لازم در گزینه‌ی ۲ فاعله شد و در گزینه‌ی ۴ معرب نادرست است.

6. **گزینه 3** در گزینه‌ی ۱ جامد و در گزینه‌ی ۲ مرفوع و در گزینه‌ی ۴ ممنوع من الصرف و مضاف الیه غلط است.

ترجمه‌ی متن:

رابطه بین ایرانیان و عرب به قدیمی‌ترین عصرها برمی‌گردد. وجود لغات فارسی در اشعار عرب قبل از اسلام، بهترین دلیل بر اثبات این امر است. یکی از دلیل‌های استحکام این رابطه موضوع ترجمه‌ی آثار به این دو زبان است. علاوه بر آن ایرانیان از پیشاهنگان (راهنمایان) آن نهضت علمی هستند که در پایه‌های جامعه‌ی اسلامی دمیده شد. پس آن‌ها سعی کرده‌اند که آن را توسعه بدهند. و در این مجال به زبان این نهضت بیش از خودشان (خود اعراب) توجه کردند. و ایرانیان احساس غربت نکردند هنگامی که دیدند که آن، زبان عربی است، بلکه مأنوس شدند با آن و تلاش کردند که آن را تدوین کنند و منظم کنند، پس تألیفات متنوع زیادی را برای فهم آن و روشن کردن آن و استخراج ظرائف تألیف کردند.

7. **گزینه 3** اعراب‌گذاری کامل عبارت:

حَاوَلُوا أَنْ يُدَوِّنُوهَا وَيُنظِّمُوهَا فَالْفُوهَا تَأَلِيفَاتٍ مَتْنَوْعَةً كَثِيرَةً لِفَهْمِهَا وَتَبْيِينِهَا

حَاوَلُوا: فعل و فاعل - فاعلش ضمير «واو» بارز

أَنْ يُدَوِّنُوهَا: فعل و فاعل و فاعلش ضمير «واو» بارز - محلاً منصوب

و: حرف عطف يُنظِّمُوهَا: فعل و فاعل و فاعل آن ضمير «واو» بارز

ها: مفعول به محلاً منصوب اَلْفُوهَا: فعل و فاعل و فاعلش ضمير «واو» بارز

تألیفات: مفعول به منصوب با اعراب فرعی متنوعه: صفت منصوب با اعراب اصلی
 كثیره: صفت منصوب با اعرای اصلی لفهمهما: جار - مجرور - مضافیالیه
 و: حرف عطف تبیین: معطوف مجرور
 ها: محلاً مجرور

8. گزینه 1 رد گزینه‌های دیگر:

۲) مضاف‌الیه و مجرور نادرست ← نعت و منصوب = صحیح

۳) اسم مفعول ← اسم فاعل (صحیح)

مصدره: تنويع ← مصدره تنوع (صحیح)

۴) معرف بالاضافه ← نکره (صحیح)

9. گزینه 2 للفطر اثر کبير.

«اثر» مبتدای مؤخر است و باید مرفوع باشد.

10. گزینه 1 نادرستی گزینه‌های دیگر:

در گزینه ۲ «جامد و تمییز» و در گزینه ۲ «تمییز» و در گزینه ۴ «مفرد ناظر و اسم فاعل و حال» نادرست است.
 هیزم شکنی در کلبه‌ای کوچک سکونت داشت، و هر روز و با طلوع خورشید برای جمع کردن هیزم می‌رفت و کودکش را تحت حمایت سگش می‌گذاشت، به‌خصوص زمانی که مادرش مشغول بود. روزی از روزها در حالی که هیزم‌شکن از کار روزی سخت برمی‌گشت، صدای سگ را از دور، برخلاف عادتش شنید، پس در راه رفتن شتاب کرد تا به سگ نزدیک شد، صورت سگ با خون رنگین شده بود، پس هیزم‌شکن از حال رفت ... و فهمید که سگ به او خیانت کرده و کودکش را خورده است، پس سگ را با ضربه‌ای بین چشمانش، مضروب نمود و به سرعت وارد کلبه شد تا باقی‌مانده‌های کودک خورده شده‌اش را ببیند و به محض ورودش به کلبه در جایش میخکوب شد! و چشمانش لبریز از اشک گشت، وقتی ماری کشته شده و کودکش را که بر روی تخت بازی می‌کرد دید، هیزم‌شکن بسیار غمگین شد، به‌خاطر سگش که خودش را فدا کرده بود در حالی که با خوش حالی منتظر تشکری از سوی صاحبش بود!

11. گزینه 4 الحطاب فاعل است و فاعل مرفوع است پس الحطاب نادرست است.

12. گزینه 3 در گزینه ۱ فاعل اسم ظاهر در گزینه ۲ باب انفعال و در گزینه ۴ مبنی غلط است.

یکی از تاجران پسرش را نزد مردی دانا فرستاد تا راز خوشبختی را بیاموزد، به قصر زیبایی که حکیم در آن زندگی می‌کرد، رسید، وقت رسیدن در قصر گروهی از مردم را دید، حکیم به او گفت: هم‌اکنون وقت نیست و از او خواست که داخل قصر بچرخد و دو ساعت بعد برگردد و به او (جوان) یک قاشق کوچک داد که دو قطره روغن در آن بود و خواست که آن را در مدت گردش خود، در دستش نگه دارد طوری که از آن روغن نریزد، جوان شروع کرد به بالا رفتن از پله‌های قصر و هر لحظه قاشق را می‌دید. هنگامی که برگشت حکیم گفت: آیا قالی‌ای ایرانی را در اتاق غذا دیدی؟ و آیا کتاب‌های زیبا در کتابخانه‌ام شگفت‌زده‌ات کرد؟ پاسخ داد: نه، و اعتراف کرد به این که او که چیزی ندیده است زیرا او سرگرم نگاه کردن به روغن بوده است. حکیم گفت: برگرد و با آثار قصر آشنا شو. جوان با توجه کردن به سوی آن چه در قصر بود، برگشت و هنگام برگشتن نزد حکیم همه آن چه را که دید کامل توضیح داد، اما دو قطره ریخته بود. حکیم به او گفت: راز خوشبختی آن است که زیبایی‌های دنیا را ببینی و از آن‌ها بهره ببری بدون این که هرگز آن دو قطره روغن را بریزی پس خوشبختی حاصل ضرب اعتدال و توازن بین اشیاء است!

13. گزینه 1 در گزینه ۲ خبر و محلاً مرفوع در گزینه ۳ مبنی و فاعله هو مستتر و در گزینه ۴ مبتدا و محلاً مرفوع نادرست است.

14. گزینه 2 در گزینه ۱ ماضی للغانب فاعل ضمیر هو مستتر در گزینه ۳ من باب تفعیل و در گزینه ۴ مضارع للغانبة فاعل می مستتر نادرست است.

15. گزینه 4 در گزینه ۱ مفرد / تقدیراً در گزینه ۲ مبنی - فاعل / در گزینه ۳ نکره نادرست است.

ترجمه‌ی متن:

«مسلمانان برتری عظیمی بر تمدن جدید دارند و مورخین غربی اثبات کرده‌اند که بیشتر علوم قدیمی را مسلمانان حفظ

کردند و اگر مسلمانان نبودند، نهضت جدید اروپا سال‌ها به تأخیر می‌افتاد!

هنگامی که تمدن مسلمانان در اندلس در قرن سوم و چهارم هجری آغاز شد، اروپا در دریای جهل غرق بود و وقتی که خواستند جهل را از جامعه‌ی خود خارج کنند، به سوی مسلمانان روی آوردند در حالی که از آن‌ها می‌آموختند و به همین

دلیل مدرسه‌ای برای ترجمه تأسیس شد! بیشتر نوشته‌های مسلمانان از عربی به لاتین منتقل شد و غربی‌ها فهمیدند که جهانی جز جهان عقب‌افتاده‌ی آن‌ها وجود دارد!



@konkurpex

علمی که مسلمانان در آن به نبوغ رسیدند و در شرق و غرب گسترش دادند بسیار است. مسلمانان قدرت خود را در گذشته ثابت کرده‌اند در حالی که می‌توانند از نو صفحات دلپذیری را ثبت کنند تا در آینده برای انسانیت افتخاری باشد همان طور که علم آن‌ها در گذشته برای انسانیت افتخاری بود!

16. گزینه 3 بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

(۱) من باب التفعیل ← من باب التفعّل/ فاعله «هی» المستتر ← فاعله «نهضة»
(۲) للمخاطب ← للغایبة/ مبنی للمجهول ← مبنی للمعلوم/ متعدّ ← لازم / نائب فاعله «الإسم الظاهر» ← فاعله «الإسم الظاهر»

(۴) فاعله «هی» المستتر ← فاعله «الإسم الظاهر»

17. گزینه 1 بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

(۲) فاعله «مدرسة» ← نائب فاعله «مدرسة»
(۳) للمخاطب ← للغایبة/ لازم ← متعدّ فاعله «هی» المستتر ← نائب فاعله «الإسم الظاهر»
(۴) نائب فاعله «هی» ← نائب فاعله «مدرسة»

توجه شود در گزینه‌ای که فعل مجهول و فاعل هر دو باشند آن گزینه غلط است.

18. گزینه 2 بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

(۱) مشتقّ ← جامد/ خبر حروف مشبّهة ← اسم «أنّ»
(۳) خبر «أنّ» ← اسم «أنّ»
(۴) معرفة ← نكرة

ترجمه‌ی متن درک مطلب:

«کار در همه‌ی حالات محور زندگی است. حرکت آن و پیشرفت آن و ادامه آن به کار وابسته است و کار لازم است، زیرا بزرگی انسان وقتی کار و جدیت را ترک کند و به راحتی و تنبلی پناه ببرد مورد تهدید واقع می‌شود.

پس هر کس در (جهان) هستی مجبور به کار کردن است تا با آن بزرگواریش را نگه دارد و آبرویش را حفظ نماید. هر انسانی شخصیتی دارد که با آن متمایز می‌شود و این شخصیت هر بار (هرچه) که انسان در کارش پیشرفت کند و شروع به تقدیم کردن نتیجه تلاشش به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نماید، رشد می‌کند. زیرا ارزش انسان در آن چیزی است که خوب انجامش می‌دهد و در آن چیزی از خوبی و کار مفید است که تقدیم می‌کند و با آن عضوی سودمند می‌باشد!

19. گزینه 4 ترجمه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی (۱): پدیده‌ی رنگین کمان در شب اتفاق نمی‌افتد.

گزینه‌ی (۲): نور در قطره‌های آب دو بار می‌شکند.

گزینه‌ی (۳): رنگ قرمز را در رنگین کمان می‌بینیم.

گزینه‌ی (۴): هنگام بارش باران و برف، پدیده‌ی رنگین کمان رخ می‌دهد.

باتوجه به متن، پدیده‌ی رنگین کمان از برخورد پرتوی خورشید هنگام بارش باران با قطرات آب به‌وجود می‌آید نه هنگام بارش برف و نه در شب.

20. گزینه 2 کلمه‌ی «الذی» اسم موصول خاص برای مفرد مذکر عاقل و غیر عاقل است که در این جا برای غیر عاقل

(المجتمع) به کار رفته است و مبنی بر سکون است و نقش آن صفت است و محلاً مجرور می‌باشد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: «مضاف‌إلیه» نادرست است.

گزینه‌ی «۳»: «مبنی علی الکسرة، منقوص، خبر و...» نادرست‌اند.

گزینه‌ی «۴»: «نكرة، منقوص و مضاف‌إلیه» نادرست‌اند.

«همانا اسلام امروز به سرعت در مناطقی که مستضعفان در آنجا سکونت دارند در سرتاسر دنیا منتشر می‌شود؛ همان

طور که در قرن‌های گذشته منتشر شد، زیرا آن‌ها احساس می‌کنند که عقیده‌ی اسلامی آن‌ها را نجات می‌دهد و زندگی دنیوی آن‌ها را منظم می‌کند و آخرتشان را تضمین می‌کند! مستضعفان در طایفه‌ای که قلب‌هایشان از سنگ است و کسانی

که در دنیا به آن‌ها یاری می‌رسانند را شکست خواهند داد و آن‌ها در آخرت زیان می‌بینند زیرا فردا فقط از آن مظلومانی

است که به خدا و به روز قیامت ایمان دارند و راه مستقیم را ترک نمی‌کنند!»

21. گزینه 2 شکل صحیح تشکیل کلمات در ذیل می‌آید:

لَأَنَّهُمْ يَشْعُرُونَ الْعَقِيدَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ تَنْجِيهِمْ وَ تُنظِّمُ حَيَاتَهُمُ الدُّنْيَوِيَّةَ

22. كزینه 1 «والمستضعفون في العالم سيهزمون الظلمة الذين قلوبهم من حجرٍ و من ينصرونهم في الدنيا!»:



@konkurpex

23. گزینه 3 اشتباهات سایر گزینه‌ها:

- (۱) فاعل و مرفوع ← مفعول فيه و منصوب
 (۲) مشتق ← جامد/فاعل و مرفوع ← مفعول فيه و منصوب
 (۴) مؤنث مجازی ← مذکر

24. گزینه 4 بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

- (۱) للغانبة ← للغانب / فاعله «ها» ← فاعله «المستضعفون»
 (۱) فاعله «هو» المستتر ← فاعله الإسم الظاهر
 (۳) مزید ثلاثی ← مجرد ثلاثی

25. گزینه 1 بررسی موارد نادرست در سایر گزینه‌ها:

- (۲) فاعله الإسم الظاهر ← فاعل «هي» المستتر
 (۳) مبني للمجهول ← مبني للمعلوم / نائب فاعله «هي» ← فاعله «هي»
 (۴) للمخاطب ← للغالبة / لازم ← معتد

«حکایت می‌شود که خودرو یک جراح قلب خراب شد. پس برای تعمیر آن نزد مکانیکی رفت ... و در حالی که مکانیک موتور ماشین را باز می‌کرد و از آن بعضی قطعه‌ها را خارج می‌نمود تا آن را با نوع سالمی عوض کند، اندکی فکر کرد و به جراح نگاه کرد و به او گفت: دکتر، اجازه می‌دهی از تو سوالی بپرسم؟ جواب داد: البته بفرما ... مکانیک گفت: تو به انجام عملیات روی قلب‌های آدم (ها) می‌پردازی و من در انجام تعمیرات روی یک موتور که از نظر فعالیت به قلب انسان شبیه‌تر است، تواناتر هستم. پس چرا تو بسیار اموال، شهرت و جایگاه اجتماعی کسب می‌کنی در حالی که من از نظر شهرت و جایگاه بسیار کمتر از تو هستم؟ جراح لبخند زد و آرام در گوشی به او گفت: حرف تو درست است، ولی آیا برای تو امکان دارد که بدون خاموش کردن خودرو، به تعمیرش پردازی؟!»

26. گزینه 4 فعل «یخرج» مجرد و لازم نیست (چون در جمله مفعول به «بعض» وجود دارد)، بلکه متعدی و ثلاثی مزید از باب افعال است، بنابراین شکل درست حرکت‌گذاری آن «يُخْرِجُ» است.

27. گزینه 1 بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

- گزینه ی «۲»: «تفعیل» نادرست است.
 گزینه ی «۳»: «متعد» نادرست است.
 گزینه ی «۴»: «هی» نادرست است.

«شیخ الرئیس ابن سینا پزشک مشهور و فیلسوف بزرگ است. او به سرزمین‌هایی که از مراکز علم به شمار می‌رفت، مسافرت کرد و مشغول به علوم به ویژه علوم قرآنی، ادبیات، حساب، جبر و فقه گشت و بعد از آن به علم پزشکی و علم طبیعی و الهی متمایل شد و دانشمندان به سمت او آمدند در حالی که مهارت‌های پزشکی و روش‌های درمانی را که از روی تجربه به دست آورده بود از وی می‌گرفتند و گفته می‌شود که او در مدتی که مشغول کسب دانش بود، شبی را به طور کامل نخوابید و کاری جز مطالعه نداشت. از تألیفات او کتاب شفاء در حکمت و کتاب قانون در پزشکی است و او کتاب‌های دیگری در علوم و فنون مختلفی دارد!»

28. گزینه 1 اشتباهات سایر گزینه‌ها:

- (۲) للمخاطب ← للغانبة
 (۳) مبني للمعلوم ← مبني للمجهول / لازم ← معتد / فاعله «الإسم الظاهر» ← نائب فاعله «هي» المستتر
 (۴) نائب فاعله «مراکز» ← نائب فاعله «هي» المستتر

29. گزینه 3 اشتباهات سایر گزینه‌ها:

- (۱) مبتدأ ← فاعل / الجملة اسمية ← الجملة فعلية
 (۲) صفة مشبهة ← اسم فاعل / مبتدأ ← فاعل
 (۴) جمع سالم ← جمع تکسیر

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۳۸۳۴

۳ -۵	۱ -۴	۲ -۳	۴ -۲	۳ -۱
۱ -۱۰	۲ -۹	۱ -۸	۳ -۷	۳ -۶
۴ -۱۵	۲ -۱۴	۱ -۱۳	۳ -۱۲	۴ -۱۱
۲ -۲۰	۴ -۱۹	۲ -۱۸	۱ -۱۷	۳ -۱۶
۱ -۲۵	۴ -۲۴	۳ -۲۳	۱ -۲۲	۲ -۲۱
	۳ -۲۹	۱ -۲۸	۱ -۲۷	۴ -۲۶

کنکور

@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقة

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۳۹۸۷۱

1. عین ما فيه النكرة: (سنجش)

- (1) ربّي هو الذى يفتح علينا أبواب رحمته!
(2) إن تُلهمنا طاعتك نجتنب معصيتك!
(3) لا أسمع لنفسى أن تجعل للشيطان طريقاً لها!
(4) يا إله، أكرمنا فى الدنيا بنور الفهم و المعرفة!

2. عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

«عین كلمة «فلسطين» بعلامة فرعية للإعراب»:

- (1) شاهدت فلسطين و أطفالها يهاجمون الغاصبين!
(2) فلسطين أرض مقدّسة لجميع المسلمين فى العالم!
(3) على فلسطين أن تقف أمام أعدائها الظالمين!
(4) فلسطين سوف تُحرّر فى القادم إن شاء الله تعالى!

3. عین الجملة الوصفية:

- (1) أتأمرون الناس بالبرّ و تتسون أنفسكم
(2) ألم تعلم أنّ الله يعلم ما فى السماء و الأرض
(3) أختى مهندسة ماهرة تبنى البيوت الجميلة.
(4) قد أصبحت بعض العبارات مثلاً سائراً بين الناس

4. «عین الخطأ (عن المضاف و المضاف إليه):»

- (1) هذان البديان و جدا فى طريقهما بنراً سمعاً منها صوتاً ... النّجدة النّجدة!
(2) الأجل الحيوانات فى رأبى ظبى يسكن فى إحدى الجزر الاستوائية!
(3) الجوّ الحارّ جفّ و ردة المزهريّة التى اشتراها لى والدى من السّوق!
(4) صيادو البحار لا يذهبون عادةً إلى قرب البحر إذا كان هائجاً!

5. عین العبارة التى كل أسمانها معرفة:

- (1) اللسان و إن كان جرمة صغيراً ولكنّ جرمة كبير!
(2) إن كان وجهك بشاشاً أفضل من أن تكون سخياً!
(3) اللغة المشتركة بين مسلمى العالم هى اللغة العربيّة!
(4) علينا جميعاً أن نهدي الناس إلى طريق هى أقوم لهم!

6. عین العبارة التى كل أسمانها لها علامات فرعية:

- (1) أزین السماوات النّيرات بمصابيح للمشاهدين!
(2) أين الطّالب بدم المقتول بكرىلاء المقدّسة؟
(3) من قاصم شوكة المعتدين و هادم أبنية الشرك و النفاق؟!
(4) المسلمات اللّاتي ذهبن إلى مكّة كثيرات فى هذين العامين!

7. عین الصّحيح فى علامات الإعراب:

- (1) لا ينسى إخواني أصدقاءهم حتّى يتغلّبوا على مصاعب كثيرة!
(2) تلعبان الطفلين فى الحديقة بفرح!
(3) ألقت معلّمتنا رسائلاً فى مجال التّعلم!
(4) هذان الطّالبان يكرّمان والديهما لابتغاء وجه الله تعالى!

8. عین العبارة التى ما جاء فيها إعراب تقديري:

- (1) إنّ تعزّل ذكر الأغانى تعنّم الفرص!
(2) إرغام العدى عند من يزداد كلّ يوم علماً!
(3) آثار أيدي الدّنب مشهودة فى سرقة النّعاج!
(4) وجدتّ الهادي فى طريق السفر!

9. عين الجملة الوصفية في محل جر:

- (1) القرون الجميلة ظهرت كالفضة البراقة في ضوء القمر!
- (2) «من المومنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه»
- (3) حينما سمع حنظلة نداء المنادى يدعو الى الجهاد اسرع نحو ساحة القتال!
- (4) اريد ان اتكلم حول حفلة عظيمة تُتَّعَد في مدرستنا في الاسبوع القادم!

10. عَيْن «الياء» علامة للنَّصْب والجرّ في جواب واحد:

- (1) اَيْتَهَا السَّمَاءُ! اُنْشَاهِدِينِ الْمَفْسِدِينَ كُلَّ لَيْلٍ وَنَهَارٍ مَشَاهِدَةً!
- (2) التّعذِيبُ لِلَّذِينَ يَشْعَلُونَ نَارَ الْفِتْنَةِ وَيَهْدُونَ الْمُؤْمِنِينَ!
- (3) قَدْ ابْتَعَدْتَ عَنِ الْمَجْدِيِّينَ وَالْمَجْتَمَعِ لَا يَحِبُّ الْمُتَكَاسِلِينَ!
- (4) مَا عَرَفْتُ الْمَرْأَةَ الْفَقِيرَةَ عَلِيًّا (ع) مِنْ بَدَايَةِ الْأَمْرِ!

11. عين ما ليس فيه علامات الفرعية للاعراب:

- (1) نحن نساعد المساكين والفقراء حتّى يخلو الوطن من اى (2) دخل في المجلس رجل فلاح له يدان خشتنان! فقير!
- (3) ما قال امير المومنين (ع) للمرأة المحتاجة؟! (4) اسافر الى مناطق مختلفة لمشاهدة الحيوانات النادرة!

12. عَيْن ما فيه علامات فرعية للاعراب أكثر من الباقي:

- (1) العلم و الدين جناحان للإنسان لا يقدر على الطّيران إلا بهما!
- (2) يذهب كثير من المسلمين كلّ عام إلى مكة المكرمة!
- (3) لقد كان في يوسف و اخته آيات للسّائلين!
- (4) يتأمل الوالدان عند شراء ملابس صيفيّة لولديهم!

13. عين ما ليس فيه النعت:

- (1) في تلك الحديقة رائحة الازهار كثيرة!
- (2) أتعلمون ان ارضاء الجميع غاية لا تصلون اليها!
- (3) أ عطيت الجائزة له سبب كشفه المهم!
- (4) هذا هو الطّبي الذي فُتّشت عنه طول النّهار!

14. عَيْن العبارة التي جاءت فيها علامة فرعية للاعراب:

- (1) تَرَكَ الذَّنْبَ اِهْوَانَ مِنْ طَلَبِ التَّوْبَةِ!
- (2) مَنْ يَنْظُرُ إِلَى حَيَاةِ النَّمْلَةِ يَشَاهِدُ عَجَائِبَ كَثِيرَةً!
- (3) الْمُتَنَزِّهَاتُ فِي اِيْرَانَ كَثِيرَةٌ!
- (4) صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ طَلَّبَ مِنْ جِيرَانِهِ لَجْمَعَ الْمَحْصُولِ!

15. في أيّ عبارة جاءت علامة فرعية للاعراب أكثر:

- (1) ذهب علىّ إلى طفلين من الأطفال!
- (2) النجوم كمصابيح في منازل متفرقة!
- (3) فشل المتكاسلون في حلّ تمارين للمعلّمين!
- (4) لا يشبع المنهومان: طالب علم و طالب مال!

16. عين العبارة التي ما جاءت الجملة الوصفية فيها:

- (1) دخلتُ صحراء تُحرق شمسها الايدان!
- (2) أمضيتُ أسبوعاً كاملاً إحدى الجُزر الاستوائية!
- (3) شاهدت في الشارع رجلاً يركض نحو المحكمة!
- (4) وجدت في المكتبة كتاباً يبين لي اسرار الطبيعة!

17. عَيْن الصَّحِيح عن علامات الإعراب الفرعية:

- (1) المعلمة كتبت عبارات من الدرس وسألت التلميذات ترجمتها!
- (2) أليس إدراك مفاهيم الدرس بأفضل من حفظهما؟!
- (3) قال المدير للتلميذيين شاورا المعلمون في مطالعة الكتب المفيدة!
- (4) عرف الحاضرين كلهم في الحفلة، جدى!

18. «عين ما ليس فيه علامات تقديرية للإعراب»:

- (1) قيمة الفتى بنشاطه و بمروءته.
- (2) لا تُشغلك زخارف الدنيا بنفسها!
- (3) إحذر الذئب يتبع الهوى دائماً!
- (4) يسجن الحارس المعتدى خارج المدينة.

19. عين ما ليس فيه الإعراب المحلى:

- (1) فى بداية السنة ما عرف المعلمون جميع الطلاب جيداً!
- (2) أنت أقدر من الزملاء على ترجمة النصوص!
- (3) الجاهل من يتبع الهوى!
- (4) أصل الفتى ما قد حصل!

20. عين عبارة تكون العلامة الفرعية للإعراب فيها أكثر:

- (1) هنّ يحملن الأطعمة الكثيرة إلى أيتام تجمّعا في ميادين متفرقة!
- (2) تكون الرغبة في حفظ القرآن لدى ولدي كثيرة و لذلك يواصلان الهدف باجتهاد!
- (3) عرفت أنّ الإشارات العلمية الواردة على السنة الرّسل تصدّق صدق إدعاءاتهم!
- (4) كانت الطالبات النشيطات يوم إعلان النتائج أسعد من زميلاتهنّ المتكاسلات!

21. عين «الأيدى» بالعلامة الظاهرية للإعراب:

- (1) فضل أيدى المحسنين فى المجتمع كثير!
- (2) أثار أيدىك واضحة على هذا الفنّ!
- (3) أيدى الفقراء تحتاج إلى مساعدة الأغنياء!
- (4) سنقصر أيدى الأجانب عن ديارنا!

22. عين «القاضى» يختلف من حيث علامة الإعراب :

- (1) لبت القاضى العادل لا يغير طريقه
- (2) رأيت القاضى العادل يبقى على عدله دائماً!
- (3) إنّ القاضى يشتهر فى كلّ بلد!
- (4) الناس يستمعون إلى كلام القاضى العادل فقط!

23. عين العبارة التي فيها الاعراب الفرعي و التقديري و المحلي:

- (1) يُنزّل الوحي عليه في وادي طور فذلك هدى من جانبه!
- (2) «ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين»
- (3) «قال السكاكي: كيف أحدثت قطرات الماء ثقباً في الصخرة!
- (4) «لقد كان في يوسف وإخوته آيات للسائلين»

24. «عين ما ليس فيه نعت»:

- (1) قال باع الأحمية لى: هذا الحذاء جميل و أنيق!
- (2) كنت قد بدأت دراساتي العلمية فى العشرين من عمري!
- (3) شجّع أحمى للمرة الثانية فى المدرسة لنجاحه فى الدروس!
- (4) يارب؛ إنك تعلم أنّ لى مشكلة لا يعلمها أحد حتّى والداى!

25. عين المناسب للجواب عن الأسئلة التالية :

- (1) القرآن دستور لحياتنا اليومية!
- (2) ذهب الإمام (ع) إلى بيت آخر!
- (3) ساعدتك أن تصيد الحيوانات النادرة!
- (4) تعلّمت أشياء كثيرة فى مدارس عديدة!

26. عَيْن ما ليس فيه الإضافة:

- (1) لا تُقَصِّرْ في أداء واجباتك الاجتماعية أبداً!
- (2) أعدت صديقتي غرفة لكي نطالع دروسنا معاً!
- (3) عليكم أن تعملوا عمَل من يدرى أنّ الله يراه في كلّ حين!
- (4) عندما نعتد على الآخرين لئن نستطيع أن نقوم بأعمال مهمّة!

27. عَيْن العبارة التي ماجاء فيها الممنوع من الصرف:

- (1) ذهب الإمام السّجاد (ع) إلى بيتٍ آخر!
- (2) هذا جزء من نسي المساكين و اليتامى!
- (3) هل أنت أقدر على تهيئة الخبر!
- (4) فضّل الله المجاهدين بأموالهم و أنفسهم على القاعدين!

28. عَيْن الصّفة جميلة :

- (1) من آمن و أنفق من أمواله الطيّبة في سبيل الحقّ نجاً!
- (2) إنّ اللّحم غداء مفيد تُكثّر فيه مقادير كثيرة من البروتين!
- (3) لا تُشغل نفسك بأمر غير مهمّة فتغفل عمّا ينفعك و يُهمّك!
- (4) علي المرء أن يتواضع لمن علمه و يحاول أن يصبح أفضل منه!

29. عَيْن ما ليس فيه صفة:

- (1) كان الفارابي عالماً يطالع في ضوء قنديل الحراس!
- (2) حملت أبي المريض علي ظهري إلي المستشفى!
- (3) نزل الرّاكبون من سيّاراتهم السريعة لاستقبال المقاتلين!
- (4) عرفت الخنساء من عيون ناقل الخبر أنّ أولادها قد أسّشهدوا!

30. عَيْن ما ليس فيه نعت:

- (1) كانت رسالتك أجمل هدية أخذتها في هذا العيد!
- (2) خير الأعمال لك هو ما يقرّبك من الكمال و السّعادة!
- (3) كان في إحدى المدارس معلّم يسعى في تربية تلاميذه!
- (4) يحتاج المريض إلى إستراحة تتبّعها سلامة الجسم و الرّوح!

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۳۹۸۷۱

1. گزینه 3 «طریقاً» اسمی نکره است.

2. گزینه 3 «فلسطین» جزء اسامی غیرمنصرف است که در حالت رفعی و نصبی اعرابش ظاهری اصلی است ولی در حالت جر اعراب فرعی به فتحه دارد که در گزینه (۱) مفعول به و منصوب با اعراب اصلی فتحه است، در گزینه (۲) مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی ضمّه است و در گزینه (۴) نیز مبتدا و مرفوع با اعراب اصلی ضمّه است ولی در گزینه (۳) نقش مجرور به حرف جر «علی» را دارد پس اعرابش فرعی محسوب می شود.

3. گزینه 3 توجه: «الجملاّت بعد النکرات، صفات»

(۱) ... و تنسون ... ← جمله عاطفه

(۲) يعلم ← خبر «أن» و محلاً مرفوع

(۳) ... ماهرةً تبنى البيوت ... ← «تبنى» بعد از اسم نکره ی «ماهرة» آمده است و صفت است و محلاً مرفوع به تبعیت از مهندسة

(۴) فعلی ندارد در وسط جمله که جمله ی وصفیه داشته باشد.

4. گزینه 2 الأجل الحيوانات ← «الأجل» مضاف است و «ال» نمی گیرد. ← أجمل الحيوانات

نکته: مضاف «ال» می پرونه، مضاف تنوین پرونه، مضاف نون می پرونه ← یعنی اگر کلمه ای مضاف واقع شود، نه «ال» می گیرد نه تنوین و نه «نون»

5. گزینه 3 بررسی موارد سایر گزینه ها:

(۱) «صغیراً» و «کبیر» نکره هستند.

(۲) «بشاشاً»، «أفضل» و «سخياً» نکره هستند.

(۴) «جمیعاً»، «طریق» و «أقوم» نکره هستند.

6. گزینه 1 «السموات» مفعول به و منصوب به علامت اعراب فرعی (کسره) است. هم چنین صفت آن «النیرات» نیز علامت اعراب فرعی دارد. کلمه ی «مصایح» مجرور به فتحه (اعراب فرعی) است و کلمه «المشاهدين» نیز مجرور با علامت اعراب فرعی «ی» است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه ی «۲»: فقط کلمه ی «کربلاء» مجرور به فتحه (اعراب فرعی) است.

گزینه ی «۳»: فقط کلمه ی «المعتدین» مجرور به حرف «ی» یعنی علامت اعراب فرعی است.

گزینه ی «۴»: کلمه «مکة» و نیز دو کلمه «هذین» و «العامین» علامت اعراب فرعی گرفته اند.

7. گزینه 4 «الطالبان» به تبعیت از اسم اشاره که مبتدا و مرفوع است، با علامت فرعی «الف» مرفوع شده است.

«والدیهما» (والدین + هما) نیز مفعول به و منصوب با علامت فرعی «یاء» شده است.

ضمناً نون مثنی به خاطر مضاف واقع شدن، حذف شده است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه ی «۱»: «إخوان» جمع مکسر است و جمع مذکر سالم نیست که در هنگام اضافه شدن، نیازی به حذف نون نیست.

هم چنین «مصاعب» اسمی غیر منصرف و مجرور به حرف جر به علامت فرعی فتحه است.

گزینه ی «۲»: «الطفلتین» فاعل و مثنی است که علامت اعراب مثنی در حالت رفع «الف» است (الطفلتان).

گزینه ی «۳»: «رسائل» باید به صورت «رسائل» باشد، زیرا غیر منصرف تنوین نمی پذیرد.

8. گزینه 4 «الهادی» اسم منقوص است که نقش مفعول به را دارد و اعرابش اصلی است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی «۱»: «الأغانی» اسم منقوص است که به دلیل مضاف الیه و مجرور بودن اعراب تقدیری دارد.

گزینه ی «۲»: «العدی» اسم مقصور است و دارای اعراب تقدیری است.

گزینه ی «۳»: «أیدی» اسم منقوص است که به دلیل مضاف الیه بودن اعراب تقدیری دارد.

9. گزینه 4 برای پاسخ به این سؤال لازم است جمله وصفیه ای را مشخص کنیم که موصوفش مجرور باشد و در این

عبارت «حفلة» (مضاف الیه مجرور) موصوف و جمله ی «تتعقد» جمله وصفیه و محلاً مجرور می باشد.

جمله وصفیه پس از اسم نکره می‌آید و درباره آن اسم نکره توضیح می‌دهد.
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: در این عبارت جمله وصفیه به کار نرفته است.

گزینه ۲: «صدقوا» جمله فعلیه و وصفیه و محلاً مرفوع است.

گزینه ۳: در این عبارت اسم نکره‌ای به کار نرفته است.

10. گزینه 3 «المجدین» مجرور به حرف جر و «المتکاسلین» مفعول به و منصوب، هر دو با علامت اعرابی فرعی «یاء» هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «المفسدین» مفعول به و منصوب با علامت اعراب فرعی «یاء» است.

گزینه ۲: «المومنین» مفعول به و منصوب با علامت اعراب فرعی «یاء» است. ضمناً «الذین» مینی و محلاً مجرور است.

گزینه ۳: در این گزینه، علامت اعراب فرعی «یاء» بکار نرفته است.

11. گزینه 1 (المساکین) جمع مکسر (مسکین) از اسم‌های غیر منصرف است و در حالت نصب اعراب اصلی دارد،

بنابراین در این عبارت (المساکین) مفعول به و منصوب با اعراب اصلی است.

نکته: اسم‌های مثنی و جمع مذكر سالم همیشه دارای علامت اعراب فرعی هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: (یدان) مبتدای موخر و (خشتان) صفت و مرفوع با علامت اعراب فرعی (الف) هستند.

گزینه ۳: (المومنین) مضاف‌الیه و مجرور با علامت اعراب فرعی «یاء» است.

گزینه ۴: «مناطق» مجرور به حرف جر با علامت اعراب فرعی فتحه است.

12. گزینه 4 در این گزینه، «الوالدان، ملابس و ولدی» دارای علامت اعراب فرعی می‌باشند. هرگاه حرف یا حرکتی جانشین یکی از حرکات اصلی اعراب شود فرعی است. فرعی‌ها عبارت‌اند: مثنی، جمع مذكر سالم، جمع مؤنث در حالت منصوب و اسامی غیرمنصرف در حالت مجرور.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «۱»: فقط کلمه «جناحان» دارای اعراب فرعی می‌باشد.

گزینه ۲: «۲»: کلمات «المسلمین، مکه» دارای اعراب فرعی می‌باشند.

گزینه ۳: «۳»: کلمات «یوسف، السائلین» اعرابشان فرعی است.

13. گزینه 1 در این گزینه صفت به کار نرفته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «لا تصلون الیها» جمله وصفیه برای «غایه» می‌باشد.

گزینه ۳: «المهم» صفت برای (کشف) است.

گزینه ۴: «الذی» صفت برای «الظبی» است.

14. گزینه 3 کلمه «ایران» غیر منصرف است و کلمات غیر منصرف، در دو حالت رفع و نصب اعرابشان اصلی و ظاهری است، ولی در حالت جر اعراب آن‌ها به صورت فرعی می‌باشد. یعنی به جای کسره، حرکت فتحه می‌گیرند و در این جا قبل از «ایران» حرف جر «فی» آمده و مجرور به حرف جر با اعراب فرعی فتحه می‌باشد.

15. گزینه 3 المتکاسلون - تمارین - المعلمین دارای اعراب فرعی می‌باشند.

در گزینه ۱: «طفلین» در گزینه ۲: «مصایب»، «منازل» در گزینه ۳: «المنهومان» اعراب فرعی دارند.

16. گزینه 2 در این گزینه، صفت مفرد به کار رفته است (کاملاً، الاستوائیة) اما جمله‌ی وصفیه وجود ندارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «تُحرق» جمله‌ی وصفیه برای «صحراء» است.

گزینه ۳: «یرکض» جمله‌ی وصفیه برای «رجلاً» است.

گزینه ۴: «یبین» جمله‌ی وصفیه برای «کتاباً» است.

17. گزینه 1 «عبارات» و «التلمیذات» جمع مؤنث سالم، مفعول به و منصوب به علامت اعراب فرعی هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «مفاهیم» و «أفضل» اسم‌های غیر منصرف مجرور با علامت فرعی فتحه هستند و تنوین و حرکت ظاهری جر

را نمی‌پذیرند (أفضل و مفاهیم)
گزینه ی (۳): «المعتمِن» مفعولٌ به و منصوب با علامت اعراب فرعی «ياء» صحیح است.(المعتمِن).



@konkurpex

گزینه ی (۴): «الحاضرين» فاعل است و علامت فرعی رفع در جمع مذكر سالم «واو» است (الحاضرون).

18. گزینه 4 بررسی سایر گزینه ها:

- ۱) «الفتی» اسم مقصور است که در نقش مضاف الیه آمده پس اعرابش تقدیراً مجرور است.
 - ۲) «الدنیا» نیز اسم مقصور است پس اعرابش تقدیراً منصوب می باشد.
 - ۳) «الهُوی» اسم مقصور و در نقش مفعول به است پس اعرابش تقدیراً منصوب می باشد.
- نکته: اسامی مقصور در هر حالت و نقشی، اعرابشان تقدیری است.
- اما در گزینه ی (۴) «المعتدی» اسمی منقوص است که در نقش مفعول به آمده و براساس قاعده ی (اسامی منقوص در

حالت نصب اعرابشان ظاهری اصلی است) «المعتدی» نیز منصوب با اعراب ظاهری است.

19. گزینه 1 "ما" در این گزینه حرف نفی است و علامت اعراب (المعلمون) نیز فرعی است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۲: أنت مبتدا و محلاً مرفوع است.

گزینه ی ۳: من اسم موصول، خبر مفرد و محلاً مرفوع است.

گزینه ی ۴: «ما» موصول خبر از نوع مفرد و محلاً مرفوع است

20. گزینه 2 ۱- «وَلَدَيَّ»: دو پسر من «اسم مثنی و مجرور با حرف «ياء» است.

۲- «يُواصلان» فعل مضارع مرفوع با ثبوت نوع اعراب و دارای علامت اعراب ظاهری فرعی است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۱»: «میادین» دارای علامت اعراب ظاهری فرعی (اسم غیرمنصرف و مجرور با حرکت جایگزین فتحه (-) است).

گزینه «۳»: «الإشارات» اسم «أَنَّ» است و منصوب شدنش با حرکت جایگزین (-) بوده، پس علامت اعراب ظاهری فرعی

دارد. / «ادعاءات» مضاف الیه و دارای علامت اعراب ظاهری اصلی است.

گزینه «۴»: «الطالبات» اسم «كانت» و مرفوع و دارای علامت اعراب ظاهری اصلی است. / «النشيطات» صفت برای

«الطالبات» و دارای علامت اعراب ظاهری اصلی است. / «أسعد» اسم غیرمنصرف و خبر «كانت» و دارای علامت ظاهری

اصلی است. / «زميلات» مجرور به حرف جرّ و دارای علامت اعراب ظاهری اصلی است. «المتكاسلات» صفت برای

«زميلات» و مجرور به تبعیت بوده و علامت اعراب ظاهری اصلی دارد.

21. گزینه 4 «الأیدی» اسم منقوص است و اعراب آن به هنگام منصوب شدن ظاهری است. «أیدی» مفعول به و

منصوب با اعراب ظاهری است.

ترجمه: دستان بیگانگان را از خانه هایمان کوتاه خواهیم کرد.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: أیدی: مضاف الیه و مجرور تقدیراً. ترجمه: فضل و بخشش دستان نیکوکاران در جامعه بسیار است.

گزینه ۲: أیدی: مضاف الیه و مجرور تقدیراً. ترجمه: آثار دستان تو بر این هنر آشکار است.

گزینه ۳: أیدی: مبتدا و مرفوع تقدیراً. ترجمه: دستان فقیران نیاز به کمک ثروتمندان دارد.

22. گزینه 4 زیرا در گزینه ی ۱ "القاضی" اسم لیث و منصوب با اعراب اصلی و در گزینه ی ۲ "القاضی" مفعول به و

منصوب با اعراب اصلی و در گزینه ی ۳ "القاضی" اسم آن و منصوب با اعراب اصلی است در صورتی که در گزینه ی ۴

"القاضی" مضاف الیه و مجرور با اعراب تقدیری است.

23. گزینه 2 در گزینه ی ۲ «ذَلِکَ» و «ه» و «رَبِی» ۳ اسم مبنی وجود دارند که اعرابشان محلی است «رَبِی اسم لاء

نفی جنس مبنی بر فتح است».

«هدی» اسم مقصور اعرابش تقدیری است و «المتقین» اسم جمع مذكر سالم است. اعرابش «فرعی» مجرور به «ی»

است.

24. گزینه 1 ۱) باع الأَحْدِیة: فروشنده ی کفش ← ترکیب اضافی

۲) دراساتی العَلِمیة: درس های علمی من ← ترکیب وصفی و اضافی («العَلِمیة» صفت است)

۳) المرّة الثانیة: مرتبه ی دوم ← ترکیب وصفی و اضافی («الثانیة» صفت است)

۴) لا یعملها: جمله ی وصفیه است زیرا بعد از اسم نکره ی «مشکلّة» آمده است.

نکته: جملات وصفی همیشه بعد از یک اسم نکره ای که درباره ی آن چیزی را توصیف می کنند، می آید.

25. گزینه 3 «الحيوانات» مفعول به و منصوب به کسره است و «النّادرة» صفت و منصوب بالتّبعیة می باشد.

در سایر گزینه ها صفات مجرور عبارتند از: «اليومية»، «آخر» و «عديدة»

کنکور



@konkurpex

۲) صدیقتی : ترکیب اضافی / دروسنا : ترکیب اضافی

۳) کلّ حین : ترکیب اضافی

۴) أعمال مهمّة : ترکیب وصفی است (توجه: «أعمال» جمع غیر عاقل است و صفت ان به صورت مفرد مؤنث می آید)

27. گزینه 4 اسامی غیر منصرف: «آخر» / «المساكين» / «أقدر».

28. گزینه 2 جمله ي شكّرُ فيه مقاديرُ كثيرةٌ من البروتين جمله ي وصفيه براي اسم نكرة ي «غذاء» در سایر گزینه ها جمله ي وصفيه بکار نرفته است.

29. گزینه 4 در گزینه ي ۱ «يطالع...» جمله ي وصفيه ، در گزینه ي ۲ «المريض» و در گزینه ي ۳ «السريعة» صفت مي باشند.

30. گزینه 2 ۱) أخذتها : فعل است و بعد از «هدية» که نكرة است آمده است و جمله وصفی است.

۲) خير الأعمال : ترکیب اضافی است نه وصفی!

۳) يسعى : فعل است و بعد از «معلم» که نكرة است آمده و جمله وصفی است.

۴) تتبعها : فعل است و بعد از «استراحة» که نكرة است آمده و جمله وصفی است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۳۸۷۱

۳ -۵	۲ -۴	۳ -۳	۳ -۲	۳ -۱
۳ -۱۰	۴ -۹	۴ -۸	۴ -۷	۱ -۶
۳ -۱۵	۳ -۱۴	۱ -۱۳	۴ -۱۲	۱ -۱۱
۲ -۲۰	۱ -۱۹	۴ -۱۸	۱ -۱۷	۲ -۱۶
۳ -۲۵	۱ -۲۴	۲ -۲۳	۴ -۲۲	۴ -۲۱
۲ -۳۰	۴ -۲۹	۲ -۲۸	۴ -۲۷	۴ -۲۶

کنکور

@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۳۹۱۸۸۸

1. عَيْنِ الخَطَأِ فِي أَحْكَامِ الْأَفْعَالِ الناقصه:

- 1) ليس باب الله مغلقاً على عبده، فعليه أن يراقبه دائماً
- 2) كان العلماء خلال أعمالهم العلميّه متدوّقون ألاماً كثيره!
- 3) لم يُصبح هؤلاء التّلاميذ غائبين في صقّهم طول السنّه الدّراسيّه!
- 4) الأعداء منهزمون ما داموا غاصبين و معتدين على البلاد الأخرى!

2. عَيْنِ الخَطَأِ فِي إعراب المضارع:

- 1) إن يسر الإنسان على الصراط المستقيم فلن يخسر أبداً!
- 2) إن تُعلن المدرسه موعد الامتحانات يسع التّلاميذ سعياً كثيراً!
- 3) من ينسى الله في لحظات حياته فلا يتقدّم في أمور الدّنيا و الآخرة!
- 4) إن تستمعوا الكلام الحقّ و تعلموا به في حياتكم يفتح الله أبواب رحمته عليكم!

3. عين الفعل مضارعاً في المعنى:

- 1) هؤلاء تلاميذ مجدّون لم يهملوا في أداء واجباتهم الدّراسية!
- 2) وصلت الى الجامعة و شاهدت أنّ الأستاذ لمّا يذهب الى الصّف!
- 3) أنّ قرأت دروسك بدقّة نجحت فيها حتماً!
- 4) قبل اكتشاف مادام كوري، لم يكن يحصل الانسان على السّلاح الذريّ!

4. عين العبارة التي فيها فعل مرفوع و فعل منصوب معاً:

- 1) النّاس لا يحبون الرّاضى عن نفسه و يجتنبون منه!
- 2) «الذين يبيعون رسالات الله و يخشونه و لا يخشون احدا الا الله ...»
- 3) «الله الذي جعل لكم الانعام لتركبوا منها ...»
- 4) راقبوا حركات صاحب المزرعة حتّى تخبروني عنها حين ارجع!

5. عين «ما» جازمة:

- 1) ما قلت في الصف كان كلاماً صحيحاً!
- 2) ما تعلمت هذه الدروس الصعبة بعد سنة كاملة!
- 3) ما تفعلوا من خير يعلمه الله!
- 4) يا صديقي تعلم ما اقول لك و استقد منه في حياتك!

6. عَيْنِ الخَطَأِ فِي إعراب الفعل:

- 1) المؤمنون لن يُشركون بالله شيئاً!
- 2) لا يكذب المؤمن من أجل الدّنيا!
- 3) التّلميذات لم يُقصرن في أداء واجبهنّ!
- 4) ألهي من يرحمنا أن لم ترحمنا!

7. عَيْنِ حرف اللّام الجازمة:

- 1) بعث النّبىّ ليهدي النّاس!
- 2) لأنجح في الإمتحان اجتهدت كثيراً!
- 3) فليتوكل المؤمنون على الله!
- 4) لصيد الحيوانات النّادرة سافرت إلى المناطق المختفلة!

8. عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:**عَيِّنِ الْمَاضِيَ لَيْسَ فِي مَحَلِّ الْجَزْمِ:**

- (1) من حفر بئراً لأخيه وقع فيها!
- (2) ما عملت في السرِّ يعلمه الله!
- (3) من عمل صالحاً جزاه الله خيراً!
- (4) ما عرفت زميلتي حين مررتُ من جنبها!

9. عَيِّنِ الْمَضَارِعَ يُمَكِّنُ أَنْ يَكُونَ مَرْفُوعاً أَوْ مَجْزُوماً:

- (1) لا يجعل المؤمنُ المنافق نصيراً!
- (2) لا تقل الآ الحق!
- (3) لا يسبقوكم بالعمل بالقرآن!
- (4) لا يبلغ المجد من يطلب الراحة!

10. عَيِّنِ الْخَيْرَ الْمَنْصُوبَ مَحَلًّا :

- (1) نُصِبحُ مُسْتَدِينٍ لِلْحَضُورِ فِي هَذِهِ الْمَسَابِقَاتِ الْعَالِمِيَّةِ!
- (2) إِنَّ لِي صَدِيقاً يَشْجَعُنِي عَلَي مَوَاصِلَةِ الدِّرَاسَةِ!
- (3) كَانَ الْإِنْسَانُ فِي الْمَاضِي لَا يَصْطُقُّ حَرَكَةَ الْأَرْضِ!
- (4) لَا تَقْدَمُ لِمَنْ لَيْسَ سَاعِياً فِي الدَّرْسِ وَالْعَمَلِ!

11. عَيِّنِ الْخَيْرَ لَيْسَ مَقْدَماً:

- (1) إِنَّ فِي هَذَا الصَّفِّ طَالِبِينَ مُجِدِّينَ!
- (2) قَالَ الْمَدِيرُ: لَيْسَ اللَّائِقُ مَنْ كَانَتْ لَهُ الشَّهَادَاتُ الْكَثِيرَةُ!
- (3) كَانَ الْفَارَابِيُّ يَسْهَرُ اللَّيْلَ لِلْمَطَالَعَةِ وَ مَا كَانَ فِي بَيْتِهِ مَصَابِحُ!
- (4) أَصْبَحْتُ الْآنَ وَحِيداً وَ لَمْ يُسَاعِدْنِي أَحَدٌ!

12. عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي أُسْلُوبِ الشَّرْطِ:

- (1) إِنَّ تَحْسِنُوا وَ تَتَفَقَّحُوا يُسَاعِدُكُمْ اللَّهُ.
- (2) إِنَّ يَذْهَبِ النَّاسُ إِلَى الْوَالِي يَحْصُلُونَ عَلَى شَيْءٍ مِنَ الْمَالِ.
- (3) مَنْ يَتَعَلَّمُ الدَّرْسَ فَقَدْ فَازَ فِي الْإِمْتِحَانِ.
- (4) إِنَّ تُعْظَمَنَّ أَمْرَ اللَّهِ أَذَلَّ اللَّهُ لَكِنَّ عِظْمَاءَ خَلْقِهِ.

13. عَيِّنِ حَرْفَ اللَّامِ النَّاصِبَةَ:

- (1) التَّلْمِيذَاتُ لِيَحْتَرَمَنَّ مَعْلَمَاتِهِنَّ
- (2) لَتَهْذِيبِ نَفْسِي حَاوَلْتُ كَثِيراً
- (3) الْكُذْبُ عَمَلٌ قَبِيحٌ لَنَجْتَنِبَهُ
- (4) لَنَشَارِكُ فِي هَذِهِ الْحَفْلَةِ قَطْعَنَا مَسَافَةً طَوِيلَةً

14. عَيِّنِ الْفِعْلَ الَّذِي يُمَكِّنُ أَنْ يَبْنِيَ لِلْمَجْهُولِ:

- (1) إِنَّتَشَرَ هَذَا الْخَبْرَ وَ غَضِبَ الْبَانِي شَدِيداً!
- (2) تَعَجَّبْنَا كَثِيراً مِنْ أَعْمَالِ هَؤُلَاءِ الشَّبَابِ!
- (3) يُسَاعِدُهُ جِيرَانُهُ فِي جَمْعِ الْمَحَاصِيلِ!
- (4) يَتَحَدَّثُ النَّاسُ عَمَّا فِي أَيْدِيكَ!

15. عَيِّنِ مَا لَيْسَ فِيهِ خَطَأٌ فِي إِعْرَابِ الْأَفْعَالِ:

- (1) عَلَيْكُمْ أَنْ تَشَارِكُوا فِي حَفْلَةِ التَّكْرِيمِ!
- (2) لِمَ لَا تُسَاعِدُوا الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ!
- (3) بَعْضُ النَّاسِ لَا يَنْفَقُونَ مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ!
- (4) عَلَيْكُمْ أَنْ لَا تَكْسِلُوا فِي أَعْمَالِكُمْ!

16. عَيِّنِ الْعِبْرَةَ الَّتِي فِيهَا حَرْفُ الشَّرْطِ:

- (1) إِنَّ تَحْمُلَ الصَّعُوبَاتِ أَمْرٌ هَامٌّ لَا يُدْرِكُهُ كَلَّ شَخْصٍ!
- (2) إِنَّ يَهْدِ الطَّيُورَ خَطِرٌ تَتْرُكُ مَأْمَنَهَا!
- (3) مَا قَصَدْتُ الْيَوْمَ أَنْ أُجِيبَ عَنِ أَسْئَلَةٍ لَا أَعْرِفُ
- (4) مَا زَرَعَ الْإِنْسَانُ الْيَوْمَ حَصَدَهُ غداً!

جوابها!

17. عَيْنِ المضارع المنصوب:

- 1) يا بني عليك السعي و العمل المتواصلان لتنجح في دراستك!
- 2) المتكاسلان لا يواصلان كسلهما و إلا يفشلان في حياتهما!
- 3) لا نرضَ البقاء في الظلم للعيش في العزّة و الفخر!
- 4) لا يتكاسل هذا التلميذ في درس من دروسه من أوّل العام الدراسي!

18. عَيْنِ فعل الشرط ليس في محلّ الجزم:

- 1) من تذوّق مرّ الحياة و حلوها يجمع تجارب قيّمة في حياته!
- 2) «ما تتفقوا من خير تجدوه عند الله»
- 3) إن تجتهدن في أعمالكنّ تنجحن في الحياة!
- 4) من تأمل قبل الكلام يسلم من الخطأ!

19. عَيْنِ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية :**عَيْنِ نائب الفاعل بعلامة الإعراب المحلّية**

- 1) لم يؤسس هذا المسجدُ إلا لاكتساب الثواب!
- 2) تُعلّمت دروس مختلفة في أيام شبابي!
- 3) تُكتسب المعالي بقدر كدّ النَّاس!
- 4) هؤلاء الطالباتُ يُطالعن دروسهنّ كثيراً!

20. عَيْنِ الخطأ في البناء للمجهول:

- 1) يبني هذا المعمار كثيراً من المساجد ← يبني كثير من المساجد!
- 2) يضرب الله بعض الأمثال لفهمنا ← يضرب بعض الأمثال لفهمنا!
- 3) يظلم الظالمون المظلومين كثيراً في الدنيا ← ظلّم المظلومون كثيراً في الدنيا!
- 4) ينتخب المدير شابين يعتمدان على نفسها ← يُنتخب شابين يعتمدان على نفسها!

21. عَيْنِ المضارع المجزوم بعلامات الإعراب الفرعية:

- 1) لم تعاشري من تقنّل الحُلم فيك!
- 2) إبدؤوا بتهديب أنفسكم قبل أن تنصحو الآخرين!
- 3) ما تعلّم الشباب اليوم تُذوّقوا حلوة ثمرته غداً!
- 4) عليك أن لا تعتمد على من يكذب دائماً!

22. عَيْنِ الخطأ في التواسخ:

- 1) ليت تلميذناي أصبحتا ناجحتين في حياتهما!
- 2) ليس عندي عالمٌ أعتمد عليه!
- 3) كأنك تعتقد أنّ من كانت له شهادتٌ كثيرة هو اللأنق!
- 4) أصبح المنظر جميلاً عندما تمطر علينا الغيوم!

23. عَيْنِ نائب الفاعل ضميراً مستتراً:

- 1) تُشاهد الأراضي الخضراء في شمال إيران!
- 2) طلبت منّا مساعدة المساكين!
- 3) إنّ نفسك تختبر بمصائب صعبة في الحياة!
- 4) يعرف عند الشدائد من يكون صديقاً مخلصاً!

24. «أصدقاءنا المجذّون محترمون» عَيْنِ الصّحيح باستخدام التواسخ:

- 1) أصبح أصدقاءنا المجذّين محترمين!
- 2) أصدقاءنا المجذّون يكون محترمين!
- 3) ماداموا أصدقاءنا المجذّون محترمين!
- 4) إنّ أصدقاءنا المجذّين محترمون!

25. عَيْنُ الخَطَأِ فِي النِّوَاخِ:

- (1) الطَّلَابُ الَّذِينَ شَارَكُوا فِي امْتِحَانَاتِ الدَّخُولِ لَيْسُوا مِتْكَاسِلُونَ!
- (2) لَا لِبَاسٍ أَجْعَلُ مِنَ الْعَاقِبَةِ وَالْعَقْلِ السَّلِيمِ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ!
- (3) لَكِنَّ الْوَاقِعَ أَنَّ الْعُلَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ كَانُوا قَدْ اكْتَشَفُوا هَذَا الْقَانُونَ بِقُرُونٍ!
- (4) إِنَّ الْبَلَاءَ لِلظَّالِمِ أَدْبٌ وَ لِلْمُؤْمِنِ امْتِحَانٌ!

26. عَيْنُ الخَطَأِ فِي إِعْرَابِ الْفِعْلِ:

- (1) إِنَّ تَجْتَهِدُوا فِي أَعْمَالِكُمْ تَنْجَحُونَ فِي حَيَاتِكُمْ!
- (2) مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا!
- (3) الْمُؤْمِنُونَ يَسْعَوْنَ أَنْ يُحَرِّرُوا الْقُدْسَ!
- (4) لِأَسَاعِدِ الْمَظْلُومِينَ فِي الْعَالَمِ!

27. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ نُونُ الْإِعْرَابِ:

- (1) إِنَّ تَعْمَلَنَّ أَعْمَالَ الْخَيْرِ فَلَكُنَّ أَجْرٌ عَظِيمٌ عِنْدَ اللَّهِ!
- (2) أَنْتِ تَجْتَهِدِينَ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِكَ الدِّرَاسِيَّةِ أَكْثَرَ الْأَحْيَانِ!
- (3) كَانَ هَذَانِ الْمَسَافِرَانِ يَسَافِرَانِ إِلَى نِقَاطٍ كَثِيرَةٍ طَوَّلِ السَّنَةِ!
- (4) إِنَّ عُلَمَاءَ التَّغْذِيَةِ يَعْتَبِرُونَ اللَّبَنَ مِنْ أَفْضَلِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ!

28. عَيْنُ الْفِعْلِ الْمَجْزُومِ مَحَلًّا:

- (1) ثَأْمَلُوا قَبْلَ أَنْ تَبْدُؤُوا بِالْعَمَلِ!
- (2) لَا تَتَّخِذَنَّ الْإِنْسَانَ الْمَتَلُونَ صَدِيقًا لِأَنْفُسِكُنَّ!
- (3) إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ يَتْرَكُوا عِبَادَةَ رَبِّهِمْ أَبَدًا!
- (4) لَا أَعْتَمِدُ عَلَى النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ لِأَنَّهَا تَأْمُرُنِي بِالسُّوءِ!

29. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي نَوْعِ اللَّامَاتِ الثَّلَاثِ: «لَمَّا دَخَلْنَا الصَّفَّ قَلْتُ لِصَدِيقَتِي لِنَجْلِسَ فِي الْأَمَامِ لِنَسْمَعَ كَلَامَ الْأَسْتَاذَةِ جَيِّدًا!»

- (1) جَارَةٌ / جَازِمَةٌ / نَاصِبَةٌ
- (2) نَاصِبَةٌ / جَازِمَةٌ / حَرْفُ الْجَرِّ
- (3) جَارَةٌ / نَاصِبَةٌ / لَامُ الْأَمْرِ
- (4) حَرْفُ الْجَرِّ / لَامُ الْأَمْرِ / جَازِمَةٌ

30. عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.**عَيْنُ الخَطَأِ فِي الْبِنَاءِ لِلْمَجْهُولِ:**

- (1) أَنْزَلَ اللَّهُ لِلْإِنْسَانِ النَّعْمَ الْكَثِيرَةَ! أَنْزَلْتَ لِلْإِنْسَانِ النَّعْمَ الْكَثِيرَةَ!
- (2) كَرَّمْنَا الْمَحْرُومِينَ فِي جَمِيعِ الْأَوْقَاتِ! يُكْرِمُ الْمَحْرُومُونَ فِي جَمِيعِ الْأَوْقَاتِ!
- (3) تَسَاعَدَ هَذِهِ السَّيِّدَةُ صَاحِبِي الْحَفْلَةِ! يُسَاعِدُ صَاحِبُو الْحَفْلَةِ!
- (4) مَنَعَ الْإِسْلَامُ الْمَرْأَةَ الْمُسْلِمَةَ مِنَ التَّكَاسُلِ! مُنِعَتِ الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ مِنَ التَّكَاسُلِ!

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۳۹۳۸۸۸

1. گزینه 2 زیرا "العلماء" اسم کان و "متذوقون" خبر کان است و باید منصوب باشد یعنی : متذوقین"

2. گزینه 3 زیرا "ینسی" مضارع ناقص و مختوم به حرف عله است و فعل شرط است و باید مجزوم شود که جزم مضارع ناقص مختوم به عله ، با حذف حرف عله صورت می گیرد. یعنی "مِن یَئِیسٍ"
از ادات شرط (جازمه) مجزوم با حذف عله

3. گزینه 3 فعل شرط و جواب شرط، حتی اگر ماضی نیز باشند به صورت مضارع ترجمه می شوند. (فعل شرط ← مضارع التزامی) (فعل جواب شرط ← مضارع اخباری یا مستقبل)
بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی 1: «لم یهملوا» ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی است «اهمال نکردند، اهمال نکرده اند.»

گزینه ی 2: «لَمَا یذهب» ماضی ساده یا ماضی نقلی منفی است «نرفت، نرفته است.»

گزینه ی 4: «لم یکن یحصل» ماضی استمراری منفی است «کسب نمی کرد.»

4. گزینه 4 در این گزینه هم فعل مضارع مرفوع وجود دارد، هم فعل مضارع منصوب، «تُخبرونی» فعل مضارع منصوب با «حتی» و «أرجع» فعل مضارع مرفوع است.
بررسی سایر گزینه ها:

گزینه 1: «لا تحبون» و «یجتنبون» هر دو فعل مضارع مرفوع هستند.

گزینه 2: «یبلغون»، «یخشون» و «یجتنبون» هر سه فعل مضارع مرفوع هستند.

گزینه 3: «جعل» فعل ماضی است و «ترکبوا» فعل مضارع منصوب با «لی» می باشد.

5. گزینه 2 «ما» اسم شرط است و در فعل مضارع پس از خود را مجزوم کرده است و «نفعلوا» فعل شرط و مجزوم به حذف نون اعراب و «یعلم» جواب شرط و مجزوم به سکون است.
بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی 1: «ما» اسم موصول است.

گزینه ی 3: «ما» حرف نفی است.

گزینه ی 4: «ما» اسم موصول است.

6. گزینه 1 «لن یشر کوا»: مضارع منصوب به حذف «ن»

7. گزینه 3 گزینه ی 1: لیهدی: "لام" ناصبه است.

گزینه ی 2: لأنج: "لام" ناصبه است.

گزینه ی 4: لصید: "لام" جازه است.

8. گزینه 4 سایر گزینه ها جمله ی شرطی است و فعل شرط و جواب شرط در محلّ جزم قرار می گیرد، ولی گزینه ی 4 جمله ی شرطی نمی باشد و "ما" حرف نفی است.

9. گزینه 1 گزینه ی 1 را می توان به دو صورت ترجمه کرد که فعل آن نهی یا نفی ترجمه شود.

(1) مؤمن منافق را یاور قرار نمیدهد ← در این صورت فعل نفی است و مرفوع می باشد.

(2) نباید مؤمن منافق را یاور قرار دهد ← در این صورت فعل نهی است و مجزوم می باشد.

10. گزینه 3 «لا یصدّق» خبر جمله فعلیه (خبر کان) و محلاً منصوب است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه «1»: «مستعدّین» خبر «نصبح» و منصوب با علامت اعراب فرعی «یاء» است.

گزینه «2»: «لی» خبر مقدّم و محلاً مرفوع از نوع شبه جمله برای «إنّ» است.

گزینه «4»: «لمن» خبر شبه جمله برای «لا» ی نفی جنس و محلاً مرفوع و «ساعیاً» خبر «لیس» و منصوب با علامت اصلی اعراب است.

11. گزینه 4 «أصبحتُ» فعل ناقصه و اسمش ضمیر بارز «تُ» و «وحدیاً» خبر آن و منصوب است.

نکته ی مهم درسی

چنانچه اسم افعال ناقصه ضمیر بارز یا مستتر باشد، خبر بر اسم آن مقدم نمی‌شود و اسم منصوب پس از فعل ناقصه، عموماً خبر آن خواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: «فی هذا» خبر مقدم «إِنَّ» و «طالِبِینَ» اسم مؤخر آن است.

گزینه‌ی «۲»: «له» خبر مقدم «کانت» و «الشهادت» اسم مؤخر آن است.

گزینه‌ی «۳»: «فی بیته» خبر مقدم «کان» و «مصباح» اسم مؤخر آن است.

12. گزینه 2 «یذهب» فعل شرط و مجزوم با علامت اصلی

«یحصلوا» جواب شرط مجزوم به حذف «ن» اعراب

13. گزینه 4 گزینه‌ی ۱: «لیحترمن: باید احترام کنند» (ل = جازمه است).

گزینه‌ی ۲: «لتهدیب نفسی: برای تهدیب نفسم» (ل در این گزینه حرف جرّ است)

گزینه‌ی ۳: «لنجتبه: باید از آن دوری کنیم» (ل = جازمه است).

گزینه‌ی ۴: «لنشارک: برای این که شرکت کنیم» (ل = ناصبه است)

14. گزینه 3 این سؤال از ما گزینه‌ای را می‌خواهد که می‌تواند مجهول شود. منظور گزینه‌ای است که فعل آن متعدی باشد

زیرا فعل لازم مجهول نمی‌شود که بنابراین تنها فعل «یساعد» در گزینه‌ی ۳ چنین ویژگی دارد.

15. گزینه 3 گزینه ۱: آن تُشارکوا گزینه ۲: لا تُساعدون گزینه ۴: آن لا تکسلا

16. گزینه 2 «إِنَّ»: حرف شرط است. (اگر خطری پرندگان را تهدید کند، پناهگاه خود را ترک می‌کنند!)

نکته مهم درسی

از بین ادوات شرط «مَنْ و ما» اسم و «إِنَّ» حرف است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «إِنَّ»: حرف مشبّهة بالفعل است، چون بعد از آن اسم (تَحُلُّ) آمده است. (همانا تحمل سختی‌ها امر مهمی است

که هر شخصی آن را درک نمی‌کند!)

گزینه «۳»: ما: حرف نفی است. (امروز قصد نداشتم به سؤال‌هایی جواب دهم که جوابشان را نمی‌دانم!)

گزینه «۴»: ما: اسم شرط است نه حرف شرط. (هرچه انسان امروز بکارد فردا آن را درو می‌کند!)

17. گزینه 1 فعل «لنتجج: برای این که موفق شوی» مضارع منصوب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۲»: فعل «لا یواصل: نباید ادامه بدهند» مضارع مجزوم و «یفشلان» مضارع مرفوع است.

گزینه‌ی «۳»: فعل «لا نرض: نباید خشنود باشیم» مضارع مجزوم به حذف حرف علّه است.

گزینه‌ی «۴»: فعل «لا یتکاسل: نباید تنبلی کند»: مضارع مجزوم / «لا یتکاسل: تنبلی نمی‌کند»: مضارع مرفوع

18. گزینه 2 فعل شرط اگر فعل مبنی باشد «محلاً مجزوم» می‌شود. در گزینه‌ی ۲ «فعل شرط» مضارع و معرب می

باشد، ولی در سایر گزینه‌ها فعل شرط مبنی است و محلاً مجزوم می‌شود. در گزینه‌ی ۱ و ۴ فعل شرط ماضی است و در

گزینه‌ی ۳ فعل شرط جمع مذكر غایب مضارع و اعراب محلی دارند.

19. گزینه 1 «هذا» نایل فاعل و محلاً مرفوع است.

نکته مهم درسی

حرف مضارع در باب‌های افعال و تفعلیل و مفاعلة دارای ضمّه می‌باشد که نباید با فعل مجهول اشتباه شود.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۲» «دروس» نایب فاعل و مرفوع با علامت اصلی اعراب است.

گزینه‌ی «۳»: «المعالی» نایب فاعل و مرفوع با علامت تقدیری اعراب است.

گزینه‌ی «۴»: در این عبارت فعل مجهول نیامده است.

20. گزینه 3 زیرا فعل در جمله معلوم مضارع است «یظلم» که در مجهول آن به غلط به صورت ماضی مجهول شده است

«ظلم»

21. گزینه 1 «تعاشری» مضارع للمخاطبة مجزوم به حذف نون علامت فرعی اعراب.

اگر قبل از «لا»، حرف ناصبه بیاید مثل «أن» در گزینه‌ی «۴»، حرف ناصبه عمل می‌کند.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

...گزینه‌ی «۲»: «تتصخوا» منصوب با علامت اعراب فرعی است.

گزینه‌ی «۳»: «تَدَوَّقُوا» ماضی للغائبین، جواب شرط و محلاً مجزوم است.
گزینه‌ی «۴»: «تعتمدی» مضارع منصوب به حذف نون است.



@konkurpex

22. **گزینه 1** از آنجا که «لَيْتَ» از حروف مشبّهة بالفعل است باید اسمش منصوب و خبرش مرفوع باشد شکل صحیح آن «تَلْمِيذَتِي» است که در اصل «تَلْمِيذَتَيْنِ + ي» بوده به دلیل مضاف شدن «ن» حذف شده است.
23. **گزینه 3** گزینه‌ی ۱: فعل مجهول نیست لذا فاعل ضمیر مستتر است نه نائب فاعل.
گزینه‌ی ۲: «مُساعدَة» نائب فاعل و اسم ظاهر است.
گزینه‌ی ۳: «هي» نائب فاعل و ضمیر مستتر است.
گزینه‌ی ۴: «من» نائب فاعل و اسم ظاهر است.
24. **گزینه 4** شکل صحیح سایر گزینه‌ها:
 (۱) أصبح أصدقاءنا المجذون محترمين!
 (۲) أصدقاءنا المجذون يكونون محترمين!
 (۳) مادام أصدقاءنا المجذون محترمين!
25. **گزینه 1** «ليسوا» از افعال ناقصه و اسمش ضمیر بارز «واو» است و به خبر منصوب نیاز دارد و باتوجه به این که نصب جمع مذكر سالم با علامت اعراب فرعی «ی» است. «متكاسلين» صحیح است.
26. **گزینه 1** إن تجتهدوا ... تنجحوا (فعل شرط و جواب شرط هر دو مجزوم هستند.) و در فعل تنجحون باید حرف نون حذف شود.
27. **گزینه 1** زیرا در این گزینه فعل «تعملن» جمع مؤنث است و نونش ضمیر فاعلی است.
در گزینه‌های دیگر به ترتیب فعل‌های تَجْتَهِدِينَ، يُسَافِرَانِ، يَعْتَبِرُونَ دارای نون اعراب هستند.
28. **گزینه 2** زیرا فعل در این گزینه یعنی «تَتَّخِذْنَ» جمع مؤنث و مبنی و فعل نهی است و محلاً مجزوم.
معنای عبارت: «نگیرید انسان دورو را دوست برای خودتان»
29. **گزینه 1** ل در «لصديقي» جازه و در «لِنَجْلِسُ» جازمه و در «لِنَسْمَعُ» ناصبه است.
30. **گزینه 2** كَرَّمْنَا فعل ماضی است و باید مجهول آن ماضی باشد و يُكْرِمُ غلط است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۳۸۸۸

۲ -۵	۴ -۴	۳ -۳	۳ -۲	۲ -۱
۳ -۱۰	۱ -۹	۴ -۸	۳ -۷	۱ -۶
۳ -۱۵	۳ -۱۴	۴ -۱۳	۲ -۱۲	۴ -۱۱
۳ -۲۰	۱ -۱۹	۲ -۱۸	۱ -۱۷	۲ -۱۶
۱ -۲۵	۴ -۲۴	۳ -۲۳	۱ -۲۲	۱ -۲۱
۲ -۳۰	۱ -۲۹	۲ -۲۸	۱ -۲۷	۱ -۲۶

کنکور

@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقة

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سوال ۷۲ تا ۳۹۴

1. عین العبارة التي المعارف فيها أقل:

- (1) جرم اللسان صغير و لكن جُرمه كبير!
(2) إن كنت عاقلاً إبتعدتَ عن كلِّ باطل!
(3) إنَّ القرآن يهdy الإنسان لما هو أحسن!
(4) البشاشة في وجهك خير من السخاء في كَفِّك!

2. عین الخطأ في البناء للمجهول:

- (1) نكتب الدروس بعد الوصول إلى البيت ← يُكتب دروساً بعد الوصول إلى البيت!
(2) يرشد المؤمن المسلمات في الحياة ← تُرشد المسلمات في الحياة!
(3) تكرم الضيف الأم في البيت ← يُكرم الضيف في البيت!
(4) اشاهد السماء كل ليلة ← تُشاهد السماء كل ليلة!

3. عین الخطأ في الأفعال المضارعة:

- (1) قال الطائر لصغاره: لَنفُتَش عن حلِّ لهذه المشكلة!
(2) طلبت من أقربائي ليساعدونني في الحصاد غدًا!
(3) من لم يجعل حياة العظام مشعلاً لهديته يهلك!
(4) حين يعتمد الإنسان على الآخرين لن يعمل أعمالاً مهمّة!

4. عین المناسب في الجواب عن الأسئلة التالية:

«عین المضارع منصوباً:»

- (1) قالت الأم لطفلتها: لا تلعبى بالكبريت لأنه خطرٌ جدًّا!
(2) إنَّ أخواتي لن يرجعن من سفرهنّ قبل شهر رمضان!
(3) بعض الناس لا يتناولون مأكولات لها القيمة الغذائية العالية!
(4) بعض صديقاتي لم يشتركن في حفل ميلادي بسبب بُعد الطريق!

5. «عین ما ليس فيه ممنوع من الصرف:»

- (1) ألا إنَّ لكلِّ إنسان مشاكل عجيبة في حياته!
(2) لو لم يكتشف غالبية حركة الأرض لكشفها عالم آخر!
(3) إنَّ في طلوع الشمس و غروبها آيات تنبّهنا بمرور العمر!
(4) إنَّ أفضل دستور الحياة قد طرحه من هو أعلم بطبيعة الإنسان!

6. «عین العبارة التي لها علامة فرعية للإعراب:»

- (1) لنشاهد حال المساكين في مجتمعنا و نساعدهم في الحياة!
(2) دخلنا في ميادين الشجاعة و الاستقامة حتّى ننجح!
(3) يطلب الناس المخلصون من الله أن يغفر لهم!
(4) يريد الشياطين إبعاد الإنسان عن حقيقة الحياة!

7. عین «لام» الجازمة:

- (1) جالس العلماء لتتخلّص من الجهل!
(2) ليستغفر المذنب التائب عن ذنوبه حتّى يفلح!
(3) ساعدت الأم ولدها ليقوم بأعماله كلّها!
(4) هي أحضرت أسلحة الأبناء ليندفعوا إلى الحرب!

8. عين الخطأ عن نوع «لا»:

- (1) ألا تعلم بأنَّ الله يرى أعمال النَّاس! (ناهية)
(2) إنَّ الظلم كالليل، لا دوام له! (نافية للجنس)
(3) لاتحقرُوا كلَّ من ليس له مال! (ناهية)
(4) لاينتظر النَّجاح من لا يجتهد كثيراً (نافية)

9. عَيْن «مَنْ» يمكن أن تكون جازمة:

- (1) من كان الذي دعاك إلى أعمال حسنة؟
- (2) شاهدت من ساعد المساكين و الفقراء في حفلة.
- (3) من اجتهد في انتصار المسلمين ينصره الله!
- (4) إنَّ العاقل من يعتمد على الأعمال لا على الأقوال.

10. عَيْن الجملة الوصفية:

- (1) أتأمرون الناس بالبرِّ و تنسون أنفسكم
- (2) ألم تعلم أنّ الله يعلم ما في السماء و الأرض
- (3) أختي مهندسة ماهرة تبنى البيوت الجميلة.
- (4) قد أصبحت بعض العبارات مثلاً سائراً بين الناس

11. عَيْن الخطأ في علامات الإعراب:

- (1) أصبح معلّمو صفّنا مجدّين في تعليمهم.
- (2) في قريبتنا فلاحون يحصدون المحاصيل بنشاط.
- (3) علينا أن نساعد المظلومين في العالم دائماً!
- (4) إنّ المسلمين متقدّمون في العلوم ماداموا ملتزمون بالإسلام!

12. «عَيْن «لام» الناصبة»:

- (1) الكذب عمل قبيح، لنجتنبه!
- (2) لأتعلّم من أمّي درس الحياة، لأنّها أعلم مني!
- (3) لنحاول أن نوصل أنفسنا إلى الأهداف العالية!
- (4) تساعد المعلّمة تلميذاتها ليفهمن الدرس جيّداً!

13. عَيْن الصحيح في البناء للمجهول:

- (1) لن نُحَقِّر المعلّمت الملتزمات الطالبات الضعيفات في الصفّ! لن نُحَقِّر الطالبات ...
- (2) درستُ حتّى الآن أكثر من خمسة كتب قيّمة! دُرست حتّى الآن أكثر من ...
- (3) يُعرف العقلاء الأصدقاء عند المصاعب! يُعرف الأصدقاء ...
- (4) يرفع المسلمون راية الإسلام في العالم! يُرفع رايته ...

14. عَيْن ما له من العلامات التقديرية للإعراب:

- (1) هناك مرضى كثيرون في مستشفى البلد.
- (2) أبواك يرشدانك في مشاكل حياتك
- (3) علينا أن نساعد الفقيرات في مراحل الحياة.
- (4) زرت في المشهد المقدسة مرقد الإمام (ع).

15. «عَيْن لام الأمر»:

- (1) لِيَتَعَوَّد المؤمن الى الصبر للوصول إلى المجد!
- (2) تسبقون غيركم للحصول على الخير!
- (3) اليوم حاولوا لتطهير أنفسكم من الدنيا!
- (4) للتعاون على البرِّ يجهد المؤمنون!

16. عَيْن العبارة التي لا يمكن بناء فعلها للمجهول:

- (1) هل تنزلُ النَّدَم من السَّمَاء جاهزة؟!
- (2) حياة العلماء خلّدت أسماءهم في العالم
- (3) لقد أنزل الله الماء فأصبحت الطبيعية مخضرة.
- (4) توقّر النباتاتُ الأطعمة للإنسان و الحيوان.

17. «عَيْن الخطأ (عن المضاف و المضاف إليه):»

- (1) يجاهد مقاتلو الإسلام جهاد الصالحين!
- (2) اشترى والدي لى حذاءين جميلين!
- (3) رجع تلميذان هذه المدرسة إلى بيتهما!
- (4) أفضل أصدقائي من حافظوا على أسرارى!

18. عَيْن الخطأ في إعراب المضارع:

- (1) إن خرجت الغيبة من فمك سبّبت نقمتك في الحياة!
- (2) التلميذات يكررن الدرس بارشاد معلّمتهنّ ليتعلّمنه!
- (3) أستعمل البصل في طعامي كي يطهرّ فمي من الجراثيم!
- (4) يا مريم! لاتعاشرين في حياتك من تمدح نفسها كثيراً!

19. عَيْن العبارة أتي لها علامة فرعية للإعراب:

- (1) يطلب المؤمنون العافية من الله تعالى فقط!
- (2) تريد الشياطين أسر الإنسان و تبعيته لها!
- (3) كان الإمام يساعد المساكين في جميع الأحوال!
- (4) بُنى بعض ميادين مدينتي في الشوارع الوسيعة!

20. عَيْن «القاضي» يختلف من حيث علامة الإعراب :

- (1) ليت القاضي العادل لا يغير طريقه
- (2) رأيت القاضي العادل يبقى على عدله دائماً!
- (3) إن القاضي يشتهر في كل بلد!
- (4) الناس يستمعون إلى كلام القاضي العادل فقط!

21. عَيْن ما ليس فيه نون الإعراب:

- (1) إن تعملن أعمال الخير فلكن أجر عظيم عند الله!
- (2) أنت تجتهدين في أداء واجباتك الدراسية أكثر الأحيان!
- (3) كان هذان المسافران يسافران إلى نقاط كثيرة طول السنة!
- (4) إن علماء التغذية يعتبرون اللبن من أفضل المواد الغذائية!

22. عَيْن ما لم يذكر فيه المشار إليه:

- (1) ذلك المكان تذهب إليه هؤلاء السيدات للشراء!
- (2) هاتان جزيرتان كبيرتان و هما من عجائب العالم!
- (3) ذلك الجبل في تلك القارة الصغيرة له تراب أسود!
- (4) هؤلاء المعلمون مكرمون و محبوبون في المدارس!

23. عَيْن النام ناصبة:

- (1) ليكرم كل منا العلماء الكبار في المجتمع!
- (2) نرجو الله لجميع شعبنا التوفيق و السعادة في حياتهم!
- (3) هو يعمل كثيراً لتوفير ما يحتاج إليه في البيت!
- (4) نتلو آيات الحق ليهدينا الله الصراط المستقيم!

24. عَيْن الخطأ في إعراب المضارع:

- (1) إن يسر الإنسان على الصراط المستقيم فلن يخسر أبداً!
- (2) إن تعلن المدرسه موعد الامتحانات يسع التلاميذ سعياً كثيراً!
- (3) من ينسى الله في لحظات حياته فلا يتقدم في أمور الدنيا و الاخرة!
- (4) إن تستمعوا الكلام الحق و تعلموا به في حياتكم يفتح الله أبواب رحمته عليكم!

25. عَيْن ما ليس فيه المبني للمجهول:

- (1) لا يُبعد الطلاب عن الخمول إلا تدابير معلمهم،
- (2) و هكذا يواصل المعلمون أعمالهم و إن لا تُقبل،
- (3) و الطلبة بعد مدة يُشجعون على استخدام أسلوب معلمهم،
- (4) حتى يفهموا أن لا تُكتسب المعالي إلا بقدر السعي و الكد!

26. «عَيْن ما ليس فيه نعت»:

- (1) قال بائع الأحذية لى: هذا الحذاء جميل و أنيق!
- (2) كنت قد بدأت دراساتي العلمية في العشرين من عمري!
- (3) شجع أخى للمرة الثانية في المدرسة لنجاحه في الدروس!
- (4) يا رب؛ إنك تعلم أن لى مشكلة لا يعلمها أحد حتى والداي!

27. عَيْن ما لَيْس فيه مضارع مجزوم:

- (1) أيُّها الشَّبَاب؛ لا تَتَّبِعُوا ما يُبْعِدُكُمْ عن الحَقِيقَةِ!
- (2) على الإنسان أن لا يَحَاكِي الأَخْرين طُول حَيَاتِهِ!
- (3) إن لم يَتَّخِذْ أَحوك الأَسْلُوب الصَّحِيح في المِطالعة يَخْسِر!
- (4) لِيَنْزِل المِطْر من السَّمَاء حَتَّى تَخْصِرَ الأَرْض وَ تُخْرِجَ النَّبَات!

28. عَيْن الخِطَا في الفِعل (أَسْلُوب الشَّرْط):

- (1) إن يَدَقَّ الإنسان طِعم الصَّعُوبَةِ يَدْرِك قِدر السَّعَادَةِ!
- (2) من أَراد الوِصُول إلى الغَايَةِ يَسِع في طَريقِهِ سَعياً كَثِيراً!
- (3) من يَطْلُب الحِسانات للأَخْرين يَري ثَمْرَةَ عَمَلِهِ في المِستَقْبَل!
- (4) إن يَحِن وَقت الامْتِحان نَدَعُ زَمِلاتنا أن يَهَيِّبُوا أنفُسَهُم لأَدائِهِ!

29. عَيْن ما لَيْس فيه الإِضاْفَة:

- (1) لا تُقْصِرْ في أداء واجباتك الاجتماعيّة أبدأ!
- (2) أعددتُ صديقتي غرفة لكي نطالع دروسنا معاً!
- (3) عليكم أن تعملوا عَمَل من يَدْرِى أن الله يَراهِ في كلِّ حين!
- (4) عندما نَعْتَمِد على الأَخْرين لَنْ نَسْتَطِيع أن نَقوم بأعمال مهمّة!

30. عَيْن المِناسِب للجِواب عن الأَسْئَلَة التَّالِيَة**عَيْن نائِب الفاعل ضميراً مستتراً:**

- (1) كأنَّ عَقولكم قد عُسلت فغَيرتُم طَريقَةَ حَيَاتكم!
- (2) إنِّي أُرسلت للتَّعليم و لإِتمام مِكارم الأَخلاق!
- (3) لن تَوَيِّد آراء هذا العالم في الجِلسات العِلميَّة!
- (4) مُنعنا من التَّكاسل و إلقاء أَمورنا على الأَخْرين!

31. عَيْن اسم النِواسخ علامة إعرابه فِرْعِيَة:

- (1) إنَّ أُمِّي تَعطِف في كلامها دائماً فأصبح الحِنان صِفتها الدائميَّة!
- (2) أخاف من البقر الوحشيِّ فيكون له قرنان و لكن ليس له عقل!
- (3) إنَّ العِطشان يَتَمَنَّى الماء ولو قليلاً حين يَشْتَدُّ عليه العِطش!
- (4) علينا أن نحافظ على علمنا بجدِّ لأنَّ النسيان أفة للعِلم!

32. عَيْن الصَّحِيح في نوع الخِبر:

- (1) كان الله بما يعملون محبباً! (جملة فعلية)
- (2) لا جنة لمن لا يعمل! (شبه جملة)
- (3) إنَّ تعظيم شعائر الله من تقوى القلوب! (مفرد)
- (4) المؤمنون يتعاونون على البرِّ و التقوى! (شبه جملة)

33. عَيْن «لا» النافية للجنس:

- (1) لا تبتلوا أعمالكم الحسنه بالتفاخر!
- (2) ألا تعلم أنَّ الله يَري أَعمالنا؟! (شبه جملة)
- (3) اليوم، لا طالبة في صفنا الأخير.
- (4) لا أرى شيئاً أنفع من اكتساب العلوم المفيدة.

34. عَيْن المِناسِب في الجِواب عن الأَسْئَلَة التَّالِيَة:**«عَيْن العدد غير الصفة»:**

- (1) سافرتُ إلى مشهد مع أُسرتي لمدَّة سنَّة أيَّام.
- (2) جعل في أذنيه قطعتين اثنتين من القطن!
- (3) هَدَمُوا بيتاً واحداً حَتَّى يَبْنُوا مكانه أحد عشر بيتاً!
- (4) نقرأ في الدرس السَّابع مقاومة الفلسطينيين أمام الغاصبين.

35. عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي يُمْكِنُ أَنْ يَبْنَى لِلْمَجْهُولِ :

- (1) تَعَجَّبْتُ مِنْ أَعْمَالِهِ الْكَبِيرَةِ، مَعَ أَنَّهُ كَانَ أَصْغَرَ سِنًّا مِنَ الْآخِرِينَ!
- (2) عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَكْتَسِبُوا الْعِلْمَ وَالْأَخْلَاقَ فِي حَيَاتِهِمْ!
- (3) فِي حَدِيقَتِنَا أَزْهَارٌ جَمِيلَةٌ يَفْرَحُ النَّازِرُونَ بِرُؤْيُوتِهَا!
- (4) إِنْ يَصْبِرُ قَلِيلًا يَقْتَرِبُ مِنْ مَطْلُوبِهِ فِي النِّهَايَةِ!

36. عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي أَكْثَرُ مَنَاسِبَةٍ لِأَنْ يَبْنَى لِلْمَجْهُولِ!

- (1) أَكْمَلَ النَّبِيُّ (ص) دِينَ الْإِسْلَامِ لَنَا لِأَنَّهُ كَانَ مَأْمُورًا مِنْ جَانِبِ اللَّهِ!
- (2) تَعَجَّبَ الْخَلِيفَةُ مِنْ عَمَلِ النَّاسِ لِاسْتِقْبَالِهِ وَتَجْبِيلِهِ أَمَامَ بَابِ الْمَدِينَةِ!
- (3) يَحَاوِلُ الْمُسْلِمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا دَائِمًا وَحَيَاتِهِ مَمْلُوءَةٌ بِالنَّشَاطِ وَالْحَرَكَةِ!
- (4) تَتَمَتَّعُ الطَّبِيعَةُ بِتَغْيِيرِ الْفُصُولِ وَتَبْتَهِجُ عَيُونَ الْإِنْسَانِ حِينَ تَنْظُرُ إِلَيْهَا!

37. عَيْنُ اسْمِ النَّوَاسِخِ لَيْسَ ضَمِيرًا:

- (1) يَا رَبِّ إِنِّي إِنْسَانٌ كَمَا خَلَقْتَنِي،
- (2) لَا أَقْدِرُ أَنْ أَكُونَ طَاهِرًا مِثْلَ مَلَائِكَتِكَ،
- (3) بَعْضَ الْأَحْيَانِ أَخْذَعُ وَأَصْبِحُ كَفُورًا بِنِعْمِكَ،
- (4) وَلَكِنْ أُنْذِمُ وَأَعُودُ إِلَيْكَ لِأَنَّ حُضْنَكَ مَفْتُوحٌ دَائِمًا!

38. عَيْنُ الْجُمْلَةِ الْوَصْفِيَّةِ مَرْفُوعًا:

- (1) مَا سَأَلْنَا الْإِسْتَاذَ سُؤْلًا صَعْبًا لَمْ نَقْرَأْهُ حَتَّى الْآنَ!
- (2) هُنَاكَ شُعُوبٌ لَا تَسْتَسَلِمُ لِلرَّاحَةِ وَ لَا تَقْبَلُ ظِلْمَ الظَّالِمِينَ!
- (3) السَّمَاءُ عِنْدَمَا تَنْتَرِيزُ بِالْغَيْومِ الْكَثِيرَةِ، يَنْزِلُ مِنْهَا الْمَطَرُ بِشِدَّةٍ!
- (4) الْمَدِيرُ يَسْتَشِيرُ الْمُعَلِّمِينَ فِي الْيَوْمِ الْأَوَّلِ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ مِنَ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ!

39. «عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ مِنْ عِلَامَاتِ الْإِعْرَابِ التَّقْدِيرِيَّةِ»:

- (1) إِذَا نَسِيتَ الْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ فَانْتَظِرْ جِزَاءَ عَمَلِكَ.
- (2) إِلَهِي! نَوِّرْ قُلُوبَنَا بِنُورِ الْفَهْمِ وَ اْمَلَأْ صُدُورَنَا بِالرَّاحَةِ.
- (3) شَاهِدِ الصَّحَابِيَّ أَنَّ النَّبِيَّ يَحْتَرِمُ الْأَطْفَالَ كَثِيرًا.
- (4) هَذَا كِتَابَانِ اسْتَعْرَتَهُمَا مِنْ مَعْلَمَتِي صَبَاحًا.

40. عَيْنُ الْفِعْلِ الْمَجْزُومِ مَحَلًّا:

- (1) تَأْمَلُوا قَبْلَ أَنْ تَبْدُؤُوا بِالْعَمَلِ!
- (2) لَا تَتَّخِذَنَّ الْإِنْسَانَ الْمُتَلَوْنَ صَدِيقًا لِأَنْفُسِكُنَّ!
- (3) إِنْ الْمُؤْمِنِينَ لَنْ يَتْرَكُوا عِبَادَةَ رَبِّهِمْ أَبَدًا!
- (4) لَا أَعْتَمِدُ عَلَى النَّفْسِ الْأَمَّارَةِ لِأَنَّهَا تَأْمُرُنِي بِالسُّوءِ!

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سریال ۳۹۴۰۷۲

1. گزینه 2 تعداد معارف در گزینه ها:

- (۱) جرم، اللسان، جرم، ه - ۴ مورد
- (۲) ضمیر «ت» در «كنت» و «ابتعدت» ۲ مورد
- (۳) القرآن، الإنسان، ما، هو - ۴ مورد
- (۴) البشاشة، وجه، ك، السخاء، كف، ك - ۶ مورد

2. گزینه 1 «الدروس» در جمله ی معلوم، مفعول به است. وقتی فعل مجهول شود «الدروس» نقش نائب فاعل را دارد و چون جمع غیر عاقل است، بنابراین فعل متناسب یا آن «تُكْتَبُ» است یعنی باید به صورت مفرد مؤنث بیاید. همچنین در جمله ی مجهول «ال» در «الدروس» حذف شده است و اشتباه است.

3. گزینه 2 توجه: ل + فعل مضارع + وسط جمله = مضارع منصوب

ل + یساعدوننی = یساعدوننی («ن» در «یساعدون» حذف می شود). نشانه های مجزوم شدن افعال مضارع: صیغه های ۱ - ۴ - ۷ - ۱۳ - ۱۴ مجزوم به حرف ساکن . صیغه هایی که به نون ختم می شوند، مجزوم به حذف نون اعراب هستند. صیغه های ۶ و ۱۲ محلاً مجزوم می باشند و در افعال معتل مجزوم به حذف حرف عله می باشند . نشانه های منصوب شدن افعال مضارع : صیغه های ۱ و ۴ و ۷ و ۱۳ و ۱۴ منصوب به فتحه . صیغه های ۶ و ۱۲ محلاً منصوب و صیغه هایی که به نون ختم می شوند، منصوب به حذف نون اعراب هستند.

4. گزینه 2 بررسی موارد در گزینه ها:

(۱) لا تَلْعَبُ: فعل نهی است و مجزوم («لا» جازمه است). (۲) لَنْ يَرْجِعَنَّ: فعل مضارع منصوب محلاً («لَنْ» یکی از ادوات نصب است)

(۳) لايتناولون: فعل مضارع مرفوع («لا» نفی است). (۴) لَمْ يَشْتَرِكَنَّ: فعل مضارع مجزوم محلاً («لَمْ» از ادوات جزم است)

5. گزینه 3 اسامی غیرمنصرف در گزینه ها:

- (۱) «مشاكل» غیرمنصرف است زیرا جمع مکسر بر وزن «مفاعِل» است.
- (۲) «غالبية» اسم غیرمنصرف محسوب می شود زیرا علم غیر عربی است.
- (۴) «أعلم» و «أفضل» اسامی غیرمنصرف هستند زیرا بر وزن «أفعل» هستند.

6. گزینه 3 اسمی که دارای علامت فرعی است، تنها در گزینه (۳) یافت می شود و آن هم «المخلصون» است که در نقش صفت و مرفوع به «واو» با اعراب فرعی آمده است ولی در سایر گزینه ها دقت کنید که به ترتیب اسامی «المساكين، میادین و الشیاطین» جمع مکسر هستند و اعرابشان اصلی است. چون با حذف «ین» مفردشان به دست نمی آید.

7. گزینه 2 نکته: ل + فعل مضارع + اول جمله اغلب ← «ل» جازمه است.

ل + فعل مضارع + وسط جمله اغلب ← «ل» ناصبه است.

با توجه به نکته بالا، در گزینه ی (۲) با توجه به این که «لَيْسَتَعْفِرُنَّ» در ابتدای جمله آمده است، «ل» جازمه است. بررسی موارد در سایر گزینه ها:

(۱) ناصبه است. (۳) ناصبه است. (۴) ناصبه است.

8. گزینه 1 «لا» در این عبارت «نفی» است ← آیا نمی دانی

9. گزینه 3 بررسی موارد در گزینه ها:

- (۱) «من» استفهام است ← چه کسی دعا کرده بود تو را ... ؟
- (۲) «من» موصول است ← دیدم کسی را که کمک کرد ...
- (۳) «من» ادوات شرط است و مجزوم می کند ← هر کس تلاش کند ... خداوند او را کمک می کند ...
- (۴) «من» موصول است ← همانا عاقل کسی است که ...

10. گزینه 3 توجه: «الجملاّت بعد النكرات، صفات»

(۱) ... و تنسون ... ← جمله عاطفه

(۲) يعلم ← خبر «أَنْ» و محلاً مرفوع

۳) ... ماهرةً تبني البيوت ... ← «تبنی» بعد از اسم نکره ی «ماهره» آمده است و صفت است و محلاً مرفوع به تبعیت از مهندسه

۴) فعلی ندارد در وسط جمله که جمله ی وصفیه داشته باشد.

11. گزینه 4 «ماداموا» از افعال ناقصه است و ضمیر "و" بارز و اسمش و «ملتزمون» خبر آن است و باید منصوب باشد ← یعنی ملتزمین خبر فعل ناقصه و منصوب به اعراب ظاهری فرعی به حرف «ی»

12. گزینه 4 بررسی موارد در گزینه‌ها:

۱) لنجتبه: ل + فعل مضارع غائب ← فعل امر غایب می سازد (لام جازمه)

۲) لاتعلم: ل + فعل مضارع غائب ← فعل امر غایب می سازد (لام جازمه) (ل + أتعلم)

۳) لنحاول: ل + فعل مضارع غائب ← فعل امر غایب می سازد (لام جازمه)

۴) ليفهم: ل + فعل مضارع ← در وسط جمله آمده و به معنای «تا، تا این که، برای اینکه» است ← پس «لام ناصبه» است.

نکته: «لام» در ابتدای جمله معنای «باید» را تداعی می کند و فعل مضارع بعد از خود را مجزوم می کند و در حکم لام جازمه است. اما لام در وسط جمله که معنای «تا، برای اینکه، تا اینکه» را تداعی می کند و در حکم لام ناصبه است که فعل مضارع بعد از خود را منصوب می کند.

13. گزینه 1 بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ی ۲: درست ← دُرس («ت» فاعل است و حذف می شود و «أكثر» نائب فاعل می شود)

گزینه ی ۳: يعرف ← يعرف الأصدقاء الأصدقاء : نائب فاعل و مرفوع

گزینه ی ۴: يرفع ← تُرفع رايه (نائب فاعل با فعل باید مطابقت داشته باشد) رايه : نائب فاعل و مرفوع و مونث است پس فعل مجهول به صیغه ی ۴ می آید.

14. گزینه 1 «مستشفى» و «مرضى» اسم مقصور هستند و اسم های مقصور در همه ی حالات اعراب تقدیری دارند.

15. گزینه 1 ل + فعل غایب ← امر غایب (لام امر اغلب در ابتدای جمله می آید و معنای «باید» را تداعی می کند و لام نصب در وسط جمله می آید و معنای (تا، تا اینکه ، برای اینکه) را تداعی می کند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ی ۱: مؤمن برای رسیدن به شکوه باید عادت به صبر کند. ۲) للحصول ← لام جر (حرف جر)

گزینه ی ۳: لتطهير ← لام جر (حرف جر) ۴) للتعاون ← لام جر (حرف جر)

زیرا در مورد ۲ و ۳ و ۴ ل + مصدر شده است نه فعل مضارع.

16. گزینه 1 نکته: از فعل های لازم نمی توان فعل مجهول ساخت!

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) «تنزل» لازم است. ۲) «خُلدت» متعدی است. ← مفعول به: أسماء

۳) «أنزل» متعدی است. ← مفعول به: الماء. ۴) «توفر» متعدی است. ← مفعول به: الأظعمة

17. گزینه 3 «تلميذان» مثنی است و وقتی مضاف می شود «ن» آخر آن حذف می شود ← تلميذا هذه ...

18. گزینه 4 «لا» در این گزینه ناهیه است و فعل را مجزوم می کند ← لا تعاشري

19. گزینه 1 «المؤمنون» جمع مذکر سالم است و اسامی جمع مذکر سالم دارای اعراب ظاهری فرعی به حرف هستند. ← فاعل و مرفوع

توجه: در گزینه های (۲، ۳ و ۴) به ترتیب «الشياطين»، «المساكين» و «ميادين» جمع مکسر هستند و اسامی مفرد و جمع مکسر دارای اعراب ظاهری اصلی هستند.

20. گزینه 4 زیرا در گزینه ی ۱ «القاضي» اسم لیت و منصوب با اعراب اصلی و در گزینه ی ۲ «القاضي» مفعول به و منصوب با اعراب اصلی و در گزینه ی ۳ «القاضي» اسم اُن و منصوب با اعراب اصلی است در صورتی که در گزینه ی ۴ «القاضي» مضاف الیه و مجرور با اعراب تقدیری است.

21. گزینه 1 زیرا در این گزینه فعل «تعملن» جمع مؤنث است و نونش ضمیر فاعلی است.

در گزینه های دیگر به ترتیب فعل های تَجْتَهِدِينَ، يُسَافِرَانِ، يَغْتَبِرُونَ دارای نون اعراب هستند.

22. گزینه 2 زیرا در این گزینه «هاتان» مبتدا و «جزیرتان» که بدون آل است خبر می باشد نه مشار الیه.

در گزینه های دیگر «المكان» و نیز السَّيِّدَاتِ در گزینه ی ۱ و الْجَبَلِ وَالْقَارَةَ در گزینه ی ۳ و المَعْلَمُونَ در گزینه ی ۴ همگی دارای آل و مشار الیه می باشند.

23. گزینه 4 «لام» بر سر فعل مضارع زمانی که معنی «برای اینکه»، «تا اینکه» بدهد، ناصبه محسوب می‌شود. در اینجا «لام» در «لیهدینا» ناصبه است.
ترجمه: آیات حق را تلاوت می‌کنیم برای اینکه خدا ما را به راه راست هدایت کند.



@konkurpex

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: لیکرم: فعل مضارع مجزوم، «لام» جازمه است، چون معنای «باید» می‌دهد. ترجمه: باید هر یک از ما دانشمندان بزرگ را در جامعه گرامی بداریم!

گزینه ۲: لجمع: جار و مجرور «لام» جازه است، چون بر سر اسم آمده است. ترجمه: از خدا برای همه ملت‌مان توفیق و سعادت را در زندگیشان می‌خواهیم!

گزینه ۳: لتوفیر: جار و مجرور، «لام» جازه است، چون بر سر اسم آمده است. ترجمه: او بسیار کار می‌کند برای فراهم کردن آنچه در خانه نیاز دارد!

24. گزینه 3 زیرا "ینسی" مضارع ناقص و مختوم به حرف عله است و فعل شرط است و باید مجزوم شود که جزم مضارع ناقص مختوم به عله، با حذف حرف عله صورت می‌گیرد. یعنی "مِن ینسین" از ادات شرط (جازمه) مجزوم با حذف عله

25. گزینه 1 دانش‌آموزان را از سستی و تنبلی دور نمی‌کند مگر تدابیر معلم‌های شان (فقط تدابیر معلم‌ها دانش‌آموزان را از سستی و تنبلی دور می‌کند)

گزینه‌ی ۲ «لا تُفیل» مجهول است (و همچنین معلم‌ها کارهای‌شان را ادامه می‌دهند گرچه مورد قبول واقع نشود)

گزینه‌ی ۳ «یُشجَعون» مجهول است (و دانش‌آموزان بعد از مدتی تشویق می‌شوند به‌خاطر به‌کار بردن شیوه‌های معلم‌های شان)

گزینه‌ی ۴ «لا تُکَسَب» مجهول است (تا بفهمند که بزرگی‌ها به‌دست نمی‌آید (کسب نمی‌شود) مگر به‌اندازه تلاش و سختی.)

26. گزینه 1 (۱) بائع الأُحْذِیَّة: فروشنده ی کفش ← ترکیب اضافی

(۲) دراستای العِلْمِیَّة: درس‌های علمی من ← ترکیب وصفی و اضافی («العِلْمِیَّة» صفت است)

(۳) المرّة الثانیة: مرتبه ی دوم ← ترکیب وصفی و اضافی («الثانیة» صفت است)

(۴) لا یعملها: جمله ی وصفیه است زیرا بعد از اسم نکره ی «مشکلة» آمده است.

نکته: جملات وصفی همیشه بعد از یک اسم نکره ای که درباره ی آن چیزی را توصیف می‌کنند، می‌آید.

27. گزینه 2 صورت سوال گزینه‌ای می‌خواهد که مضارع مجزوم در آن نباشد که در گزینه‌ی ۲ آن لایحاکی مضارع منصوب است و در گزینه‌ی ۱ لاتتبعوا در گزینه‌ی ۳ لم یَتَّخِذْ و در گزینه‌ی ۴ لینزل مضارع مجزوم است.

28. گزینه 3 زیرا «بیری» جواب شرط و باید مجزوم شود و جزم در مضارعی که به «عله» ختم می‌شود با حذف عله صورت می‌گیرد پس صحیح آن «یر» می‌باشد.

29. گزینه 4 (۱) أداء واجباتک: ترکیب اضافی

(۲) صدیقتی: ترکیب اضافی / دروسنا: ترکیب اضافی

(۳) کلّ حین: ترکیب اضافی

(۴) أعمال مهمّة: ترکیب وصفی است (توجه: «أعمال» جمع غیر عاقل است و صفت آن به صورت مفرد مؤنث می‌آید)

30. گزینه 1 ترجمه: اگر به نیکی‌ها حریص باشید به خدا نزدیک می‌شوید!

«عُسلت» فعل ماضی در صیغه «لِلْغَانِبَةِ» است و چون ضمیر بارز ندارد و بعد از آن نیز هیچ اسم مرفوعی به عنوان نائب فاعل نداریم، پس نائب فاعل آن ضمیر مستتر «هی» است که به «عقول» که جمع غیر عاقل است برمی‌گردد.

ترجمه: گویا عقل‌هایتان شست و شو شده است، پس راه زندگیتان را تغییر دادید!

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «أُرسلت»: ضمیر بارز «ت» نائب فاعل است (باتوجه به ضمیر «ی» در «إتی»)

ترجمه: قطعاً من برای آموزش دادن و برای به پایان رساندن مکارم اخلاق فرستاده شده‌ام!

گزینه ۳: «لن تؤید آراء»: «آراء» نائب فاعل است.

ترجمه: نظرات این دانشمند در جلسات علمی تأیید نخواهد شد!

گزینه ۴: «مُنعنا»: ضمیر بارز «نا» نائب فاعل است.

ترجمه: از تنبلی و انداختن کارهایمان بر (گردن) دیگران منع شده‌ایم!

31. گزینه 2 زیرا «یکون» از افعال ناقصه است و «لَهُ» شبه جمله و خبر مقدم آن است و «قرنان» اسم مؤخر آن است که بصورت منثی و مرفوع با اعراب فرعی «الف» است.

در گزینه‌های دیگر به ترتیب «الحنان» و «العطشان» و «النسیان» همگی مفردند و دارای اعراب ظاهری اصلی هستند.

گزینه 2 بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: محیطاً: خبر مفرد کان و منصوب



@konkurpex

- گزینه ی ۳: من تقوی: خبر شبه جمله «إِنَّ» و محلاً منصوب
- گزینه ی ۴: یتعاونون: خبر جمله فعلیه و محلاً مرفوع
- 33. گزینه 3** (۱) «لا» ناهیه است ← باطل نکنید ...
- (۲) «لا» نافیة است ← آیا نمی دانی ...
- (۳) «لا» نفی جنس است ← امروز، هیچ دانش آموزی نیست ...
- (۴) «لا» نافیة است ← نمی بینیم ...
- 34. گزینه 1** نکته ۱: اعداد اصلی ۱ و ۲ در حکم صفت هستند. نکته ۲: اعداد ترتیبی در حکم صفت هستند. توجه: اعداد اصلی ۳ تا ۱۰ صفت محسوب نمی شوند.
- با توجه به نکات بالا «سنة» از اعداد اصلی ۳ تا ۱۰ محسوب می شود و صفت به شمار نمی آید و باید معدود آنها به صورت جمع و مجرور بیاید و از نظر جنس بر عکس می آید.
- 35. گزینه 2** «یکتسبوا» فعل متعدی است و قابلیت مجهول شدن را دارد. بررسی موارد در سایر گزینه ها
- گزینه «۱»: «تعجبت» به معنی «تعجب کردم» لازم است و مجهول نمی شود.
- گزینه «۳»: «یفرح» به معنی «خوشحال می شود» لازم است و مجهول نمی شود.
- گزینه «۴»: «یصبر» به معنی «صبر می کند» و «یقترب من» به معنی «نزدیک می شود» لازم هستند و مجهول نمی شوند.
- 36. گزینه 1** صورت سوال می خواهد گزینه ای را انتخاب کنیم که فعل آن بتواند مجهول شود. باید توجه کرد تنها فعلی می تواند مجهول شود که متعدی باشد. پس ما گزینه ی ۱ را انتخاب می کنیم که در آن فعل أَكْمَلَ متعدی است و دین مفعول به است و در سایر گزینه ها فعل متعدی وجود ندارد و فعل های موجود لازم هستند و مفعول به ندارند.
- 37. گزینه 4** «ی» اسم آن محلاً منصوب است.
- در گزینه ی ۲ ← اسم «أکون» ضمیر أنا مستتر است.
- در گزینه ی ۳ ← اسم «أصبح» ضمیر أنا مستتر است.
- در گزینه ی ۴ ← اسم «أَنْ» «حضن» اسم ظاهر است.
- 38. گزینه 2** زیرا «شعوب» نکره و مرفوع است و جمله ی «لا تستسلم ...» که بعد از آن است، جمله ی وصفیه می باشد و به تبع آن محلاً مرفوع است.
- 39. گزینه 3** (۱) الیتامی ← دارای اعراب تقدیری
- (۲) إلهی ← إله + «ی» متکلم وحده ← دارای اعراب تقدیری
- (۳) «الصحابی» و «النبی» دارای «ی» مشدد (ی) هستند ← اعراب ظاهری اصلی
- (۴) معلّمتی ← معلّمة + «ی» متکلم وحده ← دارای اعراب تقدیری
- نکته: اسامی ای که دارای اعراب تقدیری هستند، اسامی مقصور، اسامی منقوص به جز در حالت نصبی که اعرابش ظاهری اصلی می باشد، اسامی ای که به (ی) ضمیر ختم می شوند.
- 40. گزینه 2** زیرا فعل در این گزینه یعنی «تَتَّجُنَّنْ» جمع مؤنث و مبنی و فعل نهی است و محلاً مجزوم. معنای عبارت: «نگیرید انسان دورو را دوست برای خودتان»

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۴۰۷۲

۳ -۵	۲ -۴	۲ -۳	۱ -۲	۲ -۱
۳ -۱۰	۳ -۹	۱ -۸	۲ -۷	۳ -۶
۱ -۱۵	۱ -۱۴	۱ -۱۳	۴ -۱۲	۴ -۱۱
۴ -۲۰	۱ -۱۹	۴ -۱۸	۳ -۱۷	۱ -۱۶
۱ -۲۵	۳ -۲۴	۴ -۲۳	۲ -۲۲	۱ -۲۱
۱ -۳۰	۴ -۲۹	۳ -۲۸	۲ -۲۷	۱ -۲۶
۲ -۳۵	۱ -۳۴	۳ -۳۳	۲ -۳۲	۲ -۳۱
۲ -۴۰	۳ -۳۹	۲ -۳۸	۴ -۳۷	۱ -۳۶

کنکور

@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقة

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۳۰

سوال ۱۲ : ۳۹۴

1. في أى فعل حذف حرف العلة؟

- (1) الأطباء يصفون دواءً مفيداً للمرضى!
- (2) لا تتبعى نفسك بذريعة الحصول على الدنيا!
- (3) ادعوا ربّي أن يعفو ذنوبي الكثيرة!
- (4) لا ينسيني ربّي في لحظةٍ من عمري!

2. عيّن العبارة التي جاء فيها المفعول فيه منصوباً:

- (1) و لا تجعل عمل يومك ليوم غد حتى لا تتندّم!
- (2) فَحَكَمَ الرُّومِيُّونَ على عالمهم بالسَّجْنِ مَدَى الحياة!
- (3) «و لو كُنْتُ فظاً غليظَ القلبِ لَأَنْفَضُوا من حولك»
- (4) إِنَّ حلالَ محمدٍ (ص) حلال إلى يوم القيامة!

3. عيّن ما ليس فيه المعتلّ الناقص:

- (1) خَرَجَ من الصَّفِّ تلميذٌ و لم يُعَدَّ حتى الآن!
- (2) إِنَّا نَأْتِي أن نَأْكُلَ من أموالكم شيئاً إلا بدفع الثمن!
- (3) يَجِبُ أن لا نَسْمَحَ للفقراءِ و المساكينِ أن يَأْتُوا إلى الاستقبال!
- (4) استسلم الأبُ المسكينُ و لم يَتهِ وَلَدَهُ!

4. عيّن ما ليس فيه المفعول المطلق و المفعول فيه معاً:

- (1) إِنَّ العلمَ لَن يَضِيحَ عمر الإنسان تضييعاً، بل يفيدُه دائماً!
- (2) تمتّع بالدنيا و ما فيها تمتّع من يعلم أنّها لا تدوم!
- (3) علّمني الذّهرَ تعليماً لم يعلمني أحد طول الحياة!
- (4) رأته الأمّ عند الغروب و ابتسمت لها ابتسامة جميلة!

5. عيّن «صبراً» جاء لبيان نوع الفعل:

- (1) لم أشاهد صبراً أكثر من صبر الأمهات الكثير!
- (2) إنّه صبر على المصيبة و كان صبره صبراً محموداً!
- (3) ذا كان صبرك صبراً جميلاً يوفّقك الله في الدنيا و الآخرة!
- (4) إذا استطعت أن تصبر صبراً كثيراً على المصائب يجزيك الله خيراً!

6. عيّن ما فيه الناقص فقط:

- (1) سئل الإمام عليّ (ع) عن الخير ما هو؟ فقال:
- (2) ليس الخير أن يكثر مالك و ولدك و أن تسعى في الشر!
- (3) «و الله يرزق من يشاء بغير حساب»
- (4) لا أنسى حكاية أبي الذي لم يشف مرضه و بكيت له!

7. عيّن الخطأ حول نصب «اجتهاداً»:

- (1) تقدّمنا في دروسنا لأننا أكثر التلاميذ اجتهاداً! (جاء لرفع الابهام)
- (2) نجتهد في الأعمال و إن لم نشاهد اجتهاداً في حياتكم! (جاء لرفع الشك)
- (3) يحسن جميع تلاميذي النشيطين اجتهاداً في الدروس الهامة! (جاء لرفع الابهام)
- (4) اجتهد بين الطّلاب المجتهدين اجتهاداً بالغاً لتحصل على المعالي! (جاء لبيان نوع الفعل)

8. عَيْن عبارته أفعالها المعتلة أكثر:

- (1) أرجو الله أن يهب رضا إياي و يرزقني هداة!
 (2) إلهي! إن لم تعف عن خطيئتي فمن ذا الذي يُساعدني؟!
 (3) الأب الحنون يرجو هدايته و هو لم يُشف!
 (4) دعا صديقي طبيباً ليصف له دواء يُفيد لشفانه!

9. عَيْن العبارة التي ما جاء فيها معتل أجوف:

- (1) «ربّ زدني علماً و ألحقني بالصالحين»
 (2) إلهي جُد عليّ بفضل سعتك!
 (3) «يوم تجد كلّ نفس ما عملت من خير محضراً»
 (4) كان النبي لا يدع التأكيد على إحترام الصغار!

10. عَيْن الخطأ في الأفعال المعتلة:

- (1) صديقتنا نسّت أن تدعونا إلى حفلة ميلادها!
 (2) يرجو والداك أن تكون أيامك مملوءة بالنجاح بعد هذا!
 (3) قام المؤمنون بعمل يرجون أن يكون مفيداً للمجتمع!
 (4) إنهنّ سرن يوم أمس في حديقة الحيوانات خارج المدينة!

11. عَيْن المناسب للفراغين: إن كلمة الحق على لساننا و نعمل بها الله الصراط المستقيم!

- (1) يجرّ / تهدينا (2) تجرّ / يهدنا (3) يجرى / يهدينا (4) تجرى / تهدينا

12. إملاً الفراغ بما يناسب المفعول المطلق النوعي: «المقاتلون عن وطنهم رانعاً!»

- (1) يدافعون - مدافعةً (2) دافعوا - مدافعةً (3) يدافعون - مدافعةً (4) دافعوا - مدافعةً

13. عَيْن ما ليس فيه المفعول فيه

- (1) صرّح العلماء عن حقائق مهمّة عند بيان أبحاثهم!
 (2) هل تتحدّثون عم أعمالكم اليوميّة باللّغة العربيّة؟
 (3) لماذا غضبت أمام تلميذاتك، يا مربيّة؟
 (4) الغوّاص يغوص تحت البحار و معه المعدّات الحديثة!

14. عَيْن المفعول المطلق للنوع :

- (1) أحدثت هذه المشكلة القلق جدّاً في قلوبنا مرّة أخرى!
 (2) وقف التلاميذ بعد لعيمهم قرب الجدار و قوفاً ليستريحوا
 (3) استقبل التلاميذ زميلهم المثالي استقبال الصديق الحنون!
 (4) التلاميذ المجذّون يساعدون أصدقاءهم في الدروس مساعدة!

15. عَيْن ما فيه «المفعول فيه»:

- (1) نسيتُ زمان الاستراحة لأنّي أمضيتُ يوماً صعباً!
 (2) ننتظر يوم العطلة لأننا نساfer يوم العطلة!
 (3) إنّ يوم الامتحان يوم قلقٍ من لا يعمل بواجبه كاملاً!
 (4) سيأتي يوم تنتظره و تنال ما سعيت من أجله حتّى الآن!

16. عَيْن التأكيد للفعل :

- (1) ما شاهدتُ تنافساً كتنافس هؤلاء التلميذات في الدروس!
 (2) تنافست التلميذات في حفظ الدروس تنافساً عجبياً!
 (3) قد أنعم الله على الإنسان إنعاماً و لو كان كفوراً!
 (4) قد أنعم الله على البشر إنعاماً و افراً لعلّه يستقيم!

17. عَيْن المفعول المطلق للنوع:

- (1) نحترم معلّمينا جدّاً لأنهم يربّوننا لمستقبل بلادنا!
 (2) انتصر المجاهدون في ساحة المعركة انتصاراً!
 (3) قرأت آيات من القرآن قراءة تؤثّر في القلب!
 (4) ضيّعت النعم حقّاً بالاستفادة غير الصحيحة منها!

18. عَيِّن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:**عَيِّن المفعول المطلق:**

- (1) كلام المعلم كان حقاً!
- (2) «و قد آتيناك من لدنا ذكراً»
- (3) أسأل الله أن يهبني صبراً جميلاً!
- (4) «سبحان الذي له ملك السماوات و الأرض»

19. عَيِّن ما فيه المفعول فيه للمكان:

- (1) حكم على ذلك العالم الجليل بالسجن مدى الحياة بسبب الجرأة العلمية منه!
- (2) سهرت الليالي حتى قدرت على كسب المعالي بين الناس!
- (3) متى رجعت من السفر و كيف استطعت النوم لساعاتٍ طويلة؟!
- (4) إذا دلّ الاسم المشتق على هيئة الفاعل مثلاً فهو حال مفرد له!

20. عَيِّن المفعول فيه:

- (1) على الطالب النشيط أن يطمئن بنفسه يوم الامتحان!
- (2) إنَّ الليل إن كان قصيراً، لايسمح للإنسان أن يطالع كثيراً!
- (3) لا أنسى صباح الليلة التي سهرتها، فكنت أشعر فيه بالتعب!
- (4) كان هذا اليوم هو اليوم الخامس من بداية الأعمال الدراسية فالطلاب فرحون!

21. عَيِّن ما ليس فيه المفعول فيه:

- (1) على الإنسان أن يدرك الحقائق حوله و عند علماء عصره!
- (2) قضيت الليل و قد كنت تعباً من الأعمال اليومية!
- (3) إذا قصدت يوماً أن تبدأ عملاً فيجب أن تتوكل على الله! (4) أرجو أن تكون أيامكم بعد هذا مملوءة بالنجاح!

22. عَيِّن المفعول المطلق :

- (1) إنَّ اللغة الفارسيّة أقرب اللغات إلى العربيّة من حيث الحروف و المفردات و الأساليب!
- (2) عندما يعود أفراد أسرتي من الأعمال اليومية يستريحون زمناً قليلاً ثمّ يعلمون أمورهم!
- (3) هذه الأمور كلّها صعبة جداً عند هذه النفس الصغيرة، لأنّها ترى الدنيا بعينها فقط!
- (4) كانت سماء الصحراء صافيةً و النجوم تتلألأ في فضائها و الريح تعصف بشدّة!

23. في أيّ عبارة جاء مصدر لبيان نوع الفعل؟

- (1) إلهي! أفرغ علينا صبراً!
- (2) كلام هذا الطالب في ذلك الموضوع كان حقاً!
- (3) حمدت هذه الطفلة في اليوم الماضي حمداً لا يوصف!
- (4) إنَّ حمد هذا الطفل كان حمداً لا يمكن توصيفه!

24. عَيِّن المفعول فيه:

- (1) نُقل هذا المجروح إلى المستشفى الليلية الماضية!
- (2) منظر قريتنا جميل، و كأنّها تستيقظ في كلّ صباح!
- (3) أمضيتُ الليلة المضايية في بيت جدّتي!
- (4) شاهدت الشمس طالعة في المشرق و من وراء الجبال!

25. عَيِّن ما ليس فيه المفعول فيه :

- (1) يوم أمس كان نور القمر يخلب العيون وسط السماء!
- (2) أكل الفواكه في كلّ يوم يسبّب سلامة جسم الإنسان!
- (3) متى تستطيع أن تجيء عندي حتّى ندرس معاً خلف منضدتي الجديدة!
- (4) هناك جذب مكتبتى كرسىً كبيراً أجلس أكثر الأوقات عليه لمطالعه الدروس!

26. عَيْن ما، جاء لرفع الشك عن وقوع الفعل:

- (1) تنصح الأم ابنتها بالالتزام بالأخلاق الحميدة نصيحة فتنفعا كثيراً!
- (2) حاسبا أنفسكما في الدنيا حساب من يؤمن بأن الآخرة دار الحساب!
- (3) عليها أن تحترم المعلمات إحتراماً يزيد شأنها عند مديرة المدرسة!
- (4) تحدّثت مع العمّال عن بناء المسجد تحدّث الخبير بشؤون الهندسة!

27. عَيْن المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:**عَيْن ما ليس فيه فعل معتل:**

- (1) يساعدي أخي في حلّ مشاكلي!
- (2) أسأل الله أن يشفي كلّ مريض!
- (3) قد هيأنا لك طعاماً تحبه كثيراً!
- (4) كان الراكبون ينزلون من مراكبهم!

28. عَيْن العبارة التي ما جاء فيها معتل مثال:

- (1) لم يبع صاحب المزرعة محاصيله إلاّ مقداراً منها!
- (2) يجب علينا أن لا نسجد إلاّ لربّنا الذي خلقنا!
- (3) هؤلاء التلاميذ ذهبوا ليودّعوا أهلهم لسفره علمية!
- (4) إن تجد نقوداً في الزقاق إبحث عن صاحبها!

29. عَيْن العبارة التي فيها حذف حرف العلة علامة للجزم:

- (1) لم نرض عن المنكر الذي يفعله الناس!
- (2) لم يمشوا في الحديقة آخر الأسبوع!
- (3) لا تُعد إلى البيت قبل الساعة الخامسة!
- (4) لا تنسى أن تأتي إلى حفلة التّكريم!

30. عَيْن المفعول فيه منصوباً :

- (1) في كلّ سنة نقضى أيام الفراغ في الحقائق العامّة الواقعة في خارج المدينة!
- (2) نحن نسعى أن نستيقظ في الصباح الباكر لنحقّق حياة سعيدة لنا!
- (3) اجتمعت عائلتي صباح اليوم في قاعة الاستقبال لزيارة جدّتي!
- (4) يحاول كلّ واحد منّا أن يملأ أيام فراغه بأمر مهمّة!

@konkurpex

1. **گزینه 1** یَصْفُونَ از ریشه‌ی وَصَفَ که در مضارع عَلَّه‌ی واو حذف شده به صورت «بَصِيفُ» و در صیغه‌ی اللغائین به صورت «یَصْفُونَ» در آمده است.
2. **گزینه 2** در این گزینه «مدی» (در طول) ظرف «مفعولُ فیه» است.
- ردّ گزینه‌های دیگر یَوْمِ در «یومک» مضافُ الیه است «یوم» در «لیوم» مجرور به حرف جرّ و «عَد» در همین گزینه مضافُ الیه است.
- در گزینه‌ی ۳ «حَوْل» مجرور به حرف جرّ و در گزینه‌ی ۴ نیز «یوم» مجرور به حرف جرّ است.
3. **گزینه 1** «یَعُدُّ» مضارع مجزوم به «لَمْ» از ریشه «ع و د» معتل و اجوف است.
- بررسی موارد در سایر گزینه‌ها
- گزینه‌ی «۲»: «نَأْبَى» (أ ب ی) معتل و ناقص است.
- گزینه‌ی «۳»: «یَأْتُوا» (أ ت ی) معتل و ناقص است.
- گزینه‌ی «۴»: «یَبْنَهُ» (ن ه ی) معتل و ناقص است.
4. **گزینه 2** در این گزینه فقط مفعول مطلق آمده (تَمَتَّع) و مفعول فیه به کار نرفته است.
- تشریح گزینه‌های دیگر
- گزینه «۱»: «تَضِیْعاً» مفعول مطلق و «دائماً» مفعول فیه است.
- گزینه «۳»: «تعلیماً» مفعول مطلق و «طول» مفعول فیه است.
- گزینه «۴»: «عند» مفعول فیه و «ابتناسمة» مفعول مطلق است.
5. **گزینه 4** زیرا صبراً با فعل تصبر هم ریشه است و چون صفت دارد (کثیراً) پس مفعول مطلق نوعی است.
- در گزینه ۱ «صبراً» مفعولُ به است در گزینه ۲ و ۳ «صبراً» خبر کان می‌باشد.
6. **گزینه 4** افعال «لا أنسی، لم یُشف، بکیث» ناقص هستند و به ترتیب از ریشه‌های «ن س ی»، «ش ف ی» و «ب ک ی» گرفته شده‌اند.
- بررسی موارد در سایر گزینه‌ها
- گزینه‌ی «۱»: فعل «سئل» معتلّ نیست و فعل «قال» اجوف است.
- گزینه‌ی «۲»: فعل «لیس» اجوف، فعل «یکثر» صحیح و فعل «تسعی» ناقص است.
- گزینه‌ی «۳»: فعل «یرزق» صحیح و فعل «یشاء» اجوف است.
7. **گزینه 2** در این گزینه، «اجتهاداً» مفعولُ به و منصوب برای فعل متعدی «لم تشهد» است.
8. **گزینه 4** بررسی موارد در گزینه‌ها:
- گزینه‌ی «۱»: «أرجو و یهب» ۲ فعل معتل می‌باشند که اولی ناقص و دومی مثال است و «هدا» اسم است.
- گزینه‌ی «۲»: «تَعَف» فعل ناقص است.
- گزینه‌ی «۳»: «یرجو و یُشف» ۲ فعل ناقص می‌باشند.
- گزینه‌ی «۴»: فعل ناقص «بَصِيفُ» فعل مثال و «یُفید» فعل اجوف می‌باشد.
9. **گزینه 3** (۱) زدنی ← زاد، یزید ۲ جُد ← جاد، یجود (۳) تجد ← وَجَدَ (مثال) (۴) کان ← کون، یدع ← ودع
10. **گزینه 1** «نست» ← «نسیب» (حرف عله در فعل‌های معتل ناقص بر وزن (فَعَلَ) در صیغه «للاغابیه» حذف نمی‌شود).
11. **گزینه 2** زیرا "ان" از ادات شرط است و دو فعل مضارع را مجزوم می‌کند و از طرفی "جزم مضارع ناقصی که به عله ختم شود، با حذف عله صورت می‌گیرد."
- تجر - تهد (تجری - تهدی بوده است). یجر در گزینه‌ی ۱ با کلمه‌ی که فاعل آن است و مونث مطابقت ندارد.
12. **گزینه 2** چون «صفت» مذکر است، پس باید موصوف آن نیز مذکر باشد. (رد گزینه‌های ۱ و ۴) // مفعول مطلق همواره جامد و مصدر است. (رد گزینه‌ی ۳)
13. **گزینه 2** الیومیة : صفت (نعت) و مجرور به تبعیت از موصوف أعمال : «آیا درباره‌ی کارهای روزمره‌شان به زبان عربی سخن می‌گویید؟» پس در گزینه‌ی (۲) مفعول فیه وجود ندارد.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

- ۱) عُنْدَ : مفعول فیه «ظرف زمان» «دانشمندان حقایق مهمی را به هنگام بیان پژوهش هایشان بیان کردند.»
- ۳) أَمَامَ : مفعول فیه «ظرف مکان» «چرا در مقابل دانش آموزانت خشمگین شدی، ای معلم؟»
- ۴) تَحْتَ : مفعول فیه «ظرف مکان»، ضمناً مَع نیز مفعول فیه و منصوب است «غواص زیردریاها شنا می کند و همراه او تجهیزات جدیدی است.»
14. گزینه 3 استقبال» به صورت ترکیب اضافی آمده و مفعول مطلق نوعی است و در سایر گزینه‌ها کلمات جدّاً، وقوفاً، مساعدةً مفعول مطلق تأکیدی است. در گزینه ۴ لیستریحوا صفت نیست.
15. گزینه 2 دومین «یوم» در این گزینه ظرف زمان است. («یوم» اول مفعول به است.)
تشریح گزینه‌های دیگر
- گزینه «۱»: «زمان و یوماً» هر دو مفعول به هستند.
- گزینه «۳»: «یوم» و «یوم» به ترتیب اسم و خبر «اِنَّ» هستند.
- گزینه «۴»: «یوم» فاعل و «الآن» مجرور به حرف جرّ است.
16. گزینه 3 زیرا در گزینه‌ی ۱ تنافساً و در گزینه‌ی ۲ تنافساً و در گزینه‌ی ۴ انعاماً همگی مفعول مطلق نوعی اند زیرا همگی توصیف شده اند.
17. گزینه 3 «قراءة» مفعول مطلق نوعی می باشد زیرا بعد از آن جمله ی وصفیه (تَوَثَّرُ) آمده است. همچنین این فعل با قرأت هم خانواده است.
18. گزینه 4 در گزینه ۱: «حَقّاً» خبر کان و منصوب است و در گزینه ۲ «ذَكَرَ» مفعول به دوم است.
و در گزینه ۳ «صَبْرًا» مفعول به دوم می باشد.
19. گزینه 2 کلمه «بین» مفعول فیه (ظرف مکان) است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

- گزینه «۱»: کلمه «مَدَى: در طول» ظرف زمان است.
- گزینه «۳»: کلمه «مَتَى» ظرف زمان و محلاً منصوب و کلمه «ساعات» مجرور به حرف جرّ است.
- گزینه «۴»: کلمه «إِذَا» مفعول فیه (ظرف زمان) و منصوب با علامت محلی اعراب است.
20. گزینه 1 ترکیب کامل عبارت: علی الطالب: جار و مجرور / التشبیط: صفت و مجرور به تبعیت / أن یطمئن: فعل مضارع منصوب و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / بنفسه: جار و مجرور]به: مضاف الیه و محلاً مجرور [/ یوم: مفعول فیه و منصوب / الامتحان!: مضاف الیه و مجرور
ترجمه: دانش آموز فعال باید در روز امتحان به خودش مطمئن باشد!
- بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

- ۲) اللیل: اسم «اِنَّ» و منصوب (ترجمه: همانا شب اگر کوتاه باشد، به انسان اجزاء مطالعه بسیار نمی دهد!)
- ۳) صباح: مفعول به و منصوب / اللیلة: مضاف الیه و مجرور
ترجمه: صبح شبی را که بیدار ماندم، فراموش نمی کنم، پس در آن احساس خستگی می کردم!
- ۴) الیوم: مشارالیه (عطف بیان) و مرفوع به تبعیت از اعراب «هذا» / الیوم: خبر «کان» و منصوب
ترجمه: امروز از همان روز پنجم از شروع کارهای تحصیلی بود، پس دانش آموزان خوشحالند!
21. گزینه 2 (حول - یوماً - بعد) مفعول فیه می باشند. (اللیل) در گزینه‌ی ۲ مفعول به می باشد. مفعول فیه با (در) معنا می شود ولی مفعول به با را معنا می شود.
22. گزینه 3 جدّاً مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ در سایر گزینه‌ها هیچ گونه مفعول مطلق وجود ندارد.
23. گزینه 3 صورت سؤال گزینه‌ای را می خواهد که مفعول مطلق نوعی داشته باشد (حمداً).

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

- گزینه‌ی «۱»: «صبراً» مفعول به است.
- گزینه‌ی «۲»: «حَقّاً» خبر «کان» است.
- گزینه‌ی «۴»: «حمداً» خبر «کان» است.
24. گزینه 1 «اللیله» در این عبارت قید زمان و مفعول فیه است. ترجمه: این مجروح (در) شب گذشته به بیمارستان منتقل شد!

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «صبح»: مضاف الیه و مجرور. ترجمه: منظره روستای ما زیباست و گویا آن در هر صبح بیدار می‌شود!
گزینه ۳: «اللیله»: مفعول به و منصوب. ترجمه: شب گذشته را در خانه مادر بزرگم گذراندم!



@konkurpex

گزینه ۴: «وراء»: مجرور به حرف جر / «طالعة»: حال و منصوب. ترجمه: خورشید را در حال طلوع در مشرق و از پشت کوه‌ها دیدم!

25. گزینه 2 زیرا در " فی کلّ یوم " فی = حرف جرّ کلّ = مجرور به حرف جرّ یوم مضاف الیه و مجرور است. در گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ به ترتیب کلمات "یوم" - "وسط" ، "متی" - "عند" - "خلف" ، " هناک" - "جنب" - "اکثر" ، ظرف (مفعولّ فیه) هستند.

26. گزینه 1 منظور از «رفع الشک عن وقوع الفعل»، «مفعول مطلق تأکیدی» است.

در این گزینه، «نصیحة» که مصدری منصوب از فعل «تنصح» است، مفعول مطلق تأکیدی می‌باشد.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: «حساب» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن مضاف الیه (من) آمده است. / گزینه «۳»: «احتراماً» مفعول مطلق نوعی است، زیرا پس از آن جمله وصفیه (یزید) آمده است. / گزینه «4»: «تحدّث» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن مضاف الیه (الخبیر) آمده است.

27. گزینه 1 زیرا یُساعدُ از ریشه «سعد» است و الف در آن از حروف اصلی فعل نمی‌باشد.

28. گزینه 1 «لم یبیع»: فعل مضارع معتل اجوف مجزوم به «لم» است که حرف عله به دلیل التقاء ساکنین حذف شده و ریشه ی فعل «لم یبیع» است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه «۲»: «یجب» از ریشه ی «وجب» فعل معتل و مثال است.

گزینه «۳»: «لیودعوا» فعل مضارع منصوب به حذف «نون» از ریشه ی «ودع» معتل و مثال است.

گزینه «۴»: «تجد» از ریشه ی «وجد» فعل معتل و مثال است.

29. گزینه 1 حذف حرف عله در افعال ناقص مجزوم: علامت جزم می‌باشد: «لم نرضی» ← «لم نرض»

30. گزینه 3 «صباح» مفعولّ فیه و منصوب است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: «ایام» مفعولّ به برای فعل متعدی «نقضی» است.

گزینه «۲»: «الصباح» مجرور به حرف جر است.

گزینه «۴»: «ایام» مفعول به و منصوب است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۴۱۱۲

۴ -۵	۲ -۴	۱ -۳	۲ -۲	۱ -۱
۱ -۱۰	۳ -۹	۴ -۸	۲ -۷	۴ -۶
۲ -۱۵	۳ -۱۴	۲ -۱۳	۲ -۱۲	۲ -۱۱
۱ -۲۰	۲ -۱۹	۴ -۱۸	۳ -۱۷	۳ -۱۶
۲ -۲۵	۱ -۲۴	۳ -۲۳	۳ -۲۲	۲ -۲۱
۳ -۳۰	۱ -۲۹	۱ -۲۸	۱ -۲۷	۱ -۲۶

کنکور



@konkurpex

تاريخ :

وقت : دقيقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سوال ۱ تا ۳۹

1. عین الخطأ حول الأفعال المعتلة:

- (1) أَنْتَنَنْ تَعْفُونَ أخطاء الصّدِيقَات! (2) الطّالِبَاتُ يَسْعَوْنَ لِلوَصُولِ إلى أهدافهنّ!
(3) التّلامِيزُ المَجْدُونَ يَصِلُونَ إلى أهدافهم! (4) لَمْ تُقْرُ التّلميذة في درسها!

2. عین ما فيه ثلاثه من الأفعال المعتلة من نوع واحد:

- (1) قال معلّمی: یا تلميذ؛ مضى فصل الربيع و كذلك فصل الخريف فكيف قضيت وقتك؟!
(2) حمل الولد يوماً والده ليرميه خارج المدينة فخشى من عاقبه أمره و قال: أبتاه أعف خطيئتي!
(3) حينما تُعوَدُ الطّالِبَاتُ من المدرسه يقمن بأداء واجباتهنّ الدراسيه و لا يشعرن بالتعب!
(4) هم يتلون من القرآن آيات و عَدَّ اللهُ فيها العفو لمن تاب!

3. عین حذف حرف العلة علامة للجزم:

- (1) اسعوا كثيراً حتّى يَرْضَى اللهُ عنكم!
(2) لا تخشَ في حياتك إلا ربّك الكريم!
(3) لم يَفِرْ الَّذِينَ قد تكاسلوا في حياتهم!
(4) هؤلاء الطّالِبُ لم يَنَسُوا وَعَدَهُم!

4. عین حرف العلة «الياء» محذوفاً:

- (1) أنت تهبين أموالك للفقراء حذ لمساعدتهم!
(2) لا تَنَّهُ عن أخلاق و أنت تعمل مثلها دائماً!
(3) اللَّهُمَّ؛ أنت أهل لتجود علينا بفضلك و مغفرتك!
(4) لا تخوفوا في أموال بيت المال أبداً، أيها المسلمون!

5. عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

عین ما فيه أفعال معتلة من نوع واحد:

- (1) التّلميذات يرجون أن يصلن إلى أهدافهنّ!
(2) تَقَفُ المَعْلَمَةُ أمام الطّالِبَاتِ اللّاتي يصفن المنظر الجميل!
(3) يجب عليكم أن لا تنسوا أصدقاءكم أبداً!
(4) قد تعودنا أن نُهدي من أموالنا!

6. عین ما فيه أفعال معتلة من نوع واحد:

- (1) دَغَ صديقك لأنّه لم يدعُ اللهُ في جميع الأحوال!
(2) يجب عليّ أن أقف أمام معلّمی بخضوع!
(3) عدتُ إلى البيت و لم أتوقّف في الشّارع!
(4) إلهي هب لي لقاك و إن كنت غير مستأهل لرحمتك!

7. عین الخطأ في الإعلال:

- (1) حاولي اليوم في تهذيب نفسك و فُزي في حياتك!
(2) أبتّها الطّالِبَاتُ عُدْنَ إلى بيتكنّ قبل المساء!
(3) لِيُنَبِّ المذنب من عمله السيئ!
(4) لا تخافي و لا تحزني في طريق الحقّ!

8. عَيْنُ العبارة الَّتِي جاءَ فيها المفعولُ فيه منصوباً:

- (1) و لا تجعل عمل يومك ليوم غد حتى لا تتندم!
- (2) فَحَكَمَ الرَّومِيُّونَ على عالمهم بالسنن مَدَى الحياة!
- (3) «و لو كُنْتَ فظاً غليظَ القلبِ لَأَنْفَضُوا من حولك»
- (4) إِنَّ حلالَ محمدٍ (ص) حلالٌ إلى يومِ القيامة!

9. عَيْنُ الخِطأِ حولِ المقصودِ من استعمالِ المنصوبات:

- (1) إكتشف طبيب المرض الصَّعب قبل سنوات من الإصابة! (تبيين زمان وقوع الفعل)
- (2) إتي عفوت عن مخطئٍ قد طاب عملاً و إيماناً! (رفع الإبهام)
- (3) صرَّح الأستاذ ذلك الموضوع تصريحاً بالبيِّنات المتعدِّدة! (تبيين كيفية وقوع الفعل)
- (4) لم يخرجنا الناس عمَّا يقع وراء هذه البحار! (تبيين مكان وقوع الفعل)

10. عَيْنُ الصَّحيحِ للفراغِ للتأكيدِ على وقوعِ الفعل: «تختلف أساليب دعوة القرآن....!»

- (1) إختلافاً كبيراً (2) مختلفاً (3) إختلافاً (4) مختلفةً

11. عَيْنُ ما ليس فيه المفعولُ فيه:

- (1) لعب الأطفال بفرح في الملعب و رجعوا مساءً!
- (2) إحترم الكبيرَ و أنت شابٌ، لأنك يوماً ستكون كبيراً!
- (3) إنقبت بصديقي في الطريق و قلت له: صباحك بخير!
- (4) اللَّهُمَّ؛ إجعل هذا الصَّباحَ حاملاً لنا من الخير فوق ما نرجو!

12. عَيْنُ المفعولِ فيه في محلِّ النَّصبِ (محلاً منصوب):

- (1) وقفت المديرية أمام الجمع و بدأت باكلام!
- (2) هذا اليوم نشترك في حفلة التَّكريم!
- (3) تكلم المعلم حول حفلة تتعقد في الأسبوع القادم!
- (4) الشَّهداء في ذاكرتنا فلن ننساهم أبداً!

13. عَيْنُ عبارةٍ ما جاءَ فيها المفعولُ فيه منصوباً:

- (1) إلهي! لَمَّا أوصلتني إلى رضاك فقد وصلت إلى مناي!
- (2) وهبني الله رحمته الخاصَّة فنا أشكره دائماً!
- (3) رُحنا نحو أصدقائنا لنقيم حفلة في هذا المكان!
- (4) يوم العدل على الظالمين يكون يوماً أشدَّ من يوم الجو على المظلومين!

14. عَيْنُ «تقدُّماً» لبيان نوع الفعل:

- (1) كان تقدُّم هذه البطلة في ساحة اقتال تقدُّماً ما كنت أصدِّق!
- (2) شاهدتُ هؤلاء الطَّالبات في السنة الماضية أكثر تقدُّماً من غيرهنَّ
- (3) عندما بدأ صديقي العزيز بدراسته الطَّبيَّة لم يشاهد في مسيره تقدُّماً فيها!
- (4) تقدَّمت هذه المرأة في مواجهة الأعداء تقدُّماً لا يستطيع الأعداء أن يُصدِّقوه!

15. عَيْنُ المفعولِ فيه:

- (1) إِنَّ خَلقَ اللَّيْلِ و النَّهارِ من الأسرار الغامضة في الطَّبيعة!
- (2) أكتشف الفيزيائيون شحنة الالكترن قبل هذا بقرون!
- (3) إلى متى سيبقى والدك في خارج البلد للقيام بواجبه!
- (4) قلت لأمي أنا سأستري الخبز للبيت من بعد هذا!

16. عَيْنَ مَا، جَاءَ لِرَفْعِ الشُّكِّ عَنْ وَقُوعِ الْفِعْلِ:

- (1) تتصح الأم ابنتها بالالتزام بالأخلاق الحميدة نصيحة فتنتفعها كثيراً!
- (2) حاسبا أنفسكما في الدنيا حساب من يؤمن بأن الآخرة دار الحساب!
- (3) عليها أن تحترم المعلمات إحتراماً يزيد شأنها عند مديرة المدرسة!
- (4) تحدثت مع العمال عن بناء المسجد تحدثت الخبير بشؤون الهندسة!

17. عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ لِلْبَيَانِ:

- (1) إن للمعلم حقاً عظيماً!
- (2) وقفت في الطريق وقوفاً لأستريح!
- (3) آمنت بالله إيماناً لا يزول عني!
- (4) فصبراً في مجال الموت فإنه يرانا عن قريب!

18. عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي اسْتِعْمَالِ الْأَفْعَالِ الْمُعْتَلَّةِ:

- (1) لا تنة الناس عن خلق فيك مثلها!
- (2) لماذا تُرجين الخير من البخيل؟
- (3) أنا لم أنسى حكايتي مع والدي المريض!
- (4) هُنَّ يَقْضُونَ حَوَائِجَ جِيرَانِهِنَّ بِبِشَاشَةِ الْوَجْهِ!

19. عَيْنَ مَا فِيهِ النَّاْقِصُ فَقْط:

- (1) سئل الإمام عليّ (ع) عن الخير ما هو؟ فقال:
- (2) ليس الخير أن يكثر مالك و ولدك و أن تسعى في الشر!
- (3) «و الله يرزق من يشاء بغير حساب»
- (4) لا أنسى حكاية أبي الذي لم يشف مرضه و بكيت له!

20. عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ يَخْتَلِفُ نَوْعُهُ عَنِ الْبَاقِي :

- (1) اليوم علمت التلاميذ أساليب جديدة تعليمياً مفيداً!
- (2) تناول الطعام في المطبخ الصغير بسرعة تناول الجائع في الصحراء!
- (3) يقرأ زميلي آيات شريفة قراءة في المساجد الكبيرة!
- (4) في أسوأ الحالات يعيش الكريم عيشاً يليق به!

21. حِينَمَا يَشْكُ الْمَخَاطِبُ فِي «الْإِنْتِصَارِ» نَقُول:

- (1) إنتصر المجاهدون إنتصاراً لا ينسى!
- (2) ينتصر المقاتلون على أعدائهم دائماً!
- (3) ينتصر جيوش الإيمان إنتصاراً
- (4) إنتصرنا في ساحة القتال بعد محاولة كثيرة!

22. عَيْنَ الْخَطَا عَنْ مَادَّةِ الْفِعْلِ :

- (1) صن لسانك من الكذب! (ص و ن)
- (2) جُد عليّ بفضل سعتك! (و ج د)
- (3) أنتم تحافون الله رب العالمين! (خ و ف)
- (4) ربّ زدني علماً و عملاً! (ز ي د)

23. عَيْنَ الْمَفْعُولِ فِيهِ مَنْصُوبًا:

- (1) حان وقت الإمتحان فعلينا أن نهّي أنفسنا!
- (2) قضيتُ ليلاً في هذا البلد!
- (3) إنتظرنا لحظة وصولك إلى الحفلة
- (4) لماذا تجلسون آخر القاعة؟

24. عَيْنَ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا مُعْتَلَنٌ مِنْ نَوْعٍ وَاحِد:

- (1) يجب على المعلم أن يجيب أسئلتنا!
- (2) يعدني أبي أن يعفو خطيئتي!
- (3) إن الحاكم يدعو الناس أن يقوموا بتجليله!
- (4) صاح الإمام ما أردتم بهذا الذي صنعتم!

25. عَيْنِ المفعول فيه:

- (1) لا تحزن على ما فاتك أبداً،
 (2) و لا تفرح بما أوتيت كثيراً،
 (3) لأنك قد تُفكر أنّ شيئاً ينفكك و لاخير فيه،
 (4) و تظنّ أنّ شيئاً يضرّك و هو ينفكك!

26. عَيْنِ الخُطأ في الأفعال المعتّاة:

- (1) صديقتنا نسّت أن تدعونا إلى حفلة ميلادها!
 (2) يرجو والداك أن تكون أيامك مملوءة بالنجاح بعد هذا!
 (3) قام المؤمنون بعمل يرجون أن يكون مفيداً للمجتمع!
 (4) إنّهن سرن يوم أمس في حديقة الحيوانات خارج المدينة!

27. _____

- (1) الأطباء يصفون للمرضى أدوية تشفيهم!
 (2) عجز هذان الرجلان العجوزان أن يمشيا على رجليهما!
 (3) لا تبعى وقتك بثمان رخيص؛ يا بنتي العزيزة!
 (4) لم يعد هؤلاء الباحثون يصلون إلى أهدافهم العلميّة!

28. _____

- (1) أطيعك يا إلهي و أشهد بربوبيّتك مقراً بأنك إلهي و ربّي!
 (2) لا تقلق أبداً؛ إنّ الذي خلقك من عدم يحفظك من المخاطر!
 (3) حينما أعتد على الآخرين لن ابادر بمبادره تنجيني من المخاطر!
 (4) هناك نظره خاصّه للإنسان الصابر إلى العالم، تعطيه صبرا كثيراً!

29. عَيْنِ ما ليس فيه المفعول فيه:

- (1) لقد طرق الباب ساعات و لكن لم يفتحه أحدّ، لأنّ البيت كان فارغاً و الاسرة كلّها قد سافرت!
 (2) إن أردت أن تصل إلي النجاح الكبير، فعليك ان تُخصّص ساعات كثيرة للجدّ و العمل!
 (3) اليوم أثبتت الأبحاث العلميّة أنّ الرياضة تلعب دوراً مهمّاً في صحّة الجسم و الرّوح!
 (4) كنت أتصوّر أيام شبابي أنّي لو كبرت تكثّر أوقات فراغتي للمطالعة!

30. عَيْنِ المفعول فيه:

- (1) على الطالب النشيط أن يطمئنّ بنفسه يوم الامتحان!
 (2) إنّ اللّيل إن كان قصيراً، لايسمح للإنسان أن يطالع كثيراً!
 (3) لا أنسى صباح الأيلة التي سهرتها، فكنت أشعر فيه بالتعب!
 (4) كان هذا اليوم هو اليوم الخامس من بداية الأعمال الدراسية فالطلاب فرحون!

31. عَيْنِ المفعول المطلق:

- (1) أحببت كلام معلّمى لأنّه كان كلاماً نافعاً دائماً!
 (2) يطالب هذا المجاهد حقّاً قد سلبه الظالمون!
 (3) ندعو الله أن يهبنا صبراً جميلاً عند المصائب!
 (4) من يصبر في الشّدائد يجد ثمرته في حياته حقّاً!

32. عَيْنِ ما فيه المفعول المطلق أكثر:

- (1) اتّبِع ما يُعجبك و لا تُعسّر علي نفسك تعسيراً!
 (2) عليك أن تختبر مرارة المشاكل اختباراً كثيراً كي تذوق حلوة النجاح جدّاً!
 (3) حاسب النَّاس حساب من يُداريهم فسبحان من لا يخفي عليه شيءٌ حقّاً!
 (4) خير عمل تعمله هو ما يدوم و إن كان قليلاً، فإنّه أبقى أثراً!

33. عَيْن ما ليس فيه المفعول فيه

- (1) قَم اللَّيْلُ إِلَّا قَلِيلاً
- (2) فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً
- (3) إِنَّ فِي إِخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولَى الْأَبْجَابِ
- (4) إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ

34. عَيْن المفعول المطلق :

- (1) إِنَّ اللُّغَةَ الْفَارْسِيَّةَ أَقْرَبُ لِللُّغَاتِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ مِنْ حَيْثُ الْحُرُوفِ وَالْمَفْرَدَاتِ وَالْأَسَالِيبِ!
- (2) عِنْدَمَا يَعُودُ أَفْرَادُ أُسْرَتِي مِنَ الْأَعْمَالِ الْيَوْمِيَّةِ يَسْتَرِيحُونَ زَمَنًا قَلِيلاً قَدْ يَعْلَمُونَ أُمُورَهُمْ!
- (3) هَذِهِ الْأُمُورُ كُلُّهَا صَعْبَةٌ جَدًّا عِنْدَ هَذِهِ النَّفْسِ الصَّغِيرَةِ، الْأَنَّهُ تَرَى الدُّنْيَا بَعَيْنِهَا فَقَطْ!
- (4) كَانَتْ سَمَاءُ الصَّحْرَاءِ صَافِيَةً وَالنُّجُومُ تَتَلَأَلُ فِي فُضَائِهَا وَالرِّيحُ تَعْصَفُ بِشِدَّةٍ!

35. عَيْن ما ليس فيه المفعول فيه:

- (1) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَدْرِكَ الْحَقَائِقَ حَوْلَهُ وَ عِنْدَ عُلَمَاءِ عَصْرِهِ!
- (2) قَضَيْتِ اللَّيْلَ وَ قَدْ كُنْتُ تَعَبًا مِنَ الْأَعْمَالِ الْيَوْمِيَّةِ!
- (3) إِذَا قَصِدْتَ يَوْمًا أَنْ تَبْدَأَ عَمَلًا فَيَجِبُ أَنْ تَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ! (4) أَرْجُو أَنْ تَكُونَ أَيَّامَكُمْ بَعْدَ هَذَا مَمْلُوءَةً بِالنَّجَاحِ!

36. فِي أَى فِعْلٍ حَذَفَ حَرْفُ الْعَلَّةِ؟

- (1) الْأَطْبَاءُ يَصْفُونَ دَوَاءً مَفِيدًا مَرَضِي!
- (2) لَا تَتَّبِعْ نَفْسَكَ بِذَرِيْعَةِ الْحَصُولِ عَلَى الدُّنْيَا!
- (3) ادْعُوا رَبِّي أَنْ يَغْفِرَ ذُنُوبِي الْكَثِيرَةَ!
- (4) لَا يَنْسِينِي رَبِّي فِي لِحْظَةٍ مِنْ عَمْرِي!

37. عَيْن الخِطَا (فِي عِلَامَةِ الْجَزْمِ):

- (1) إِنَّهَا لَمْ تَرْجُو فِي أَعْمَالِنَا إِلَّا التَّوَكَّلَ عَلَى رَبِّهَا وَ عَلَى تِجَارِبِهَا!
- (2) قُلْتُ لِصَدِيقَاتِي: لَا تَمْشِينَ فِي الْأَرْضِ مَتَكَبِّرَاتٍ!
- (3) لِيُخَشِينَ مِنْ لَا يُحَاوِلْنَ لِرَفْعِ فَضْلِهِنَّ!
- (4) لَمْ يَجْرِ هَذَا النَّهْرُ نَحْوَ هَذِهِ الْبُيُوتِ!

38. عَيْن ما ليس فيه الظرف:

- (1) مَضَتْ أَيَّامُ فِرَاقٍ قَدْ جَعَلَتْكَ قَلْقًا أَخِيرًا!
- (2) مَتَى مَا تَلَقَّ مِنْ تَهْوَى دَعِ الدُّنْيَا وَ أَهْمْلِهَا!
- (3) سَاعِدِي صَدِيقَتَكَ قَبْلَ أَنْ تَتَرَكَ!
- (4) قَوْسُ قَرْحِ ظَاهِرَةٍ يُحَدِّثُهَا يَوْمَ مَاطِرٍ!

39. عَيْن الصَّحِيحِ فِي الْفِعْلِ النَّاقِصِ:

- (1) الْمُؤْمِنَاتُ هَدِيْنَا الْأَخْرِيْنَ لِلْوَصُولِ إِلَى غَايَاتِهِمْ!
- (2) أَنْتَنَّ تَتَلَيَّنَّ مَا نَيْسَوْ لَكَنَّ مِنَ الْأَدْعِيَةِ!
- (3) إِرْضَى عَنِي يَا أُمِّي الَّتِي تَعَبْتِ لِأَجْلِ رَاحَتِي!
- (4) هَذِهِ الطَّالِبَةُ مَا نَسَتْ مَحَاوِلَاتِ مَعْلَمَتِهَا!

40. عَيْن ما ليس فيه المفعول المطلق و المفعول فيه معاً:

- (1) إِنَّ الْعِلْمَ لَنْ يَضِيْعَ عَمْرَ الْإِنْسَانِ تَضْيِيعًا، بَلْ يَفِيْدُهُ دَائِمًا!
- (2) تَمَتَّعْ بِالدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا تَمَتَّعْ مِنْ يَعْلَمُ أَنَّهَا لَا تَدُومُ!
- (3) عَلَّمَنِي الدَّهْرُ تَعْلِيمًا لَمْ يَعْلَمَنِي أَحَدٌ طَوْلَ الْحَيَاةِ!
- (4) رَأَتْهَا الْأُمُّ عِنْدَ الْغُرُوبِ وَ ابْتَسَمَتْ لَهَا ابْتِسَامَةً جَمِيلَةً!

1. **گزینه 2** با توجه با «الطَّالِبَاتُ» و ضمیر «هُنَّ» که هر دو جمع مؤنث غایب هستند، فعل به صورت للغائبات (يَسْعَيْنَ) صحیح است.

شکل صحیح در گزینه ۲ «يَسْعَيْنَ» است. فعل «يَسْعُونَ» برای للغائبن است.

2. **گزینه 2** صورت سوال می‌گوید: گزینه‌ای را مشخص کن که در آن سه فعل معتل از یک نوع وجود داشته باشد؛ که در گزینه‌ی «۲»، فعل‌های معتل «یرمی (ر م ی)، خشی، أعف (ع ف و) هر سه ناقص هستند. بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: قال: اجوف است و مضی و قضیت: ناقص هستند.

فعل «لم تنسین» للمخاطب است زیرا ضمیر «كُنَّ» در انتهای جمله بیانگر آن است بنابراین فعل مبنی است. گزینه‌ی «۳»: تعود و یقمن: اجوف هستند.

فعل «لایدعون» للمخاطب است زیرا ضمیر «هُنَّ» بیانگر آن است.

گزینه‌ی «۴»: يتلون: ناقص، وعد: مثال و تاب: اجوف است.

فعل «تنهین» للمخاطب است زیرا «تَعْفُونَ» بیانگر آن است.

فعل «تنهین» در للمخاطبة نیز مشترک است ولی «تَعْفُونَ» ما را راهنمایی می‌کند که برای للمخاطب است.

3. **گزینه 2** فعل ناقص و اجوف علامت جزمش حذف حرف عله است در صیغه‌های (۱، ۴، ۷، ۱۳، ۱۴) لا تَخْشَى ← جزم تخش

که در این گزینه فعل تَخْشَى که فعل ناقص است حرف عله حذف شده است.

4. **گزینه 2** زیرا «لا تَنَّهُ» فعل نهی از فعل «تَنَّهُی» (از ریشه‌ی نَهَى) است که با حذف حرف عله مجزوم شده است.

5. **گزینه 2** زیرا تَقَفَّ از ریشه وَقَفَّ و یَصِفَنَّ از ریشه «وَصَفَّ» و هر دو در مثال هستند.

6. **گزینه 2** (۱) دَع «ودع» / لم يدع «دع و» (۲) یجب «وج ب» / اقف «وق ف»

(۳) عدت «ع و د» / أتوقف «وق ف» (۴) هَب «وه ب» / كنت «ک و ن»

7. **گزینه 1** فزی ← فوزی (الأمر للمخاطبة من «نفوزین»)

8. **گزینه 2** در این گزینه «مدی» (در طول) ظرف «مفعول فیه» است.

ردّ گزینه‌های دیگر یَوْم در «یومک» مضاف‌الیه است «یوم» در «لیوم» مجرور به حرف جرّ و «عُد» در همین گزینه مضاف‌الیه است.

در گزینه‌ی ۳ «حَوْل» مجرور به حرف جرّ و در گزینه‌ی ۴ نیز «یوم» مجرور به حرف جرّ است.

9. **گزینه 3** «تصريحاً» مفعول مطلق تأکیدی است که برای تأکید بر وقوع فعل به کار می‌رود.

در سایر گزینه‌ها، «قبل» مفعول فیه (ظرف زمان)، «عملاً» تمییز و «وراء» مفعول فیه (ظرف مکان) است.

10. **گزینه 3** تأکید بر وقوع فعل ← مفعول مطلق تأکیدی [مصدر منصوب فعل بدون صفت و مضاف‌الیه]

گزینه‌ی ۱: در این گزینه مفعول مطلق نوعی به کار رفته است.

گزینه‌های ۲ و ۴: اسم مشتق به کار رفته است، در حالی که مصدر جامد است.

11. **گزینه 3** زیرا در گزینه‌های ۱ و ۲ و ۴ به ترتیب «مساء»، «یوماً» و «فوق» ظرف (مفعول فیه) هستند. در گزینه‌ی ۳ «صبح» در نقش مبتدا است.

12. **گزینه 2** مفعول فیه زمانی در محلّ نصب قرار می‌گیرد که مبنی باشد و در گزینه ۲ چون اسم اشاره «هذا» قبل از

کلمه‌ای که به زمان دلالت دارد به کار رفته، پس مفعول فیه است و چون مبنی می‌باشد محلاً منصوب است.

مفعول فیه در سایر گزینه‌ها معرب است که به ترتیب عبارتند از: «أمام، حول، أبداً»

13. **گزینه 4** «یوم» اول، مبتدا، «یوماً» خبر «یکون» و «یوم» دوم مجرور به حرف جرّ است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه‌ی «۱»: «لَمَّا» مفعول فیه و محلاً منصوب است.

گزینه‌ی «۲»: «دانماً» مفعول فیه و منصوب است.

گزینه ی «۳»: «نحو» مفعول فیه و منصوب است.

14. گزینه 4 در این گزینه «تقدماً» مفعول مطلق بیانی (نوعی) و جمله فعلیه «لا یستطیع...» صفت آن است.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه ی «۱»: «تقدماً» خبر «کان» است.

گزینه ی «۲»: «تقماً» تمییز است.

گزینه ی «۳»: «تقماً» مفعول به است.

15. گزینه 2 زیرا «قبل» منصوب و دربرگیرنده معنای «فی = در» می باشد.

بررسی موارد در سایر گزینه ها:

در گزینه ی ۱ اللیل مفعول به و النهار معطوف به آن است.

در گزینه ی ۳ «متی» محلاً مجرور به حرف جرّ است و در گزینه ی ۴ نیز «بعد» مجرور به حرف جرّ است.

16. گزینه 1 منظور از «رفع الشک عن وقوع الفعل»، «مفعول مطلق تأکیدی» است.

در این گزینه، «نصیحة» که مصدری منصوب از فعل «تنصح» است، مفعول مطلق تأکیدی می باشد.

تشریح گزینه های دیگر

گزینه «۲»: «حساب» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن مضاف الیه (من) آمده است. / گزینه «۳»: «احتراماً»

مفعول مطلق نوعی است، زیرا پس از آن جمله وصفیه (یزید) آمده است. / گزینه «4»: «تحدث» مفعول مطلق نوعی است،

چون پس از آن مضاف الیه (الخبر) آمده است.

17. گزینه 3 (۱) «حقاً»: اسم مؤخر «ان»

مفعول مطلق تأکیدی

(۳) «ایماناً»: مفعول مطلق نوعی: «لا یزول عنی» جمله ی وصفیه «صبراً»: مفعول مطلق تأکیدی

18. گزینه 2 در این گزینه، فعل «ترجین» مضارع ناقص واوی صیغه ی للمخاطبة است و درست به کار رفته است.

بررسی موارد در سایر گزینه ها

گزینه ی «۱»: با توجه به ضمیر للمخاطبة (ک)، فعل «لا تئه» باید به صورت «لا تئهی» باشد.

گزینه ی «۳»: فعل «لم أنسی» که مضارع مجزوم ناقص است، نادرست است و باید به صورت «لم أنس» یعنی مجزوم به

حذف حرف عله باشد.

گزینه ی «۴»: با توجه به ضمیر «هن»، فعل مضارع ناقص پس از آن، باید به صورت «یقضین» یعنی جمع مؤنث غایب

باشد و می دانیم که «یقضون»، صیغه ی جمع مذکر غایب است.

19. گزینه 4 افعال «لا أنسی، لم یشف، بکیت» ناقص هستند و به ترتیب از ریشه های «ن س ی»، «ش ف ی» و «ب

ک ی» گرفته شده اند.

بررسی موارد در سایر گزینه ها

گزینه ی «۱»: فعل «سئل» معتل نیست و فعل «قال» اجوف است.

گزینه ی «۲»: فعل «لیس» اجوف، فعل «یکثر» صحیح و فعل «تسعی» ناقص است.

گزینه ی «۳»: فعل «یرزق» صحیح و فعل «یشاء» اجوف است.

20. گزینه 3 «قرأة» بدون صفت یا مضاف الیه آمده است، در نتیجه مفعول مطلق تأکیدی است، در حالی که در سایر

گزینه ها، مفعول مطلق نوعی به کار رفته است.

بررسی موارد در سایر گزینه ها

گزینه ی «۱»: «تعلیماً» مفعول مطلق نوعی است چرا که پس از آن صفتی مفرد آمده است.

گزینه ی «۲»: «تناول» مفعول مطلق نوعی است چرا که پس از آن مضاف الیه آمده است.

گزینه ی «۴»: «عیشاً» مفعول مطلق نوعی است چرا که پس از آن جمله ی وصفیه آمده است.

21. گزینه 3 برای رفع شک از مخاطب باید از مفعول مطلق تأکیدی استفاده کنیم. در گزینه ی ۱ چون بعد از «انتصاراً»

جمله ی وصفیه آمده است، مفعول مطلق نوعی می باشد و در گزینه های ۲ و ۴ نیز اصلاً از مفعول مطلق استفاده نشده

است.

22. گزینه 2 جُد ← ج و د

23. گزینه 4 در سایر گزینه ها به ترتیب: «وقت» فاعل و مرفوع، «لیلاً»: مفعول به و منصوب، «لحظه»: مفعول به و

منصوب

- 24. گزینه 4** گزینه‌ی ۱: «يجب» (و ج ب) مثال / «يُجيب» (ج و ب) أجوف
«يعفو» (ع ف و) ناقص
- گزینه‌ی ۳: «يدعو» (د ع و) ناقص / «يقوموا» (ق و م) أجوف
گزینه‌ی ۴: «صاح» و «أراد» هر دو أجوف
- 25. گزینه 1** "أبدأ" در این گزینه ظرف (مفعولٌ فيه) است.
- 26. گزینه 1** «نست» ← «نسيبت» (حرف عله در فعل‌های معتل ناقص بر وزن (فعل) در صيغه «للتغائبه» حذف نمی‌شود.)
- 27. گزینه 3** فعل مضارع اجوف فقط در دو صيغه جمع مؤنث حرف عله‌اش حذف می‌شود و به هنگام مجزوم شدن نیز فقط در صيغه‌های بدون نون حرف عله‌اش حذف می‌شود. بنابراین لاتبعی «لا تبعی» ترجمه: ای دختر عزیزم وقتت را به بهایی ناچیز نفروش! بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: «يصفون» فعل مضارع مثال از «وصف» است. «تشفيهم»: فعل مضارع ناقص از «شفي» است. ترجمه: پزشکان برای بیماران دارویی را تجویز میکنند که آنها را بهبودی می‌بخشد!
- گزینه ۲: «أن يمشيا» فعل مضارع منصوب و ناقص از «مشى» است. ترجمه: این دو پیرمرد نتوانستند که بر پاهایشان راه بروند!
- گزینه ۴: «لم يعد» فعل مضارع مجزوم و اجوف از «عاد» است و به خاطر مجزوم شدن حرف عله‌اش حذف شده است / «يصلون»: فعل مضارع مثال است و حرف عله در مضارع مثال حذف می‌شود. ترجمه: این پژوهشگران در حالی که به هدفهای علمیشان می‌رسیدند، باز نگشتند!
- 28. گزینه 3** «مبادره» مصدر «أبادر» و مفعول مطلق نوعی است و «تنجینی» جمله وصفیه است. ترجمه: هنگامی که به دیگران اعتماد می‌کنم، هرگز اقدامی نخواهم کرد که مرا از خطرات نجات دهد! بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه ۱: «مقرأ» حال و منصوب ترجمه: ای خدای من از تو اطاعت می‌کنم و به پروردگاریات شهادت می‌دهم اقرارکنان به این که تو خدا و پروردگار من هستی!
- گزینه ۲: «أبدأ»: مفعولیه و منصوب ترجمه: هیچگاه نگران نباش. قطعاً کسی که از هیچ تو را آفرید از خطرها تو را حفظ می‌کند!
- گزینه ۴: «صبراً»: مفعول به و منصوب / «كثيراً»: صفت و منصوب ترجمه: دیدگاه خاصی برای انسان صبور نسبت به جهان وجود دارد که او را صبر بسیاری می‌دهد!
- 29. گزینه 2** زیرا «ساعات» مفعول به برای فعل تَخَصَّصُ می‌باشد ساعات زیادی را اختصاص می‌دهی به کار و تلاش.
- 30. گزینه 1** ترکیب کامل عبارت: علی الطالب: جار و مجرور / النشيط: صفت و مجرور به تبعیت / أن يظمنن: فعل مضارع منصوب و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / بنفسه: جار و مجرور [ه: مضاف الیه و محلاً مجرور] / يوم: مفعول فیه و منصوب / الامتحان!: مضاف الیه و مجرور ترجمه: دانش آموز فعال باید در روز امتحان به خودش مطمئن باشد! بررسی موارد در سایر گزینه‌ها:
- (۲) اللیل: اسم «إن» و منصوب (ترجمه: همانا شب اگر کوتاه باشد، به انسان اجازه مطالعه بسیار نمی‌دهد!)
- (۳) صباح: مفعول به و منصوب / اللیلة: مضاف الیه و مجرور ترجمه: صبح شبی را که بیدار ماندم، فراموش نمی‌کنم، پس در آن احساس خستگی می‌کردم!
- (۴) اليوم: مشارالیه (عطف بیان) و مرفوع به تبعیت از اعراب «هَذَا» / اليوم: خبر «كان» و منصوب ترجمه: امروز از همان روز پنجم از شروع کارهای تحصیلی بود، پس دانش آموزان خوشحالند!
- 31. گزینه 4** حَقّاً مفعولٌ مطلق است برای فعل محذوف.
- بررسی موارد در سایر گزینه‌ها: در گزینه‌ی ۱) «دائماً» مفعولٌ فیه. در گزینه‌ی ۲) «حَقّاً» مفعولٌ به. برای فعل يطالبُ. در گزینه‌ی ۳) «صبراً» مفعولٌ به دوم برای فعل هب است و جمیلاً صفت و منصوب است.
- 32. گزینه 3** بررسی "مفعولٌ مطلق" در تمام گزینه‌ها: ۲- إختباراً - ۴- جدّاً، ۳- حساب - سُبْحانَ - حَقّاً ، ۱- تَعسیراً

33. گزینه 3 بررسی موارد در سایر گزینه‌ها: در گزینه ی ۳- اللیل: مضافٌ الیه و مجرور، النهار: معطوف و مجرور است. در گزینه ی ۱- اللیل، در گزینه ی ۲- بین و در گزینه ی ۴- عند مفعولٌ فیهِ می باشند.



@konkurpex

- 34. گزینه 3** جداً مفعول مطلق برای فعل محذوف است؛ در سایر گزینه ها هیچ گونه مفعول مطلق وجود ندارد.
- 35. گزینه 2** (حول - يوماً - بعد) مفعول فیه می باشند. (اللیل) در گزینه ی ۲ مفعول به می باشد. مفعول فیه با (در) معنا می شود ولی مفعول به با را معنا می شود.
- 36. گزینه 1** یَصْفُونَ از ریشه ی وَصَفَ که در مضارع عَلَّه ی واو حذف شده به صورت «یَصِفُ» و در صیغه ی للغائبین به صورت «یَصْفُونَ» در آمده است.
- 37. گزینه 1** زیرا در «لَمْ + تَرْجُو» چون «ترجو» به حرف عَلَّه ختم شده است.
- 38. گزینه 4** در گزینه ی ۴ «یوم» فاعل است رنگین کمان پدیده ای است که روز بارانی آن را بوجود می آورد.
گزینه های دیگر:
- گزینه ی ۱: اخیراً مفعول فیه است و آیام در گزینه ی ۱ فاعل و مرفوع «روزهای جدایی که تو را نگران کرده بود سرانجام گذشت.»
- گزینه ی ۲: «متی» مفعول فیه محلاً منصوب است زیرا متی مبنی است. «هر وقت آن کسی را که دوست داری ببینی دنیا را رها کن و آن را به خود واگذار کن.»
- گزینه ی ۳: «قَبْل» مفعول فیه و منصوب به فتحه اصلی است. «دوستت را قبل از آنکه تو را ترک کند کمک کن.»
- 39. گزینه 3** شکل صحیح در گزینه ۱ «هَدَّتَا» است. اگر ماضی ناقص مفتوح العین باشد در صیغه های ۳، ۴، ۵ حرف عله حذف می شود.
- شکل صحیح در گزینه ۲ «تَتَلُونَ» است. اگر مضارع ناقص مضموم العین باشد ۲ صیغه جمع مذکر با جمع مؤنث شباهت خواهند داشت. یَتَلُونَ (لِالْغَائِبِينَ، لِلْمَخَاطَبَاتِ) تَتَلُونَ (لِلْمَخَاطَبِينَ، لِلْمَخَاطَبَاتِ) بنابراین تتلین با ضمیر أَنْت صحیح است.
- اگر ماضی ناقص مکسور العین باشد حرف عله فقط در گزینه ۳ حذف می شود.
- 40. گزینه 2** در این گزینه فقط مفعول مطلق آمده (تمتع) و مفعول فیه به کار نرفته است.
تشریح گزینه های دیگر
- گزینه «۱»: «تضییعاً» مفعول مطلق و «دانماً» مفعول فیه است.
- گزینه «۳»: «تعلیماً» مفعول مطلق و «طول» مفعول فیه است.
- گزینه «۴»: «عند» مفعول فیه و «ابتساماً» مفعول مطلق است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۴۱۵۱

۲ -۵	۲ -۴	۲ -۳	۲ -۲	۲ -۱
۳ -۱۰	۳ -۹	۲ -۸	۱ -۷	۲ -۶
۲ -۱۵	۴ -۱۴	۴ -۱۳	۲ -۱۲	۳ -۱۱
۳ -۲۰	۴ -۱۹	۲ -۱۸	۳ -۱۷	۱ -۱۶
۱ -۲۵	۴ -۲۴	۴ -۲۳	۲ -۲۲	۳ -۲۱
۱ -۳۰	۲ -۲۹	۳ -۲۸	۳ -۲۷	۱ -۲۶
۲ -۳۵	۳ -۳۴	۳ -۳۳	۳ -۳۲	۴ -۳۱
۲ -۴۰	۳ -۳۹	۴ -۳۸	۱ -۳۷	۱ -۳۶

کنکور

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۰

سوال ۳۹۳۳۸

1. عین ما لیس فیہ المفعول فیہ:

- 1) لقد طرق الباب ساعات و لكن لم یفتحہ أحد، لأنّ البیت كان فارغاً و الاسرة كلّها قد سافرت!
- 2) إن أردت أن تصل إلي النجاح الكبير، فعليك أن تُخصّص ساعات كثيرة للجِدّ و العمل!
- 3) اليوم أثبتت الأبحاث العلميّة أنّ الرياضة تلعب دوراً مهمّاً في صحّة الجسم و الرّوح!
- 4) كنت أتصوّر أيام شبابي أنّي لو كبرت تكثّر أوقات فراغتي للمطالعة!

2. عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة :

« أعتقد أنّ الناس لا يفوزون في حياتهم إلاّ المجدّين منهم! »

- 1) بر این باورم که انسان های کوشا در زندگی خود رستگار هستند!
- 2) معتقدم که فقط مردمان کوشا در زندگی خویش موفق می شوند!
- 3) اعتقاد دارم که در زندگی خویش جز تلاشگران از مردم، پیروز نمی شوند!
- 4) بر این عقیده ام که فقط انسان های تلاشگر در زندگی برنده خواهند شد!

3. عین الصحيح:

- 1) فذلک الوقت یعادل عدد الساعات الّتی یقضونها فی المدرسة! : آن وقت مثل ساعتی است که کودکان آن را در مدرسه می گذرانند!
- 2) لتراقب الأسرة أطفالها فی زمن جلوسهم أمام التلفزيون، : خانواده کودکان را در زمان نشستن آنها مقابل تلویزیون مراقبت می کنند،
- 3) لأنّ الوقت الّذي یقضیه الأطفال أمام التلفزيون کثیر جدّاً، : قطعاً کودکان وقت زیادی را در مقابل تلویزیون می گذرانند،
- 4) هل تعلم کیف یكون تأثیر التلفزيون علی سلوك الأطفال؟ : آیا می دانی تأثیر تلویزیون بر رفتار کودکان چگونه می باشد؟

4. ما هي الترجمة الصحيح للعبارات التالیه «اللهم أنطقني بالهدی والهمني التقوي»

- 1) پروردگارا! نطق مرا با هدایت همراه کن و به پرهیزکاری رهنمونم کن.
- 2) خدایا! سخن مرا به هدایت قرین فرما و پرهیزکاری را به من الهام کن.
- 3) پروردگارا! با گفتار خود مرا هدایت فرما و به من پرهیزکاری الهام کن.
- 4) خدایا گفتار مرا هدایت فرما و تقوی را به من الهام کن.

5. ترجم الصحيح للعبارة « لَوْ نَظَرْنَا إِلَي تَارِيخ حَيَاة الْعِظْمَاء لَوَجَدْنَا أَنَّ هَوْلَاء تَحَمَّلُوا الْمَصَاعِبِ »

- 1) اگر به تاریخ زندگی بزرگان بنگریم قطعاً درمی یابیم که اینها تحمل سختی ها کرده اند.
- 2) اگر نگاهی به تاریخ بزرگان کنیم می یابیم که ایشان مصیبت هایی را تحمل کرده اند.
- 3) با نگرشی به تاریخ زندگی بزرگان تحمل مشقّت ایشان مشاهده می شود.
- 4) تحمل دشواری های بزرگان در تاریخ زندگی ایشان مشهود است.

6. مَيِّز الجواب الذي جاء فيها المفعول فيه

- 1) هو الذي خلق الليل و النهار
- 2) إني أحبّ أيام العطلة
- 3) إن يوم الفصل ميفائهم أجمعين
- 4) إني دعوتُ قومي ليلاً و نهاراً

7. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

انزعجت من بعض أعماله التي كانت تسبب أذى الناس، و لكنه لم يهتم با نزعاجي!

- (1) از بعضی از کارهایش که سبب آزار مردم می شد ناراحت شدم، اما او به ناراحتی من توجهی نکرد!
- (2) بعضی اعمال او که مردم آزاری را در پی داشت مرا ناراحت کرد، ولی او به ناراحتی ام اهمیتی نداد!
- (3) از برخی کارهای وی ناراحت شده بودم زیرا اذیت مردم را در پی داشت، ولی او اهمیتی به آن نمی داد!
- (4) برخی اعمال او که اذیت مردم را در پی دارد برای من ناراحت کننده بود، ولیکن او توجهی به آن نکرد!

8. «أيا مي دانستی که هر شعاع نوری از هفت رنگ زیبا تشکیل می شود؟!»

- (1) هل كنت تعلم الذي ينشعب ضوءاً من سبعة ألوان جميلة؟!
- (2) أكنت تعلمين أنّ كلّ شعاع ضوئيّ يتكوّن من سبعة ألوان جميلة؟!
- (3) أأنت تعلم أنّ كلّ شعاع ضوء من سبعة ألوان الجميلة يتشكّل
- (4) هل أنت تعلمي أنّ شعاع الضوء من الألوان السابعة الجميلة يتكوّن؟!

9. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«بعض أنواع الحيوانات كأنها موجودات شاعرة تعرف الطبيعة و جمالها و تعشقها!»

- (1) گویی برخی اقسام حیوان ها چون شاعرانی هستند که هم طبیعت را می شناسند و هم بدان عشق می ورزند!
- (2) بعضی اقسام جانوران همچون شاعران باحساسی هستند که با زیبایی طبیعت آشنا هستند و بر آن محبت می ورزند!
- (3) گویی بعضی گونه های جانوران موجودات دارای شعور هستند که با طبیعت آشنا هستند و بر زیبایی آن محبت می ورزند!
- (4) بعضی از انواع حیوانات گویی موجودات باحساسی هستند که طبیعت و زیبایی آن را می شناسند و بدان عشق می ورزند!

10. « در زمان های گذشته مردم راه خود را به کمک ستارگان می یافتند. » عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- (1) في السنوات الماضية الناس كانوا يجدوا سبيلهم بعون الكواكب.
- (2) كان الناس قد وجدوا طريقهم بمدد الكواكب في السنوات الماضية.
- (3) في الزمن الماضي كانوا الناس يجدون سبيلهم بعون الكواكب.
- (4) في الأزمنة الماضية كان الناس يجدون طريقهم بمدد الكواكب.

11. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«حفظ جمال الطبيعة و توفير الطعام و تنقيه الجو كلّها تحتاج إلى النباتات!»

- (1) محافظت از طبیعت زیبا و غذای فراوان و هوای پاکیزه نیاز به گیاهان دارد!
- (2) زیبایی در طبیعت و تولید غذا و تصفیه ی هوا، حفظ همگی آن ها محتاج نباتات است!
- (3) طبیعت زیباست و غذا فراوان و هوا پاکیزه، حفظ همگی این ها محتاج به گیاهان است!
- (4) حفظ زیبایی طبیعت و فراهم ساختن غذا و پاکیزه کردن هوا همگی احتیاج به گیاهان دارد!

12. عَيْنِ مَا فِيهِ مَعْتَلُهُ مِنْ نَوْعِ الْوَاحِدِ :

- (1) رَبًّا وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ
- (2) إِحْذَرُ أَنْ تَعُوْدَ لِمِثْلِ هَذَا الْعَمَلِ وَ إِلَّا تُنَالِكَ عَقُوبَتِي
- (3) يَتَوَقَّعُ الْإِنْسَانُ مِنْ عَشِيرَتِهِ وَ إِنْ كَانَ ذَا مَالٍ
- (4) لَا يَنْسِي الْمُؤْمِنُ حِينَمَا تَصِلُ إِلَيْهِ النَّعْمُ

13. عَيْنِ الْمَفْعُولِ فِيهِ:

- (1) نُقِلَ هَذَا الْمَجْرُوحُ إِلَى الْمَسْتَشْفَى اللَّيْلَةَ الْمَاضِيَةَ!
- (2) مَنْظَرُ قَرِيْبَتِنَا جَمِيْلٌ، وَ كَأَنَّهَا تَسْتِقْبِظُ فِي كُلِّ صَبَاحٍ!
- (3) أَمْضِيَتْ اللَّيْلَةُ الْمَضَايَا فِي بَيْتِ جَدَّتِي!
- (4) شَاهَدْتُ الشَّمْسَ طَالِعَةً فِي الْمَشْرِقِ وَ مِنْ وَرَاءِ الْجِبَالِ!

«هیچ کاری برای انسان غیرممکن نیست؛ پس اگر هدفی داشته باشی می توانی با تلاش خود بدان بررسی!»: عین الصحیح
فی التعریب:

- 1) لا عمل غیرممکن للإنسان؛ فإن كان لك هدف تستطيع أن تصل إليه بجدك!
- 2) يمكن الحصول على كل عمل للإنسان، فإذا عندك هدف تصل إليه بجدًا!
- 3) لا يكون كل عمل محالاً للإنسان، عندما يريد الإنسان أن يصل إلى هدف يستطيع بالجد!
- 4) ليس كل العمل غيرممکن للإنسان، لأنه عندما كان لك هدف فتستطيع الحصول عليه بالعمل!

15. عین ما فيه أكثر من المعتلات:

- 1) جُرحت يدي و سال منها الدّم و لم أزل ذلك إلا بعد ساعة!
- 2) لقيت في طريقي سائلاً محزوناً و دَعُوهُ خارج المدينة وحيداً!
- 3) يا أمّاه، إرضى عني و ادعى لي ربك لعلّه يعفو ذنوبي الكثيرة!
- 4) كان المسلمون قد نالوا منزلةً رفيعةً في العلوم و الفنون بين شعوب العالم!

16. عین الصحیح فی الترجمة:

- 1) أتطلب الآخرة و لا تعمل لها؛ أيا أخرت را خواهانی و برایش کاری نمی کنی،
- 2) و نتکلم کانتک زاهد مبتعد عن الدنيا؛ و زاهدانه سخن می گویی و از دنیا دوری می کنی،
- 3) و تعمل کالراغبین فیها؛ و چون مشتاقان به دنیا پیش می روی،
- 4) عليك أن تسعى لما تريد حتى تتجح! : تو برای آن چه می خواهی بکوش تا حتما پیروز باشی!

17. عین الصحیح:

- 1) وقتی بنده به پوشاندن بدی ها نیاز دارد، پروردگارش را صدا می کند! : ینادی العبد ربّه حين يحتاج إلى ستر عيوبه!
- 2) وقتی در درس هایمان کمک می خواهیم فواید زیادی در کتاب های درسی می یابیم! : حينما نطلب المساعدة في الدّروس نجد منافعاً كثيرةً في الكتب الدّراسية!
- 3) هنگامی که فکرهای روشنی بخش داریم باید تصمیم به درس خواندن بگیریم! : علينا أن نعزم على الدّراسة عندما لنا هذه الأفكار المضيئة!
- 4) هنگامی که با نیکان دوستی می کنیم حقیقت این زندگی جدید را می شناسیم! : عندما نصادق الصّالحين نعرف حقيقة هذه الحياة الجديدة!

18. عین الصحیح فی الترجمة:

نفهم من حياة العظماء أنّهم يحاولون لطرده الأفكار التي تهاجمهم حول الخوف و اليأس!

- 1) از زندگی بزرگان می توان فهمید که آنان برای دوری از فکرهایی تلاش کردند که ناشی از ترس و ناامیدی است!
- 2) از زندگی بزرگان می فهمیم که آنان برای دوری از افکاري می کوشند که دوباره ترس و یأس به آنها هجوم می آورد!
- 3) در زندگی افراد بزرگ درمیابیم که تلاش آنان برای دوری کردن از فکرهای مهاجم و ترس آور است!
- 4) می توانیم از زندگی بزرگان بفهمیم که آنان کوشیدند تا افکاري را دور کنند که از ترس و ناامیدی به ایشان حمله می کند.

19. عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :

- 1) المترفون لم يسمّحوا للفقراء أن يأتوا إلى الإستقبال! : ثروتمندان به فقراء اجازه نمی دهند به استقبال بیایند!
- 2) هل تتلین القرآن في المدرسة كل صباح؟! : آیا هر صبح در مدرسه قرآن می خوانید؟!
- 3) تَعَوّدنا أن نُهدى هدايا مختلفة إلى المساكين! : ما عادت داریم هدیه های مختلفی را به بیچارگان بدهیم!
- 4) الإنسان لن يستغنى عن الآخرين و إن كان ذا ثروة عظيمة! : انسان از دیگران بی نیاز نخواهد شد هر چند ثروت زیادی داشته باشد!

20. عین الصحیح فی الترجمة: «تلاميذ صفنا لم يقصروا في أداء واجبهم و نجحوا جميعاً في امتحانات نهاية السنة!» دانش آموزان کلاس ما در انجام

- (1) تکالیفشان تنبلی نمی کنند و همگی در امتحانات پایان سال قبول می شوند!
- (2) تکلیف خود کوتاهی نکرده اند و همگی در انتخابات پایان سال موفق شدند!
- (3) تکالیف خود تنبلی نکردند و همگی در امتحان پایان سال قبول شدند!
- (4) تکالیفشان کوتاهی نخواستند کرد و همه ی آن ها در امتحانات پایان سال موفق خواهند شد!

21. عین الأصحّ و الأدقّ في التّرجمة:

«لینتفع العباد من زينة الله التي أخرج لهم ليكونوا مجتمعهم!»:

- (1) برای اینکه بندگان از زینت خدا که برای آن ها آفریده بهره ببرند باید جامعه ی خود را بسازند!
- (2) بندگان باید از زینت خدا بهره ببرند چرا که خداوند آن زینت را برای آن ها آفریده تا جامعه ی خود را بسازند!
- (3) بندگان باید از زینت خدا که برای آن ها آفریده استفاده کنند تا جامعه ی خویش را ایجاد کنند!
- (4) خداوند زینت های خود را برای بندگان قرار داده تا اینکه از آن ها استفاده کنند و جامعه ی خویش را تشکیل دهند!

22. عین کلمه «حقاً» یختلف إعرابها عن الباقي:

- (1) لیت أختی کانت حاضره فی هذه المراسیم لأنّ لكلّ بنت حقّاً خاصّاً بها!
- (2) إنّ للمجاهدين حقّاً علينا بسبب شجاعتهم فی الحرب ضدّ الأعداء!
- (3) هل تظنّ أنّ هؤلاء التلميذات لن يستطعن أداء واجباتهنّ حقّاً!
- (4) إنّ حقّاً كبيراً للأُمّ التي تحاول كثيراً لتوفير الرّاحة لأولادها!

23. عین العبارة التي تعین زمان وقوع الفعل:

- (1) إنّ يوم الجمعة من الأيام المباركة.
- (2) أصلی صلاة الصبح عند مطلع الفجر.
- (3) سخر الله الليل والنهار للانسان.
- (4) و فوق كلّ ذی علم علیم.

24. عین الصحیح فی تأکید الفعل :

- (1) من يستغفر من ذنوبه و يرجع إلى ربّه فهو مقرب عند الله
- (2) كثيراً / دائماً
- (3) استغفراً / رجوعاً
- (4) مستغفراً / راجعاً

25. عین ما فيه المفعول فيه للمكان:

- (1) حکم على ذلك العالم الجليل بالسجن مدى الحياة بسبب الجرأة العلميّة منه!
- (2) سهرت اللیالی حتّى قدرت على کسب المعالی بین الناس!
- (3) متى رجعت من السفر و كيف استطعت النوم لساعاتٍ طويلة؟!!
- (4) إذا دلّ الاسم المشتق على هيئة الفاعل مثلاً فهو حال مفرد له!

26. عین المفعول فيه:

- (1) على الطالب النشيط أن يطمئنّ بنفسه يوم الامتحان!
- (2) إنّ اللیل إن كان قصيراً، لايسمح للإنسان أن يطالع كثيراً!
- (3) لا أنسى صباح اللیلة التي سهرتها، فکنت أشعر فيه بالتعب!
- (4) كان هذا اليوم هو اليوم الخامس من بداية الأعمال الدراسية فالطلاب فرحون!

27. عَيْن ما لَيْس فيه المفعول فيه:

- (1) لعب الأطفال بفرح في الملعب و رجعوا مساء!
- (2) إحترم الكبير و أنت شاب، لأتک يوماً ستكون كبيراً!
- (3) التقيت بصديقي في الطريق و قلت له: صباحك بخير!
- (4) اللهم؛ اجعل هذا الصباح حاملاً لنا من الخير فوق ما نرجو!

28. عَيْن «تقدّماً» لبيان نوع الفعل:

- (1) كان تقدّم هذه البطلة في ساحة اقتال تقدّماً ما كنت أصدّق!
- (2) شاهدتُ هؤلاء الطالبات في السنة الماضية أكثر تقدّماً من غيرهنّ
- (3) عندما بدأ صديقي العزيز بدراسته الطيّبة لم يشاهد في مسيره تقدّماً فيها!
- (4) تقدّمت هذه المرأة في مواجهة الأعداء تقدّماً لا يستطيع الأعداء أن يصدّقوه!

29. عَيْن ما، جاء لرفع الشكّ عن وقوع الفعل:

- (1) تنصح الأمّ ابنتها بالالتزام بالأخلاق الحميدة نصيحة فتتفعها كثيراً!
- (2) حاسبا أنفسكما في الدنيا حساب من يؤمن بأنّ الآخرة دار الحساب!
- (3) عليها أن تحترم المعلمات إحتراماً يزيد شأنها عند مديرة المدرسة!
- (4) تحدّثت مع العمّال عن بناء المسجد تحدّث الخبير بشؤون الهندسة!

30. إملاً الفراغ بما يناسب المفعول المطلق النوعي: «المقاتلون عن وطنهم رائعاً!»

- (1) يدافعون - مدافعةً (2) دافعوا - دفاعاً (3) يدافعون - مدافعاً (4) دافعوا - مدافعةً

31. عَيْن المفعول المطلق للنوع :

- (1) أحدثت هذه المشكلة القلق جداً في قلوبنا مرّة أخرى!
- (2) وقف التلاميذ بعد لعبهم قرب الجدار وقوفاً ليستربحوا
- (3) استقبل التلاميذ زميلهم المثالي استقبال الصديق الحنون!
- (4) التلاميذ المجدّون يساعدون أصدقاءهم في الدروس مساعدة!

32. عَيْن ما لَيْس فيه المفعول فيه:

- (1) إذا جاءت الحسنات تذهب السيئات!
- (2) اليوم أكملت لكم دينكم!
- (3) أينما تذهب تجد النصر للحق!
- (4) اليوم يوم يرزقنا الله فيه نعماً كثيرة!

33. عَيْن المفعول المطلق للنوع:

- (1) نحترم معلّمينا جداً لأنهم يربّوننا لمستقبل بلادنا!
- (2) انتصر المجاهدون في ساحة المعركة انتصاراً!
- (3) قرأت آيات من القرآن قراءة تؤثّر في القلب!
- (4) ضيّعت النعم حقاً بالاستفادة غير الصحيحة منها!

34. لما نَشِكُّ في تأليف المعلم ، نقول:

- (1) المعلم يؤلّف حانقاً (2) ألف المعلم كتاباً (3) ألف المعلم تأليفاً (4) الكتاب ألف سريعاً

35. عَيْن العبارة التي جاء فيها المفعول فيه منصوباً:

- (1) و لا تجعل عملَ يومك ليوم غد حتّى لا تتندّم!
- (2) فَحَكَمَ الرّوميّون على عالمهم بالسّجن مدّى الحياة!
- (3) «و لو كُنْتَ فظاً غليظ القلب لأنفضوا من حولك»
- (4) إنّ حلال محمد (ص) حلال إلى يوم القيامة!

36. عَيْنِ ما لِيَس فيهِ المَفْعول المَطْلوق و المَفْعول فيهِ مَعاً:

- (1) إِنَّ العِلْمَ لَنْ يَضِيحَ عَمَرُ الإِنْسَانِ تَضْيِيعاً، بَلْ يَفِيدهُ دَائِماً!
- (2) تَمَتَّعَ بِالدُّنْيَا و ما فِيها تَمَتَّعَ مِنْ يَعلَمُ أَنَّها لا تَدومُ!
- (3) عَلَّمَنِي الذَّهْرَ تَعْلِماً لَمْ يَعلَمُنِي أَحَدٌ طَوْلَ الحَيَاةِ!
- (4) رَأَتْها الأُمُّ عِنْدَ الغُرُوبِ و ابْتَسَمَتْ لَها ابْتِسامَةً جَمِيلَةً!

37. عَيْنِ ما لِيَس فيهِ المَفْعول المَطْلوق و المَفْعول فيهِ مَعاً:

- (1) شَاهَدْتُهُمْ مِشَاهِدَةَ المَعَلِّمِ الحَاذِقِ حِينَما كُنْتُ مَسرُوراً!
- (2) لَمْ يَتَكَاسَلْ هَذَا التَّلْمِيزُ فِي دَرَسٍ مِنْ أَوَّلِ العَامِ الدِّرَاسِيِّ تَكَاسِلاً!
- (3) آمَنْتُ بِرَبِّي إِيماناً لا يَزُولُ عَنِّي أَبَداً!
- (4) أَنِما تَقَدَّمَ المُسْلِمونَ تَقَدِّماً سَريعاً فِي الحَرْبِ فَرَّ المُشْرِكونَ!

38. عَيْنِ العِبارَةِ الَّتِي لِيَس فيها «مَفْعول فيهِ للمكان»:

- (1) العِقابُ شَدِيدٌ عَلى الظَّالِمينَ يَومَ الحِسابِ!
- (2) الطَّائِرُ فِوقَ الشَّجَرَةِ يَغْرَدُ و يَسْرُنُا فِي كَُلِّ الأَحْوالِ.
- (3) أَيُّها النَّاسُ! لا تَرفَعوا أَصْواتَكُم فِوقَ صَوتِ النَّبِيِّ!
- (4) شَاهَدْتُ أَصْدِقاءِي فِي الطَّرِيقِ و ذَهَبنا جَمِيعاً نَحوَ المَدْرَسَةِ.

39. عَيْنِ ما لِيَس فيهِ المَفْعول المَطْلوق:

- (1) عِنْدما يَتَوَصَّلُ الباحِثونَ إِلى نَتائِجِ فِي العِلْمِ العَدِيدَةِ يُسْرَونَ!
- (2) آمَنْتُ زَوجَةَ يَاسِرٍ بِاللهِ تَعالَى، رَغمَ التَّعذِيبِ، إِيماناً راسِخاً!
- (3) نَحْنُ نَحاولُ أَنْ نَتَلوَ القُرْآنَ تَلاوَةً حَسَنَةً كَُلِّ الأَيامِ!
- (4) أَقولُ لَتَلامِيزِي دَائِماً: إِعْتَمِدوا عَلى أَنفُسِكُم جَداً!

40. عَيْنِ المَفْعول المَطْلوق:

- (1) إِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسابُهُم فِياحِسابِهِم اللهُ بِما يَعمَلونَ!
- (2) إِنَّ اللهَ أَعَدَّ النِّعَمَ لِلإِنْسَانِ وَعَدَّها رِزْقا لَه!
- (3) كَُلُّ أُمَّ تُحِبُّ أَنْ يَساعدَها الأَولادُ مَساعدةَ الرَّاغِبينَ!
- (4) الشَّمسُ فِي وَسْطِ السَّماءِ تَحرقُ الأَبْداً لَأَنَّ إِحراقَها شَدِيدٌ!

@konkurpex

1. گزینه 2 زیرا «ساعات» مفعولٌ به برای فعل تَخَصَّصُ می باشد ساعات زیادی را اختصاص می دهی به کار و تلاش.

2. گزینه 2 معتقدم ... «لا...إلا» معنی حصر می دهد (فقط). چون آلا همراه فعل منفی آمده است در ترجمه از "فقط" استفاده می کنیم.

3. گزینه 4 هل تَعَلَّمْ ؟ : آیا می دانی که؟ / كَيْفَ يَكُونُ : چگونه است / عَلِيٌّ سَلُوكٌ : بر رفتار .

4. گزینه 2 «أَنْطَقْتِي بِالْهَدْيِ» = سخن مرا به هدایت قرین فرما، أَلْهَمْنِي = به من الهام کن.»

5. گزینه 1 لو: اگر / «حياة»: زندگی.

6. گزینه 4 «لَيْلاً» مفعولٌ فیه (ظرف زمان) و منصوب و «نهاراً» معطوف است. سایر گزینه ها: ، «گزینه ی ۱ اللیل، النهار، گزینه ی ۲ آیام مفعول به است و در گزینه ی ۳ یوم اسم ان است «مفعولٌ فیه نیستند، بلکه نقش های دیگری دارند.

7. گزینه 1 کلمات کلیدی: انزعجتُ / من بعض أعماله / كانت تسبب / لم يهتم

مقایسه ی کلیدها در گزینه ها: انزعجتُ: ناراحت شدم؛ فعل ماضی اولین شخص مفرد

رد سایر گزینه ها: من بعض أعماله: از بعضی از کارهایش؛ اولاً حرف جر «من» باید در ترجمه بیاید، ثانیاً ضمیر «ه» در أعماله باید ترجمه شود. رد گزینه های (۲) و (۴) / كانت تسبب: سبب می شد؛ فعل مضارع به همراه كانت (به صورت

ماضی استمراری) می + ماضی ترجمه می شود. (رد گزینه های ۲ و ۳ و ۴)

8. گزینه 2 «می دانستی» ماضی استمراری است که معادل عربی آن كُنْتُ تَعْلَمُ یا كُنْتُ تَعْلَمِينَ می باشد. بزرسی موارد در

سایر گزینه ها: (رد گزینه های (۳) و (۴)) يَتَكَوَّنُ به معنای «تشکیل می شود» است. (رد گزینه ی (۱)) و عدد هفت جزء اعداد اصلی است و معادل عربی آن سبعة می باشد و ضمناً «رنگ زیبا» یک ترکیب وصفی است و چون معدود اعداد سه

تاده جمع و مجرور است باید صفت ألوان مفرد مؤنث بیاید. ألوان جميلة

9. گزینه 4 (شاعر: با احساس، ردّ گزینه های ۱ و ۲)

که «موجودات شاعرة» یک ترکیب وصفی نکره است که باید به همراه یک و یا «ی» وحدت ترجمه شود «موجودات با

احساسی» و «تعرف» باید به صورت فعل مضارع ترجمه شود «می شناسد» (رد گزینه های ۲ و ۳)

10. گزینه 4 (۱) فی السنوات الماضية: در سال های گذشته ← فی الأزمنة الماضية: در زمان های گذشته / الناس كانوا يجدوا ← الناس كانوا يجدون (دلیلی برای حذف «ن» وجود ندارد).

(۲) می یافتند: كان الناس يجدون (كان + فعل مضارع = ماضی استمراری) / فی السنوات الماضية ← مانند گزینه (۱)

(۳) «كانوا» قبل از «الناس» آمده است و به صورت مفرد می آید ← كان الناس يجدون

11. گزینه 4 (۱) حفظ جمال الطبيعة: ترکیب اضافی است ← حفظ زیبایی طبیعت / توفير الطعام: فراهم ساختن غذا (توفير» مصدر است از باب تفعیل) / تنقيه الجو: پاکیزه کردن هوا («تنقيه» مصدر است از باب تفعیل) / کلها: همگی

(ترجمه نشده است)

(۲) حفظ جمال الطبيعة ← مانند گزینه (۱) / «توفير» و «تنقيه» مصدر هستند و باید درست ترجمه شوند ← مانند گزینه (۱)

(۳) حفظ جمال الطبيعة ← مانند گزینه (۱) / توفير الطعام ← مانند گزینه (۱) / تنقيه الجو ← مانند گزینه (۱)

12. گزینه 2 زیرا «تعود» و «تعال» هر دو اجوفند.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: اَنْتِ از ریشه اَنْی (ناقص)، «وَعَدْتِ» مثال است.

گزینه ی ۳: يَتَوَقَّعُ از ریشه وَقَّعَ و كان اجوف است.

گزینه ی ۴: لا يَنْسِي ناقص و تَصِلُ از ریشه وَصَلَ = مثال است.

13. گزینه 1 «الليلة» در این عبارت قید زمان و مفعول فیه است. ترجمه: این مجروح (در) شب گذشته به بیمارستان منتقل شد!

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲: «صباح»: مضاف الیه و مجرور. ترجمه: منظره روستای ما زیباست و گویا ان در هر صبح بیدار می شود!

گزینه ۳: «الليلة»: مفعول به و منصوب. ترجمه: شب گذشته را در خانه مادر بزرگم گذراندم!

گزینه ۴: «وراء»: مجرور به حرف جر/ «طالعه»: حال و منصوب. ترجمه: خورشید را در حال طلوع در مشرق و از پشت کوه ها دیدم!

14. گزینه 1 (۲) هیچ کاری غیرممکن نیست: «لا عمل غیرممکن» (با استفاده از ویژگی «لا» نفی جنس تعریب می شود) / پس اگر هدفی داشته باشی: «فإن كان لك هدف» (جمله شرطی است) («فإذا»: پس وقتی که (به معنای اگر نیست)) / می توانی بدان برسی: «تستطع أن تصل إليه» / با تلاش خود: «بجدك» (ضمیر «ك» ترجمه نشده است و همچنین «الجد» وقتی به «ك» مضاف شود، «ال» نمی گیرد)
 (۳) هیچ کاری غیرممکن نیست ← مانند گزینه (۱) / در ادامه، جمله شرطی به صورت مخاطب است اما به صورت غایب تعریب شده است و اشتباه است ← مانند گزینه (۱)

(۴) «هیچ کاری» به صورت نکره است ← «كل عمل» / در ادامه، جمله شرطی است ← مانند گزینه (۱)
15. گزینه 3 گزینه ی ۱: «أر» معتل و ناقص و مهموز (رای)
 گزینه ی ۲: «لقت» معتل و ناقص (لقي) / «ودعوا» معتل و مثال (ودع)
 گزینه ی ۳: «ارضي» معتل و ناقص (رضي) / «أدعي» معتل و ناقص (دعو) / «يعفو» معتل و ناقص (عفو)
 گزینه ی ۴: «كان» معتل و اجوف (كون) / «نالوا» معتل و اجوف «نيل»

16. گزینه 1 در گزینه ی ۲ نتکلم می گویم است و می گویی غلط است در گزینه ی ۳ تعمل کار می کنی درست است و پیش می روی غلط است و در گزینه ی ۴ ان تسعی: سعی کنی درست است و بکوش غلط است.
17. گزینه 4 تشریح گزینه های دیگر:

گزینه «۱»: ضمیر «ه» در «عیوبه، باتوجه به عبارت فارسی صورت سوال، زاند است.
 گزینه «۲»: «درس هایمان» به صورت «دروسنا» صحیح است، هم چنین «منافع» غیرمنصرف است و نمی تواند تنوین بگیرد.

گزینه «۳»: «هذه» در تعریب اضافی است.
18. گزینه 2 «نفهم»: می فهمیم / «حياه العظماء»: زندگی بزرگان / «يحاولون»: می کوشند / «طرد الأفكار التي»: دور کردن افکاری که / «تهاجمهم»: به آن ها هجوم می آورد، به آنان حمله می کند.
19. گزینه 4 بررسی سایر گزینه ها:
 گزینه ی «۱»: «اجازه نمی دهند» نادرست است.

معنی
 لم + مضارع ← ماضی ساده منفی یا ماضی نقلی منفی است (اجازه ندادند).
 گزینه ی «۲»: «می خوانید» نادرست است (تتلین: صیغه ی للمخاطبه).
 تتلین فعل للمخاطبة برای مفرد مؤنث است به صورت جمع آمده است.
 گزینه ی «۳»: «عادت داریم» نادرست است.

تَعَوَّدنا ← ما عادت کردیم.
20. گزینه 3 «لم يُقَصِّروا»: کوتاهی نکرده اند (نکردند) / «فی أداء واجبه»: در انجام تکلیف خود (تکلیفشان) / «نَجَّحُوا»: موفق شدند، قبول شدند / «جميعاً»: همگی / «فی امتحانات نهاية السنة»: در امتحانات پایان سال نکته ی مهم درسی

چنانچه حرف نفی «لم» قبل از مضارع بیاید، فعل، معادل ماضی نقلی منفی یا ماضی ساده منفی ترجمه می شود.
21. گزینه 3 لیتنفع: باید بهره مند شوند، استفاده کنند. رد گزینه ی ۱
 رد گزینه ی ۲ «چرا که» نادرست است - ترکیب «زينة الله التي ...» یعنی زینت خداوند که ...
 فعل «آفریده» در صورت سوال نیامده است.
 رد گزینه ی ۴ «زینت ها» جمع آمده است - «عبارت برای بندگان قرار داده» نادرست است.

22. گزینه 3 زیرا "حقاً" در این گزینه مفعول مطلق است.

"حقاً" در گزینه ی ۱ اسم موخر آن و در گزینه ی ۲ نیز اسم موخر آن و در گزینه ی ۴ نیز اسم آن می باشد.

23. گزینه 2 عند در این گزینه مفعول فیه و ظرف زمان می باشد. بررسی موارد در سایر گزینه ها: یوم اسم آن است و الایام در گزینه ۱ جارو مجرور است. در گزینه ۳ اللیل مفعول به و در گزینه ۴ فوق مکان را نشان می دهد.

24. گزینه 3 مفعول مطلق بیانگر تأکید وقوع فعل می باشد. بنابراین مصدر فعل های: يَسْتَغْفِرُ و يَرْجِعُ به ترتیب استغفار و رجوع می باشد که به دلیل مفعول مطلق تأکیدی بودن با تنوین نصب (أ) می آیند. پس گزینه ی (۳) صحیح است.

25. گزینہ 2 کلمہ «بین» مفعول فیہ (ظرف مکان) است.



@konkurpex

- بررسی موارد در سایر گزینه ها
گزینه «۱»: کلمه «مَدَى: در طول» ظرف زمان است.
گزینه «۳»: کلمه «مَتَى» ظرف زمان و محلاً منصوب و کلمه «ساعات» مجرور به حرف جرّ است.
گزینه «۴»: کلمه «إِذَا» مفعول فیه (ظرف زمان) و منصوب با علامت محلی اعراب است.
- 26. گزینه 1** ترکیب کامل عبارت: علی الطالب: جار و مجرور / النشيط: صفت و مجرور به تبعیت / أن یطمئن: فعل مضارع منصوب و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / بنفسه: جار و مجرور [ه: مضاف الیه و محلاً مجرور] / یوم: مفعول فیه و منصوب / الامتحان!: مضاف الیه و مجرور
ترجمه: دانش آموز فعال باید در روز امتحان به خودش مطمئن باشد!
بررسی موارد در سایر گزینه ها:
- ۲) اللیل: اسم «إِنَّ» و منصوب (ترجمه: همانا شب اگر کوتاه باشد، به انسان اجزاء مطالعه بسیار نمی دهد!)
۳) صباح: مفعول به و منصوب / اللیلة: مضاف الیه و مجرور
ترجمه: صبح شبی را که بیدار ماندم، فراموش نمی کنم، پس در آن احساس خستگی می کردم!
۴) الیوم: مشارالیه (عطف بیان) و مرفوع به تبعیت از اعراب «هَذَا» / الیوم: خبر «کان» و منصوب
ترجمه: امروز از همان روز پنجم از شروع کارهای تحصیلی بود، پس دانش آموزان خوشحالند!
- 27. گزینه 3** زیرا در گزینه های ۱ و ۲ و ۴ به ترتیب «مساء»، «یوماً» و «فَوْقَ» ظرف (مفعول فیه) هستند. در گزینه ی ۳ «صباح» در نقش مبتدا است.
- 28. گزینه 4** در این گزینه «تقدماً» مفعول مطلق بیانی (نوعی) و جمله فعلیه «لا یستطیع...» صفت آن است. تشریح گزینه های دیگر
گزینه ی «۱»: «تقدماً» خبر «کان» است.
گزینه ی «۲»: «تقماً» تمییز است.
گزینه ی «۳»: «تقماً» مفعول به است.
- 29. گزینه 1** منظور از «رفع الشک عن وقوع الفعل»، «مفعول مطلق تأکیدی» است.
در این گزینه، «نصیحة» که مصدری منصوب از فعل «تنصح» است، مفعول مطلق تأکیدی می باشد.
تشریح گزینه های دیگر
- گزینه «۲»: «حساب» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن مضاف الیه (مَنْ) آمده است. / گزینه «۳»: «إحتراماً» مفعول مطلق نوعی است، زیرا پس از آن جمله وصفیه (یزید) آمده است. / گزینه «4»: «تحدّث» مفعول مطلق نوعی است، چون پس از آن مضاف الیه (الخبیر) آمده است.
- 30. گزینه 2** چون «صفت» مذكر است، پس باید موصوف آن نیز مذكر باشد. (رد گزینه های ۱ و ۴) // مفعول مطلق همواره جامد و مصدر است. (رد گزینه ی ۳)
- 31. گزینه 3** استقبال» به صورت ترکیب اضافی آمده و مفعول مطلق نوعی است و در سایر گزینه ها کلمات جدّاً، و قوفاً، مساعدهً مفعول مطلق تأکیدی است. در گزینه ۴ لیستریحوا صفت نیست.
- 32. گزینه 4** الیوم (مبتدا و مرفوع)، یوم (خبر و مرفوع) ولی در گزینه ی ۱ اذا در گزینه ی ۲ الیوم و در گزینه ی ۳ اینما مفعول فیه است.
- 33. گزینه 3** «قراءة» مفعول مطلق نوعی می باشد زیرا بعد از آن جمله ی وصفیه (تؤثّر) آمده است. همچنین این فعل با قرأت هم خانواده است.
- 34. گزینه 3** زیرا باتوجه به صورت سوال، مفعول مطلق تأکیدی می خواهیم و تنها در گزینه ۳ چنین موردی وجود دارد.
- 35. گزینه 2** در این گزینه «مدی» (در طول) ظرف «مفعول فیه» است.
ردّ گزینه های دیگر یوم در «یومک» مضاف الیه است «یوم» در «لیوم» مجرور به حرف جرّ و «عد» در همین گزینه مضاف الیه است.
- در گزینه ی ۳ «حول» مجرور به حرف جرّ و در گزینه ی ۴ نیز «یوم» مجرور به حرف جرّ است.
- 36. گزینه 2** در این گزینه فقط مفعول مطلق آمده (تمتّع) و مفعول فیه به کار نرفته است.
تشریح گزینه های دیگر
گزینه «۱»: «تضییعاً» مفعول مطلق و «دانماً» مفعول فیه است.

گزینه «۳»: «تعلیماً» مفعول مطلق و «طول» مفعول فیه است.
گزینه «۴»: «عند» مفعول فیه و «ابتسامه» مفعول مطلق است.
37. گزینه 2 در گزینه ی «۲»، «تکاسلاً» مفعول مطلق است، ولی مفعول فیه نداریم.
تشریح گزینه های دیگر:



@konkurpex

در گزینه ی «۱»: «مشاهده» مفعول مطلق و «حینما» مفعول فیه، در گزینه ی «۳»، «ایماناً» مفعول مطلق و «أبدا» مفعول فیه و در گزینه ی «۴»، «تقدّما» مفعول مطلق و «ایماناً» مفعول فیه هستند.

38. گزینه 1 بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: یوم: مفعول فیه زمان است.

گزینه ی ۲: فوق: مفعول فیه مکان است.

گزینه ی ۳: فوق: مفعول فیه مکان است.

گزینه ی ۴: نحو: مفعول فیه مکان است.

39. گزینه 1 بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۲: ایماناً هم ریشه آمنت

گزینه ی ۳: تلاوة هم ریشه تتلو

گزینه ی ۴: جدّاً مفعول مطلق است که فعلش محذوف است.

40. گزینه 3 مساعده = مفعول مطلق نوعی است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱: مفعول مطلق وجود ندارد.

گزینه ی ۲: رزقا هم ریشه ی فعل نیست.

گزینه ی ۴: احراق اسم

آن است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۴۲۳۸

۱ -۵	۲ -۴	۴ -۳	۲ -۲	۲ -۱
۴ -۱۰	۴ -۹	۲ -۸	۱ -۷	۴ -۶
۳ -۱۵	۱ -۱۴	۱ -۱۳	۲ -۱۲	۴ -۱۱
۳ -۲۰	۴ -۱۹	۲ -۱۸	۴ -۱۷	۱ -۱۶
۲ -۲۵	۳ -۲۴	۲ -۲۳	۳ -۲۲	۳ -۲۱
۲ -۳۰	۱ -۲۹	۴ -۲۸	۳ -۲۷	۱ -۲۶
۲ -۳۵	۳ -۳۴	۳ -۳۳	۴ -۳۲	۳ -۳۱
۳ -۴۰	۱ -۳۹	۱ -۳۸	۲ -۳۷	۲ -۳۶

کنکور

@konkurpex

تاریخ :

وقت : دقیقه

نام و نام خانوادگی :

تعداد سوالات: ۴۱

سوال ۳۹۴۵۳

1. للترجمة:

قد أثبتت الاكتشافات الحديثة أن كلاً من الألوان يختفي في أعماق البحر، يسبب جزءاً من ظلمته! :

- (1) اكتشافات جديد ثابت کرده است که هر يك از رنگ ها که در اعماق دریا پنهان می گردد، قسمتی از تاریکی آن را سبب می شود!
- (2) کشفیات تازه ثبت کرده اند که همه رنگ های پنهان، علتی برای تاریکی در اعماق دریاها می باشند!
- (3) در کشف های تازه ثابت شده است که هر رنگ مخفی در عمق دریا، سبب قسمتی از تاریکی آن می شود!
- (4) در اکتشاف های جدید ثابت شده است که همه رنگها که در اعماق دریا مخفی شده است باعث جزئی از ظلمت دریا می گردند!

2. للترجمة :

لنعلم الإنسان أن العناوين و الألقاب لا قيمة لها مادامت لا تقترن بالسعي و العمل!

- (1) انسان باید بداند که عنوان ها و لقب ها تا زمانی که همراه سعی و عمل نباشد هیچ ارزشی ندارد!
- (2) هر انسانی می داند که عنوانها و القاب ها تا هنگامی که همراه سعی و عمل می باشد، قیمت دارد!
- (3) هر فردی باید درک کند که عناوین و القاب وقتی دارای ارزش است که همراه تلاش و کار باشد!
- (4) تا یک شخص آگاه باشد که عناوین و لقب ها بی ارزش هستند مادامی که همراه تلاش و کوشش نباشند!

3. للترجمة:

لن نسمح للمستكبرين أن يدخلوا في شؤوننا الاجتماعية و السياسية!

- (1) اجازه ی دخالت در امور جامعه و در سیاست خود را به مستکبران نمی دهیم!
- (2) به مستکبران اجازه نخواهیم داد که در امور اجتماعی و سیاسی ما وارد شوند!
- (3) به استکبارگران اجازه نمی دهیم که در مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه ی ما داخل شوند!
- (4) سخن مستکبران را دایر بر اینکه در کارهای اجتماعی و سیاسی ما مداخله کنند نمی شنویم!

4. ما هو مفهوم البيت الثاني؟

«قَصْرُ الْأَمَالِ فِي الدُّنْيَا تَفَرُّ فِدَائِلُ الْعَقْلِ تَقْصِيرُ الْأَمَلِ»

- (1) از تنبلی رهیدن
- (2) رسیدن به خواسته ها و آرزوها
- (3) زهد پیشه کردن
- (4) کم کردن آرزوها

5. مِمَّا الصَّحِيحُ تَقْبُلُ حَلِيمَةُ وَلَكِنْ تَشْرَطُ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَبْتَدِعَ عَنْ ابْنَتِهَا

- (1) حلیمه می پذیرد بشرط آنکه از دخترش دور نشود.
- (2) حلیمه قبول می کند و بر او شرط می گذارد که از خواهر دور نشود.
- (3) حلیمه قبول می کند ولی با او شرط می کند که از دخترش دور نشود.
- (4) حلیمه پذیرفت و شرط گذاشت که از دخترش دور نشود.

6. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

- «با کسی که دوستی تو را برای رسیدن به مقام های دنیوی می خواهد، معاشرت مکن!»
- (1) لا تصحب الَّذی یطلب الصداقة للوصول إلى المنصب الدنیوی!
 - (2) لا تعاشر من یُريد صداقتك للوصول إلى المناصب الدنیویة!
 - (3) لا یجب أن تعاشر من طلب صدیقتك للوصول إلى المنصب الدنیوی!
 - (4) یجب علیک أن لا تعاشر الَّذی أراد صدقک للوصول إلى مناصب الدنیویة!

7. عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ:

«كان هؤلاء العلماء يسهرون الليالي للمطالعة و ما كانت في بيوتهم مصابيح فكانوا يذهبون عند الحراس ليطلبوا في أضواء القناديل!»:

- (1) این دانشمندان بودند که شب ها برای مطالعه بیدار می ماندند و در خانه هایشان چراغی نبود، پس نزد نگهبانان می رفتند تا در زیر چراغ مطالعه کنند!
- (2) اینان عالمانی هستند که شب ها را برای مطالعه بیدار می ماندند و در خانه هایشان چراغ نبود، پس نزد نگهبانان می رفتند تا با چراغ ها اقدام به مطالعه کنند!
- (3) این دانشمندان شب ها برای مطالعه بیدار می ماندند و در خانه هایشان چراغ هایی نبود، پس نزد نگهبانان می رفتند تا در پرتوهای چراغ ها مطالعه کنند!
- (4) این علماء شب را برای مطالعه سپری می کردند و در خانه ی آن ها چراغ هایی یافت نمی شد، پس نزد نگهبان در پرتو چراغ ها به مطالعه می پرداختند.

8. فِي أَيِّ فِعْلٍ حَذَفَ حَرْفُ الْعَلَّةِ؟

- (1) الْأَطْبَاءُ يَصْفُونَ دَوَاءً مَفِيداً مَرَضِيًّا!
- (2) لَا تَتَّبِعِي نَفْسَكَ بِذَرِيعَةِ الْحَصُولِ عَلَى الدُّنْيَا!
- (3) أَدْعُوا رَبِّي أَنْ يَغْفِرَ ذُنُوبِي الْكَثِيرَةَ!
- (4) لَا يَنْسِينِي رَبِّي فِي لَحْظَةٍ مِنْ عَمْرِي!

9. عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا الْمُضَارِعُ مُجْزِئاً:

- (1) دُوقُ يَا طَالِبَ هَذِهِ عَاقِبَةُ التَّكَاسُلِ!
- (2) مَنْ يَنْتَلِ الْقُرْآنَ فَلَا شَكَّ أَنَّهُ يُؤَثَّرُ فِي قَلْبِهِ!
- (3) لِيُنْتَبَ الْمَذْنَبُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ!
- (4) يَا طَالِبَةَ لَا تَنْسِي الذَّهَابَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ!

10. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا مَعْتَلٌّ نَاقِصٌ:

- (1) اِرْضَ عَنِّي يَا رَبِّ، أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ!
- (2) طَلَبْتُ مِنَ الطَّيِّبِ أَنْ يَصِفَ لِي دَوَاءً يُفِيدُنِي.
- (3) لَا تَنْسَى مَسْئُولِيَّتَكَ أَيُّهَا الطَّالِبَةُ وَ لَا تَدْعِيهَا!
- (4) إِنَّ الْغَوَاصِينَ غَاصُوا فِي أَعْمَاقِ الْبَحْرِ وَ لَمْ يَخْشَوْا.

11. عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

- (1) عَلَيْكَ أَنْ تَحَاسِبِي أَعْمَالَكَ مُحَاسِبَةً صَادِقَةً!
- (2) إِنَّ لِلْمَجْتَمَعِ حَقًّا كَبِيرًا عَلَيْنَا دَائِمًا!
- (3) الشُّكْرُ لِاتِّعَابِ الْكِبَارِ وَ الْعُلَمَاءِ وَاجِبٌ عَلَيْنَا!
- (4) دَخَلَ الْمَعْلَمُ الصَّفَّ خَاشِعًا لِطَلَابِهِ الْمُؤَدِّبِينَ!

12. عَيْنِ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا الْمَفْعُولُ فِيهِ:

- (1) «وَأُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ، إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»
- (2) «أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ»
- (3) «هُمْ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ»
- (4) «يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرَجُ»

13. عَيِّن الخُطأَ في الأفعال المعتلة فيما يلي:

- (1) مريمٌ تُسعى أن تُلقي أمها في البيت!
- (3) لا تُترك والدك الذي لم يُشف من مرضه على الأرض!
- (2) يا تلميذة! امشي على الأرض بتواضع!
- (4) لا تُخشي دون الله حتى تُنجو في حياتك!

14. عَيِّن المفعول فيه ليس اعرابه محلياً:

- (1) هل هذه هدية من عندك؟!
- (3) فرحت كثيراً إذا رأيت صديقي في الشارع!
- (2) متى انتصرت الثورة الإسلامية في إيران؟!
- (4) الجنة تحت أقدام الأمهات!

15. عَيِّن الصحيح في الفعل الناقص:

- (1) المؤمندان هديتنا الآخرين للوصول إلى غاياتهم!
- (3) إرضى عني يا أمي التي تعبت لأجل راحتي!
- (2) أنتن تنلين ما تيسو لكن من الأديعة!
- (4) هذه الطالبة ما نسنت محاولات معلمتها!

16. عَيِّن العبارة التي ما جاء فيها فعل معتل:

- (1) إقرأ السؤال التالي ثم قل جوابه!
- (3) سيرجع أبي من السفر إن شاء الله!
- (2) إنك لن تجد لسنة الخالق تبديلاً!
- (4) انتخبنا للنص عنواناً آخر حسب ذوق!

17. عَيِّن العبارة التي ليس فيها «مفعول فيه للمكان»:

- (1) العقاب شديد على الظالمين يوم الحساب!
- (2) الطائر فوق الشجرة يغرد و يسرنا في كل الأحوال.
- (3) أيها الناس! لا ترفعوا أصواتكم فوق صوت النبي!
- (4) شاهدتُ أصدقائي في الطريق و ذهبنا جميعاً نحو المدرسة.

18. عَيِّن ما ليس فيه المفعول فيه:

- (1) المؤمنات الصالحات يشكرن ربهن دائماً!
- (3) حانت أيام الامتحانات و نحن لم نستعد لها!
- (2) متى ينتهي عملك و تذهب إلى المكتبة!
- (4) إذا شئت أن تُصلي فتوضأ أولاً!

19. عَيِّن ما فيه الحال:

- (1) الفارس يواصل طريق الصحراء مواصلةً صعبةً!
- (3) لا تنزل من السماء ما يطلبها أهل الكسل جاهزةً!
- (2) لن أنسى بعض دروس معلمي أبداً!
- (4) لا يفسد اللحم في النواحي الباردة مدةً طويلةً!

20. عَيِّن صاحب الحال يختلف في الإعراب:

- (1) تعلمت من الدهر أن أعفو الناس قادراً!
- (2) قطعت مسافة بعيدة لزيارة والدي مفتخراً!
- (3) ساعدني أصدقائي في فهم الدروس مسروراً!
- (4) يرشدنا معلماً إلى الصراط المستقيم مشفقاً!

21. عَيِّن العبارة التي تصف الفاعل:

- (1) توقف الأب متحيراً من هذا المنظر الجميل.
- (3) الطلاب يتلون آيات من القرآن أثرت في قلوبهم.
- (2) رأيت قطرات الماء جارية في نهر قرب بيتنا.
- (4) قد اكتشفت بعض الحقائق العلمية و هي كانت مجهولة.

22. عَيِّن ما فيه المفعول المطلق و الحال معاً:

- (1) شاهدتهم مشاهدة المعلم الحاذق حينما كنت مسروراً!
- (2) تقدّمتُ ناجحاً لأنّ أوضاع الدّراسة حسّنت بالأساليب الحسنة!
- (3) التلميذة المؤمنة تريد التقدّم جدّاً متوكّلة على الله!
- (4) إنتظرنا ساعاتٍ و ما جاء أحد من أصدقائنا إلينا!

23. عَيِّن ما ليس فيه الحال:

- (1) ليس هؤلاء الأشخاص في أعمالهم متكاسلين!
- (2) في صباح اليوم رأيتُ في المكتبة صديقتي مُبتسمة!
- (3) يا سميّة؛ أنتِ تذهبين إلى المدرسة مريضة!
- (4) ذهبتُ التّوميصاء إلى خيمة المشركين جريئة!

24. عَيِّن العبارة الّتي تبين فيها حالة المفعول به:

- (1) قطع الرّجل مسافة ثمّ عاد معذراً!
- (2) كنت أنظر إلى صورة والدي متعجباً!
- (3) أرسلتُ الّأمّ أبناءها إلى المعركة مكبرة!
- (4) قرأتُ هذا الكتاب و فهمت المسائل صعبة!

25. عَيِّن الحال :

- (1) جعلتُ صديقتي أمنيّة لأمرى الشّخصيّة لأختبرها!
- (2) تناولت لقمة من الطّعام ثمّ خرجت من البيت خروجاً!
- (3) إلهي، أعطني فرحاً لا أغفل عن تعبدك و طاعتك!
- (4) قمت للإجابة عن الدّرس مؤدّباً ثمّ جلست بإذن المعلم!

اقرأ النّص التّالي بدقه ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النّص:

بعد يوم عسير خرج العمّال و الفلاحون من ساحات عملهم فرحين شاكرين. فهم قد أدركوا جيّداً أنّ هذا السّد الّذي بُنى أخيراً في مدينتهم جاء لهم بالخير و البركة!

بعد ساعات سترت الظلمة المدينه ... لم يسمع صوت ... كان هنالك صوت ضعيف يسمعه اللّيل منذ زمن مديد ... كان الصّوت يأتي من ذلك السّد الّذي بُنى على نهر عظيم في المدينه ... حين استمع اللّيل بدقه فطن بأنّ صاحب هذا الصّوت حجر صغير في أسفل بناء السّد ...

إنّه كان يشتكى حياته السّوداء. ... ما هي قيمتي في هذا السّد؟! أخذ لا يعنى بي فلم أكن نافعا في الوجود. ... طوبى لتلك الأحجار. ...! النّاس برونها و يشعرون باهميتها و شأنها ... و لكن من أنا ...؛ فقصد أن يتحرّك من مكانه شامتا القدر و الحياه. ... و لكن بسقوطه من مكانه جرى الماء من داخل السّد و غرقت المدينه. ...!

26. عَيِّن الخطأ في التشكيل

«بعد ساعات سترت الظلمة المدينه، لم يسمع صوت، كان هناك صوت ضعيف يسمعه اللّيل!»:

- (1) الظّلمة- يسمَع- صَوْتُ
- (2) ضَعِيف- يَسْمَعُه- اللّيل
- (3) سَتَرَتِ- الظّلمة- المَدِينَة
- (4) سَاعَاتٍ- سَتَرَتِ- المدينه

27. عَيِّن الخطأ في التشكيل

«حين استمع اللّيل بدقه فطن بأنّ صاحب هذا الصّوت حجر صغير!»:

- (1) حين- اسْتَمَعَ- اللّيل
- (2) فَطَنَ- صاحِب- صَغِيرٌ
- (3) اللّيل- دَقِه- فَطَنَ
- (4) اسْتَمَعَ- صاحِب- حَجَرٌ

28. عَيِّن الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي

«أكن» :

- (1) مجرّد ثلاثي- مبنى/ مجزوم بحرف «لم» و علامه جزمه السكون، خبره «نافعاً»
- (2) مضارع- للمتكلم وحده- معتل و أجوف/ من الأفعال الناقصه و هي من النواسخ
- (3) مجرّد ثلاثي- معتل و أجوف/ فعل مجزوم بحرف «لم» و علامه جزمه حذف حرف العله
- (4) فعل مضارع- للمتكلم وحده- معرب/ فعل من الأفعال الناقصه، اسمه ضمير «هو» المستتر

29. عَيْنِ المفعول فيه:

- (1) على الطالب النشاط أن يطمئن بنفسه يوم الامتحان!
- (2) إنَّ اللّيل إن كان قصيراً، لايسمح للإنسان أن يطالع كثيراً!
- (3) لا أنسى صباح اللّيلة التي سهرتها، فكنت أشعر فيه بالتعب!
- (4) كان هذا اليوم هو اليوم الخامس من بداية الأعمال الدراسية فالطلاب فرحون!

30. عَيْنِ المفعول فيه:

- (1) لا تحزن على ما فاتك أبداً،
- (2) و لا تفرحن بما أوتيت كثيراً،
- (3) لأنك قد تُفكر أن شيئاً ينفَعك و لاخير فيه،
- (4) و تظن أن شيئاً يضرّك و هو ينفَعك!

31. عَيْنِ التأكيد للفعل :

- (1) ما شاهدت تنافساً كتنافس هؤلاء التلميذات في الدروس!
- (2) تنافست التلميذات في حفظ الدروس تنافساً عجبياً!
- (3) قد أنعم الله على الإنسان إنعاماً و لو كان كفوراً!
- (4) قد أنعم الله على البشر إنعاماً و افرأ لعلّه يستقيم!

32. عَيْنِ ما ليس فيه المفعول فيه:

- (1) لعب الأطفال بفرح في الملعب و رجعوا مساءً!
- (2) إحترم الكبير و أنت شاب، لأنك يوماً ستكون كبيراً!
- (3) التقيت بصديقي في الطريق و قلت له: صباحك بخير!
- (4) أَللهم! اجعل هذا الصباح حاملاً لنا من الخير فوق ما نرجو!

33. عَيْنِ المفعول المطلق:

- (1) أحببت كلام معلّمى لأنّه كان كلاماً نافعاً دائماً!
- (2) يطالب هذا المجاهد حقاً قد سلبه الظالمون!
- (3) ندعو الله أن يهبنا صبوراً جميلاً عند المصائب!
- (4) من يصبر في الشدائد يجد ثمرته في حياته حقاً!

34. عَيْنِ ما ليس فيه المفعول فيه :

- (1) يوم أمس كان نور القمر يخلب العيون وسط السّماء!
- (2) أكل الفواكه في كلّ يوم يسبّب سلامه جسم الإنسان!
- (3) متى تستطيع أن تجيء عندي حتّى ندرس معاً خلف منضدتي الجديده!
- (4) هناك جذب مكتبتي كرسى كبير أجلس أكثر الأوقات عليه لمطالعه الدّروس!

35. عَيْنِ العبارة التي تعيّن زمان وقوع الفعل:

- (1) إنَّ يوم الجمعة من الأيام المباركة.
- (2) أصلي صلاة الصبح عند مطلع الفجر.
- (3) سَخَّر الله الليل و النهار للإنسان.
- (4) و فوق كلّ ذى علم عليم.

36. لما نشك في تأليف المعلم ، نقول:

- (1) المعلم يؤلف حانقاً (2) ألف المعلم كتاباً
- (3) ألف المعلم تأليفاً (4) الكتاب ألف سريعاً

37. عَيْنِ المفعول المطلق :

- (1) الشكر للمخلوق كالشكر للخالق.
- (2) شكراً كثيراً علي جهادك يا مجاهداً في سبيل الله!
- (3) حان وقت الشكر و الحمد بذكر مكارمه الأخلاقية
- (4) أقدم شكري العظيم لمن أرشدني إلي طريق الحق!

38. عَيْن: المفعول المطلق

- 1) إِنَّ فِي ذَلِكَ حَقًّا.
- 2) طَالِبْتُ حَقًّا قَدْ سُلِبَ.
- 3) كَلَامِكَ صَحِيحٌ حَقًّا.
- 4) كُنْتُ حَقًّا فِي الْأَمْرِ.

39. عَيْن العبارة التي ليس فيها المفعول المطلق:

- 1) تَأَثَّرَ الطَّالِبُ بِكَلَامِ مَعْلَمِهِ أَيْضًا.
- 2) نَالَ الطَّالِبُ نَجَاحًا عَظِيمًا فِي الْإِمْتِحَانِ.
- 3) سَبَّحَانَ اللَّهُ رَبَّ الْعَرْشِ مِمَّا يَصِفُونَ.
- 4) مَعَاذَ اللَّهِ مِنْ هَذِهِ الْأَخْبَارِ السَّيِّئَةِ!

40. عَيْن حرف العلة «الياء» محذوفاً:

- 1) أَنْتَ تَهَيِّبِينَ أَمْوَالَكَ لِلْفُقَرَاءِ حَتَّى لِمَسَاعِدَتِهِمْ!
- 2) لَا تَنْتَهَ عَنْ أَخْلَاقٍ وَأَنْتَ تَعْمَلُ مِثْلَهَا دَائِمًا!
- 3) أَللَّهُمَّ؛ أَنْتَ أَهْلٌ لَتَجُودَ عَلَيْنَا بِفَضْلِكَ وَمَغْفِرَتِكَ!
- 4) لَا تَخَوْفُوا فِي أَمْوَالِ بَيْتِ الْمَالِ أَبَدًا، أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ!

@konkurpex

1. **گزینه 1** قد أثبت - ثابت کرده است چون ماضی نقلی است، كُلاً من الألوان: هر يك از رنگ ها.
2. **گزینه 1** مهم ترین موضوع این است که لای نفی جنس باید با هیچ ترجمه شود.
3. **گزینه 2** لن + مضارع = مستقبل منفی (آینده ی منفی) رد گزینه های ۱، ۳، و ۴، به مستکبران ... «لن نُسَمَح» یعنی «اجازه نخواهیم داد» / «أن یدخلوا» یعنی «داخل شوند»
4. **گزینه 4** با توجه به معنای بیت «آرزوها را در دنیا کم کن تا رستگار شوی زیر نشانه ی عقل کم کردن آرزوهاست» گزینه «۴» صحیح است.
5. **گزینه 3** تقبل حلیمة: حلیمه قبول می کند. ولكن تشرط علیه: ولی با او شرط می کند. أن لا یبتعد: که دور نشود. عن ابنتها: از دخترش.
6. **گزینه 2** (۱ دوستی تو: صداقتک (ضمیر «ک» باید برای «صداقة» چون «صداقة» مضاف واقع شده نباید «ال» بگیرد.) / مقام ها ← المناصب / مقام های دنیایی: المناصب الدنیویة (موصوف جمع غیر عاقل است و صفت آن باید به صورت مفرد مؤنث باشد)
- ۳) معاشرت مکن: لا تصحب (لایجب : واجب نیست ← استفاده ی آن به جای «لاتصحب» اشتباه است) / مقام ها ← مانند گزینه (۱) / مقام های دنیایی ← مانند گزینه (۱) / می خواهد: فعل مضارع اخباری است ← یطلبُ
- ۴) معاشرت مکن ← مانند گزینه (۳) («یجب علیک» به معنای «بر تو واجب است» می باشد) همچنین «أن لاتعاشر» به معنای «که معاشرت نکنی» است و به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود / «مقام های دنیایی» ترکیب وصفی و اضافی است و همچنین چون نکره نیست «مقام های دنیایی» باید همراه با «ال» بیاید تا معرفه باشد.
7. **گزینه 3** «کان... یسهرون»: بیدار می ماندند (ماضی استمراری) / «هؤلاء العلماء»: این دانشمندان / «اللّیالی»: شب ها / «للمطالعة»: برای مطالعه / «ما کانت»: نبود / «فی بیوتهم»: در خانه هایشان / «مصاییح»: چراغ هایی / «کانوا یدهبون»: می رفتند (ماضی استمراری) / «عند الحرّاس»: نزد نگهبانان / «لیطالعوا»: تا مطالعه کنند / «فی أضواء»: در پرتوهای / «القنادیل»: چراغ ها
- به ماضی استمراری که کان با مضارع می آید توجه کنید همچنین بعد از اسم اشاره ای اسم دارای ال بیاید اسم اشاره مفرد ترجمه می شود.
8. **گزینه 1** یصْفُونَ از ریشه ی وَصَفَ که در مضارع عَلَّی و او حذف شده به صورت «یَصِفُ» و در صیغه ی للغائبین به صورت «یَصِفُونَ» در آمده است.
9. **گزینه 1** «دُقُ» فعل امر مخاطب از «تَدُقُ» است در گزینه های دیگر به ترتیب یَثُلُ، یُوَثِّرُ - لِيَتَّب - لا تَنْسَى مجزومند.
10. **گزینه 2** در گزینه ی ۲ معتل ناقص ندارد و فعل یصف مثال و یفید اجوف است. در گزینه ی ۱ ارض ناقص است. در گزینه ی ۳ تنسی ناقص است و تدعها مثال است و در گزینه ی ۴ غاصوا اجوف و یخشاوا ناقص است.
11. **گزینه 1** محاسبية مفعول مطلق نوعی است که با فعل جمله هم خانواده است.
- در گزینه ی ۲ حقاً اسم موخر برای انّ - در گزینه ی ۴ خاشعاً حال برای صاحب حال المعلم
12. **گزینه 3** زیرا هرگاه قبل از ظرف، حرف جرّ بیاید دیگر آن کله ظرف نیست بلکه مجرور به حرف جرّ است.
- بررسی سایر گزینه ها:
- گزینه ی ۱: عند ، گزینه ی ۲: بین ، گزینه ی ۴: «یوم» در یومئذ و این ظرف هستند.
13. **گزینه 4** در این گزینه، فعل «تَنْجُو» مضارع ناقص و صیغه ی للمخاطب است، در حالی که باید مضارع منصوب ناقص در صیغه ی للمخاطبة و با علامت فرعی اعراب (حذف نون اعراب)، یعنی «تَنْجِی» باشد، پس فعل معتل ناقص در این گزینه، نادرست به کار رفته است.
14. **گزینه 4** «تحت» مفعول فیه و منصوب به فتحه است.
- بررسی موارد در سایر گزینه ها
- گزینه «۱»: در عبارت داده شده، مفعول فیه وجود ندارد. / گزینه «۲»: «متی» مفعول فیه و محلاً منصوب است. / گزینه «۳»: «إذا» مفعول فیه و محلاً منصوب است.

15. گزینه 3 شکل صحیح در گزینه ۱ «هَدَاتَا» است. اگر ماضی ناقص مفتوح العین باشد در صیغه‌های ۳، ۴، ۵ حرف عله حذف می‌شود.

شکل صحیح در گزینه ۲ «تَتَلُون» است. اگر مضارع ناقص مضموم العین باشد ۲ صیغه جمع مذکر با جمع مؤنث شباهت خواهند داشت. يَتَلُون (لِلغَائِبِينَ، لِلغَائِبَات) تَتَلُون (لِلْمَخَاطِبِينَ، لِلْمَخَاطِبَات) بنابراین تَتَلِينَ با ضمیر اَنْت صحیح است.

اگر ماضی ناقص مکسور العین باشد حرف عله فقط در گزینه ۳ حذف می‌شود.

16. گزینه 4 فعل «انتخبْتُ» از ریشه «نَخَبَ» است که فعلی صحیح است، نه معتلّ و کلمه «ذوق» هم اسم است نه فعل. بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: فعل «اِقْرَأْ» از ریشه «قَرَأَ» فعلی صحیح (مهموز) است، نه معتلّ و فعل «قُلْ» معتلّ است.

گزینه «۲»: فعل «لَنْ تَجِدَ» معتلّ است.

گزینه «۳»: فعل «سیرجُعْ» از ریشه «رَجَعْ» فعلی صحیح و فعل «شَاءَ» معتلّ است.

17. گزینه 1 بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: یوم: مفعول فیه زمان است.

گزینه ۲: فوق: مفعول فیه مکان است.

گزینه ۳: فوق: مفعول فیه مکان است.

گزینه ۴: نحو: مفعول فیه مکان است.

18. گزینه 3 زیرا در این عبارت «ایام» در نقش فاعل برای فعل «حانت» می‌باشد معنای عبارت = فرا رسید ایام امتحانات زیرا ظرف باید دربرگیرنده معنای «فی = در» باشد.

19. گزینه 3 «جاهزة» حال مفرد و منصوب است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: «مواصلة» مفعول مطلق نوعی و «صعبة» صفت آن است.

گزینه «۲»: «أبدأ» مفعول فیه است.

گزینه «۴»: «مُدّة» مفعول فیه و «طويلة» صفت آن است.

20. گزینه 3 در این گزینه ی صاحب حال ضمیر «ی» در «ساعذنی» است که در نقش «مفعول به» است.

اما در گزینه‌های دیگر «ت» در «تَعَلَّمْتُ» و «تُ» در «قَطَعْتُ» و «مَعْلَمٌ» در «مُعَلِّمًا» همگی در نقش فاعل اند و صاحب حال می‌باشند.

21. گزینه 1 متحیراً = حال و صاحب حال، «الأب» می‌باشد که فاعل است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «تحریری» جمله حالیه و حالت قطرات که مفعول به است را بیان می‌کند.

گزینه ۳: «أثرت» جمله حالیه و حالت آیات که مفعول به است را بیان می‌کند.

گزینه ۴: هم «و» هی کانت مجهدلة» حالت الحقائق را بیان می‌کند که مضاف الیه است.

22. گزینه 3 «جذأ» مفعول مطلق و «متوكلّة» حال و منصوب است.

بررسی موارد در سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: «مشاهدة» مفعول مطلق نوعی است و «مسروراً» خبر افعال ناقصه و منصوب است، پس در این عبارت حال وجود ندارد.

گزینه «۲»: «ناجحاً» حال و منصوب است، اما مفعول مطلق در این عبارت وجود ندارد، «الحسنة» صفت و مجرور به تبعیت از موصوف خود است.

گزینه «۴»: «ساعات» مفعول فیه است و در این عبارت، مفعول مطلق و حال وجود ندارد.

23. گزینه 1 در این گزینه، «مُتَكاسِلِينَ» خبر افعال ناقصه است نه «حال».

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه «۲»: «مُبْتَسِمَةً» حال و «صديقة» صاحب حال است.

گزینه «۳»: «مریضة!» حال و ضمیر «یاء» در «تذهبین» صاحب حال است.

گزینه «۴»: «جرینة» حال و «الرّمیضاء» صاحب حال است.

24. گزینه 4 در گزینه ی «۱»: «معتدراً» حال است برای فاعل (هو مستتر)، در گزینه ی «۲»، «متعجباً» حال است برای فاعل (أنا مستتر) و در گزینه ی «۳»، «مكبرَةً» حال است برای فاعل (الأمّ)، اما در گزینه ی «۴»، «صعبة» حال است برای مفعول به (المسائل).

25. گزینه 4 «مؤدّباً» اسمی مشتق، منصوب و نکره است که حالت ضمیر «ت» در «قمت» را بیان می کند. ترجمه: برای پاسخ گویی به درس مؤدّبانه برخاستم، سپس با اجازه معلم نشستم. بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱: آمینه، مفعول به دوم برای فعل «جعلت»

ترجمه: دوستم را برای کارهای شخصی ام امانت داری قرار دادم تا او را بیازمایم.

گزینه ۲: خروجاً: مفعول مطلق تأکیدی برای فعل «خرجت»

ترجمه: لقمه ای از غذا را خوردم، سپس از خانه خارج شدم.

گزینه ۳: فرحاً: مفعول به دوم برای فعل «أعطنی»

ترجمه: خدای من، به من شادی ای را عطا فرما که از عبادت کردن و اطاعتت غافل نشوم.

26. گزینه 3 زیرا الظلّة فاعل و باید مرفوع و المدینة مفعول به و باید منصوب باشد. پس گزینه ی ۳ خطاست.

27. گزینه 4 زیرا صاحب اسم آن باید منصوب باشد.

صاحب	بأنّ	فطن	بدقة	اللّیل	استمع	حین
مضاف	اسم آن	فعل ماضی	جارو مجرور	فاعل مرفوع	فعل ماضی	ظرف منصوب
		از حروف	صغیر	حجر	الصوت	هذّا
			صفت مرفوع	خبر آن	صفت مرفوع	تابع اسم
		مشبهة بالفعل				

منصوب محلاً مجرور اشاره مجرور مرفوع

28. گزینه 2 بررسی موارد در سایر گزینه ها :

(۱) مبنی = نادرست معرب = درست

(۳) علامه جزمه حذف حرف العلة = غلط

علامه جزمه سکون = درست

(۴) اسمۀ ضمیر مستتر هو = نادرست - اسمۀ ضمیر أنا مستتر = درست

29. گزینه 1 ترکیب کامل عبارت: علی الطالب: جار و مجرور / النشيط: صفت و مجرور به تبعیت / أن یطمئن: فعل

مضارع منصوب و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / بنفسه: جار و مجرور -ه: مضاف الیه و محلاً مجرور / یوم: مفعول

فیه و منصوب / الامتحان!: مضاف الیه و مجرور

ترجمه: دانش آموز فعال باید در روز امتحان به خودش مطمئن باشد!

بررسی موارد در سایر گزینه ها:

(۲) اللیل: اسم «ان» و منصوب (ترجمه: همانا شب اگر کوتاه باشد، به انسان اجزاه مطالعه بسیار نمی دهد!)

(۳) صباح: مفعول به و منصوب / اللیلة: مضاف الیه و مجرور

ترجمه: صبح شبی را که بیدار ماندم، فراموش نمی کنم، پس در آن احساس خستگی می کردم!

(۴) الیوم: مشارالیه (عطف بیان) و مرفوع به تبعیت از اعراب «هذا» / الیوم: خبر «کان» و منصوب

ترجمه: امروز از همان روز پنجم از شروع کارهای تحصیلی بود، پس دانش آموزان خوشحالند!

30. گزینه 1 "أبدأ" در این گزینه ظرف (مفعول فیه) است.

31. گزینه 3 زیرا در گزینه ی ۱ تنافساً و در گزینه ی ۲ تنافساً و در گزینه ی ۴ انعاماً همگی مفعول مطلق نوعی اند زیرا

همگی توصیف شده اند.

32. گزینه 3 زیرا در گزینه های ۱ و ۲ و ۴ به ترتیب «مساء»، «یوماً» و «فوق» ظرف (مفعول فیه) هستند. در گزینه ی

۳ «صباح» در نقش مبتدا است.

33. گزینه 4 حقاً مفعول مطلق است برای فعل محذوف.

بررسی موارد در سایر گزینه ها: در گزینه ی ۱ «دائماً» مفعول فیه. در گزینه ی ۲ «حقاً» مفعول به. برای فعل یطالب.

در گزینه ی ۳ «صیراً» مفعول به دوم برای فعل هب است و جمیلاً صفت و منصوب است.

34. گزینه 2 زیرا در " فی کلّ یوم" فی = حرف جرّ کلّ = مجرور به حرف جرّ یوم مضاف الیه و مجرور است.

در گزینه های ۱ و ۳ و ۴ به ترتیب کلمات "یوم" - "وسط" ، "متی" - "عند" - "خلف" ، " هناک" - "جنب" - "اکثر" ، ظرف (مفعول فیه) هستند.

35. گزینه 2 عند در این گزینه مفعول فیه و ظرف زمان می باشد. بررسی موارد در سایر گزینه ها: یوم اسم آن است و الایام در گزینه ۱ جار و مجرور است. در گزینه ۳ اللیل مفعول به و در گزینه ۴ فوق مکان را نشان می دهد.

36. گزینه 3 زیرا باتوجه به صورت سؤال، مفعول مطلق تأکیدی می خواهیم و تنها در گزینه ۳ چنین موردی وجود دارد.

37. گزینه 2 زیرا شکرأ مفعول مطلق است که فعل هم ریشه اش محذوف است. در اصل أَشْكَرُ شکرأ کثیراً بوده است. بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ی ۱ : الشکر = مبتدا- کالشکر = جار و مجرور.

گزینه ی ۳ : الشکر = مضاف الیه

گزینه ی ۴ : «شکر» مفعول به برای فعل «أَقَامَ» می باشد.

38. گزینه 3 حقاً در این گزینه مفعول مطلق است. کلمه حقاً در گزینه (۱) اسم حروف مشبهة موخرو در گزینه (۲) مفعول به و در گزینه (۴) خبر کان منصوب می باشد.

39. گزینه 2 در گزینه ی ۲ مفعول مطلق وجود ندارد ولی در سایر گزینه ها «۱-أیضاً - ۳- سبحان - ۴- معاذ» مفعول مطلق هستند.

40. گزینه 2 زیرا «لا تَنْهَ» فعل نهی از فعل «تَنْهَى» (از ریشه ی نَهَى) است که با حذف حرف عله مجزوم شده است.

@konkurpex

پاسخنامه کلیدی آزمون با کد: ۳۹۴۲۵۳

۳ -۵	۴ -۴	۲ -۳	۱ -۲	۱ -۱
۲ -۱۰	۱ -۹	۱ -۸	۳ -۷	۲ -۶
۳ -۱۵	۴ -۱۴	۴ -۱۳	۳ -۱۲	۱ -۱۱
۳ -۲۰	۳ -۱۹	۳ -۱۸	۱ -۱۷	۴ -۱۶
۴ -۲۵	۴ -۲۴	۱ -۲۳	۳ -۲۲	۱ -۲۱
۱ -۳۰	۱ -۲۹	۲ -۲۸	۴ -۲۷	۳ -۲۶
۲ -۳۵	۲ -۳۴	۴ -۳۳	۳ -۳۲	۳ -۳۱
۲ -۴۰	۲ -۳۹	۳ -۳۸	۲ -۳۷	۳ -۳۶

کنکور

@konkurpex